

سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

۳۳ صفحه

۸۷

# پیکار

سال دوم - دوشنبه ۸ - دی ۱۳۵۹ بهار ۳۰ ریال

**در صفحات دیگر این شماره:**

- هسته‌های مقاومت، جماعتی برای سرکوب کارگران! صفحه ۳
- رژیم جمهوری، بادهان به آمریکا فحش میدهد و با دست از او اسلحه می‌گیرد! صفحه ۷
- گزارشی از اوضاع سیاسی عراق صفحه ۲۰
- دو سیاست در قبال جنبش مقاومت خلق کرد صفحه ۵
- انقلاب فلسطین در آستانه هفدهمین سال صفحه ۱۵

## آقای رفسنجانی و رسوائی ۲۰۰ میلیون تومانی

پس از آنکه سندتکان دهنده ۲۰۰ میلیون تومان خرید سلاح از خارج بوسیله آقای رفسنجانی از جانب سازمان مادر تاریخ ۵۹/۹/۱۹ منتشر شد و هزاران نسخه آن دست بدست گشت، رژیم جمهوری اسلامی منتهای کوشش خود را بکار برد تا این رسوائی را برای خودها توجیه کند.

اما توجیه و ما ستالی "فضیه"،

- برای خودهای زحمتکشی کعبه نان ایشان محتاج اند.
- برای خودهای آوارهای کعبه اعتراف نما بنده خرمشهر، در سبندر دهر و زبده آوارگان غذا نداده بود ند و کاراکتر آنها به گدائی کشیده بود،"

بقیه در صفحه ۳۰

## آقای بهزاد نبوی: دود روغ و یک راست! ۱,۴۰۰,۰۰۰ تومان خرج سفر رجائی به نیویورک!

صفحه ۲۹

# گیر خرواست انقلاب علیه ضد انقلاب

## افشای ماهیت سران لیبرالها و حزب جمهوری اسلامی در یسنگاه خلق

صفحه ۱۱

## شکاف در "بالا" فرصتی دیگر برای پیشبرد انقلاب

ویژگی شرایطی که در آن بسر میریم جدت با بی مبارزه طبقاتی و اوجگیری با زهم بیشتر جنبش توده - ای است و این نتیجه محتوم بحران اقتصادی حاکم بر جامعه، فقر و فلاکت روز افزون توده ها، ما هیت و عملکرد ضد خلقی رژیم جمهوری اسلامی، افزایش آگاهی سیاسی و طبقاتی بیرونی را با توده های تحت ستم است.

هر روز که از عمر این رژیم می - گذرد، بر شدت بحران افزوده میشود و زحمتکشان بتدریج توهمشان نسبت به کل رژیم عموما و به حزب حاکم خصوصا در حال فرو ریختن است این روند بویژه پس از شروع جنگ و تشدید فلاکت و افزایش چشمگیر بیکاری، گرانی و وضع بسیار رقت بار آوارگان و ساکنین مناطق جنگ زده و همزمان با آن تشدید خفقان و سر - کوب حرکات اعتراضی و جنبش توده - ای، همچنان قوس صعودی داشته و این خود رشد و گسترش جنبش توده ای را باعث گردیده است.

بقیه در صفحه ۲

## حملات رژیم علیه انجمن کارکنان مسلمان را محکوم میکنیم

صفحه ۸

## سیاست مجاهدین خلق در قبال لیبرالهای خیانت پیشه

صفحه ۹

## پایگاههای نظامی و مستشاران امپریالیسم امریکا و سوسیال امپریالیسم شوروی در منطقه

صفحه ۱۴

## راهپیمائی و اجتماع پیش از ۲۰۰۰ کارگر مناطق جنگ زده در تهران!

## مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران



بقیه از صفحه ۱ **سرمقاله** ...

ما در هفته‌های پیش و در همین ستون، بسه ایضا در مختلف این جنبش در میان کارگران و زحمتکشان اشاره کردیم و گفتیم شما می‌شاهد و قرائن حاکی از او جگیزی بیش از پیش حرکات اعتراضی و جنبش توده‌ای در سراسر کشور است. آنچه که در همین یکی دو هفته اخیر در جا معس رخ داده است و از آن جمله است، عمده‌ی کارگران دختالیات و شرکت واحد تهران، نظا هرات و راه - بیمایی کارگران مناطق جنگ زده در تهرآن، حرکات اعتراضی آوارگان در مناطق مختلف و متقابلا افزایش حملات سرکوبگرانه دشمن در کردستان و حمله به مجاهدین و مقاومت توده‌ها و نیروهای انقلابی در برابر این حملات و یورش - های ارتجاعی تا بیدی است بر صحت تحلیل ما و بنیانگر دموکراسی طبیعی توده‌ها، کاهش شدید توهم آنها نسبت به هیئت حاکمه و رشد گسترش با ز هم بیشتر جنبش توده‌ای.

اکنون با دیدن تاشیریلوا و اسطابین رشد و گسترش جنبش توده‌ای چه تغییری را در "بالا" و سیاستهای هیئت حاکمه نسبت به این جنبش بوجود می‌آورد و آن میان کمونیستها با بدجه برخوردی با این سیاستها اتخاذ کنند. قانسون مبارزه طبقاتی به دشمن آموخته است که در برابر مقاومت و رشد و گسترش جنبش توده‌ای چاره‌ای جز بکار بردن جماعت سرکوب توده‌ها ندارد و این قاعده است که در تمام طول تاریخ مبارزه طبقاتی و در مورد تمامی رژیمهای ارتجاعی مصداق داشته است و استثناء بردار هم نیست. اما نکته اساسی آنکه با دیدن این قانومندی و قاعده عمومی افزودن است که سرکوب همواره بیک شکل و شیوه و بیک درجه صورت نمی‌گیرد و این بستگی به سطح جنبش توده‌ای از یک سو و درجه وحدت و انسجام درونی دشمن و میزان قدرت او در سرکوب این جنبش از سوی دیگر دارد.

وجود بحران اقتصادی و فشار روزافزون جنبش توده‌ای، تا شیریلوا اسطابین خود را در "بالا" میگذارد و بحران در "بالا" را موجب میشود. با این ترتیب که جناحهای هیئت حاکمه، علیرغم تمام جنبه‌های وحدتشان در سرکوب جنبش و حفظ و تثبیت حیات کل سیستم، در برخورد با بحران عظیمی که آنها را فرا گرفته و اتخاذ راه - حلها و شیوه‌های مختلف فاش آمدن برای این بحران و سرکوب جنبش توده‌ای، دچار اختلاف گردیده و بجان یکدیگر میافتنند و این خود شکاف میان آنها را عمیق و عمیق تر میکند.

تا شیریتقابل بحران پائین و بالا بر روی یکدیگر، اتخاذ شیوه و سیاست متفاوتی از سوی هیئت حاکمه موجب میشود. سیاست سرکوب جنبش توده‌ای (بعنوان شیوه‌ای) و در عین حال سیاست عقب نشینی محدود در برابر فشار روز -

افزون پائین (بعنوان شیوه فرعی)، طبیعی است که تمایل حکومت کننده‌گان جمهوری اسلامی همواره بر روی سیاست سرکوب دور میزند و با نانی از ماهیت ضد خلقی و ناتوانی آنها از پاسخگویی به اساسی ترین خواستهای توده‌ها است، لیکن اتخاذ این سیاست، تنها زمند بر - خورداری از قدرت متمرکز و فرسوده، ثبات و وحدت درونی هیئت حاکمه، یعنی همان چیزی است که هم اکنون رژیم آن را بر خوردار نیست و از اینرو ناگزیر از تن دادن به سیاست عقب نشینی هر چند محدود در برابر فشار جنبش توده‌ای و بخاطر آرایش چهره کوبه و سرکوبگرانه خود و جلوگیری از جدت پایی تافته‌ها و رانده شدن توده‌ها بسمت انقلاب قطعی است.

رژیم جمهوری اسلامی در همان زمان که از طریق وزارت کشور اعلام میدارد که "هرگونه راهیمانی و تحصن و اعتصاب بدون کسب مجوز ممنوع است و متخلفین را به دداگاه انقلاب معرفی و با توجه به مقررات زمان جنگ با آنها رفتار خواهد شد" (مطبوعات ۴ دیماه) و اما ما جمعه تهرآن در خطبه نماز جمعه‌اش و بدنبال حمله نیروهای ارتجاعی و عوامل رژیم به دفتر مجاهدین، نیرو - های انقلابی را با دنا سزا میگیرد و در شرایطی که ارتش و پاسداران در کردستان و دیگر مناطق کشور به سرکوب جنبش توده‌ای و کشتار توده‌ها و انقلابیون می‌پردازند... تحت فشار جنبش توده‌ای، ناگزیر از تشکیل "هیئت بررسی شکنجه" و کتار رگذاشتن خلخالی جلاد و چشمک زدن به مجاهدین و کوشش برای کشتار آنها بزیبر پرچم خود (۳) و سایر اقداماتی از این قبیل بوده است و هما نظور که در عمل نیز شا هدبوده - ایم، رژیم در مقابل سیاستها شروع جنگ ایران و عراق، قدرت و توانایی خود را در سرکوب و تشدید و اعراب و خفقان و بقول خودش اجزای مقررات زمان جنگ از دست داده است.

روشن است که کمونیستها را ستین بر - خلاف رویزونیستها و یور تونیستها به اختلافات درونی هیئت حاکمه و عقب نشینی های آن دل نیسته اند و حتی یک لحظه تافته‌اشتی نا پذیر خود با رژیم حاکم و مبارزه با آنها از یادش نبرد و نخواهند برد. اما این بدان معنی نیست که کمونیستها این مساله را نادیده گرفته و از آن همچون مسائل دیگر بملحاظ تا کتیکسی استفاده نکنند. بالعکس، این وظیفه کمونیست است که از همین شکاف و اختلافات درونی هیئت حاکمه و از همین ناتوانی و عقب نشینی های که رژیم تحت فشار جنبش توده‌ای مجبور به انجام آنست، حداکثر استفاده را نموده و با اتخاذ شیوه‌ها و تاکتیکهای جدیدی متناسب با شرایط حاضر و بویژه در ارتباط و تبلیغ و ترویج و افشاگری سیاسی و رهبری مبارزات توده‌ای، به جدجیدی به این فعالیت داده و بهر جنبش کمونیستی و

دموکراتیک تیم پرولتاریائی را بر جنبش او ج - گیرنده توده‌ها بزنند.

**در این رابطه ضروری است** کلیه اعضا و هواداران دور و نزدیک سازمان با استفاده هر چه بیشتر از شرایط و امکانات علنی و با یک حرکت گسترده و در عین حال تهاجمی، نه تنها در کارخانه و روستا و مدارس و ادارات، بلکه در هر محله و خیابان و بویژه در هر کجا که زحمتکشان حضور دارند، اقدام به توضیح مواضع سازمان، تبلیغ و ترویج سوسیالیستی و دموکراتیک و افشای هیئت حاکمه و جریانات انحرافی رویزونیستی و غیر آن در میان توده‌ها و در همین رابطه سازماندهی و رهبری مبارزات آنها نمایند.

**در این رابطه ضروری است** رفقای هوادار که تا کنون بدلیل شرایط جنگی، قاعده به فروش علنی نشریات و ایجاد بساطت در سراسر راهها و میا دین نبودند، تحت هدایت مسئولین خود و رعایت تمامی جنبه‌های تاکتیکی این فعالیت خود را از سر گرفته و بسا به پیکهای انقلاب، وظیفه فروش نشریات، بخش اعلامیه و پوستر، توضیح ایدئولوژی و سیاست کمونیستها، دفاع از خط مشی و مواضع سازمان و افشای هیئت حاکمه و جریانات انحرافی را بردوش گیرند.

**در این رابطه ضروری است** که رفقا با شرکت در تجمعاتی که بخصوص در مناطق شلوغ و توده‌ای تهران و شهرستانها حول بحث درباره مسائل جنبش موقعیت هیئت حاکمه و... تشکیل میشود به افشای هیئت حاکمه و تبلیغ و ترویج مواضع سازمان بپردازند و در صورت امکان و مناسب بودن شرایط دست به تظاهرات و محدود زده و با طرح شعارهای مناسب و بموقع رهبری آنرا بدست گیرند.

**رفقا! بکوشیم** در شرایطی که بحران اقتصادی و سیاسی هیئت حاکمه را احاطه کرده و او را در برابر رشد جنبش توده‌ای و فشار عظیم پائین از آن بسه ناتوانی وضعف کشتارنده است، و در شرایطی که جناحهای هیئت حاکمه و دیگر آلترنا تیهوهای ارتجاعی میکوشند، به سرکوب و با فریب توده‌ها بپرداخته و مانع از رشد و گسترش انقلاب شوند - با استفاده از تمامی امکانات موجود، آلترنا - تیو کمونیستی و پرولتاری را بمیان توده‌ها برده و در رشد و تعمیق تالیات دموکراتیک توده‌ها و مبارزه با آلترنا تیهوهای ارتجاعی و نا پیگیر و در همین رابطه سازماندهی و رهبری مبارزات توده‌ای لحظه‌ای درنگ نکنیم.

(۳) - مراجعه کنید به متن مصاحبه اخیر آیت الله منتظری و یادداشت‌های سیاسی در همین شماره پیکار

**به استقبال جنبش او جگیزنده توده‌ها بشویم**



# جنبش کارگری



## راهپیمائی واجتماع بیش از ۲۰۰۰ کارگر مناطق جنگ زده درتهران

۳ - روزشنبه ۹/۲۹ کارگران بندرخرمشهر(قسمت تخلیه وگمرک )، بعد از مدت ها که درخواست سه ماهه حقوق به تعویق افتاده شان را کرده و نتیجه ای نگرفته بودند، به تهران آمدند، آنها ابتدا به اداره بنا دروگشتیرانی مراجعه میکنند و بعد از آنکه نتیجه ای عایدشان نمیشود، به وزارت کار مراجعه میکنند، کارگران که حدود ۲۰۰۰ نفر بودند، با بی توجهی مقامات وزارت کار مواجه میشوند بنا براین تصمیم میگیرند نزدنخست وزیر بزنند و لذا بصورت دستجمعی بسمت نخست وزیر راهپیمایی میکنند، بعد از رسیدن به آنجا مسئولان نخست وزیر سعی میکنندطبق معمول کارگران را سردوانده و متفرق کنند، اما زمانیکه با اراده استوارکارگران که تحت فشارناشی ازنیپداختن حقوقشان، ازجنوب تهران آمده اند، مواجه میگرددند، موافقت میکنندکه چندتن ازکارگران به نما بندگی ازبقیه داخل ساختمان بیروند، اما نخست وزیرازپذیرفتن کارگران خودداری کرده و شخص دیگری را برای صحبت نزدنمایندگان میفرستند هنگامیکه این امررا به اطلاع کارگران میرسانند خشم کارگران برانگیخته شده و یک ربع به نخست وزیروقت میدهند که اگر آنها را نپذیرد بزوروا ردا سخنان خواهند شد، بنا براین مقامات مجبور میشوند کارگران را بپذیرند و ملی به آنها میگویند پول نداریم و بروید ۱۵ روز دیگر بیاید!

بدنبا ل سردواندنه ای رژیم کارگران بندر  
شبه در صفحه ۲۵

## هسته های مقاومت، چماقی برای سرکوب کارگران!

کارگران وادیت وآزارکارگران مبارزمی - پرداخت، رژیم شاه همچین طرحی بی چون " طرح تا مین داخلی و پداقتدی " را نیز بمنظور تسلط هر چه بیشتر بر کارخانجات و سرکوب کارگران به مورد اجرا میگذاشت. حال رژیم جمهوری اسلامی که در تمام زمینه های سرکوب درمداست تسا روی رژیم چنانکه را شاه را سفید کند، در نظر دارد تا از طریق تشکیل هسته های از کارکنان نا آگاه، همان کارسواک را در کارخانجات جات انجام دهد، رهبران حزب جمهوری اسلامی که در غم افزایش تولید کارخانجات نشسته اند، بمنظور سرکوبی مبارزات کارگران که - سود سرما به داران را کم میکند، چنین طرح ضد کارگری را به دولت پیشینا دکرده اند و خود دست به سازمان دهی آن زده اند.

" هسته های مقاومت " که وظیفه دفاع از منافع سرما به داران را بعهده دارند، همچون دسته های شبه نظامی در کارخانه ها عمل کرده و وظیفه دارند هرگونه اعتراض حق طلبانه ای را تحت عنوان - بقیه در صفحه ۲۴

حزب جمهوری اسلامی که یکی از جناح های رژیم را تشکیل میدهد، بدنبا ل کسب قدرت در اغلب ارگانهای دولتی بمنظور نفوذ در کارخانه ها و کنترل آنها، طرحی را مبنی بر تشکیل " هسته های مقاومت " در کارخانه ها، بمورد اجرا گذاشته است، بهشتی رهبر حزب در جلساتی که او از شهر بیروا و ایسل مهرا سال در " خانه کارگر " از مسئولین سپاه پاسداران و اعضای انجمنهای اسلامی تشکیل شده بود، طی سخنرانی خود اهداف این هسته ها را بیان کرد. حال ببینیم این داور - دسته سرکوبگر چه خواهی برای کارگران دیده اند - رژیمهای سرما به داری برای حفظ حاکمیت خود و ادامه استثمای طبقه سرما به دار، همواره به نیروهای مسلح و سرکوبگر خویش متکی هستند، این نیروها اشکال مختلفی دارند، مثلا رژیم شاه خاشن علاوه بر ارتش، پلیس و ژاندارمری، ساواک جهنمی را بوجود آورده بود که به شناسایی افراد مبارز و تعقیب و شکنجه آنها می پرداخت، بیاداریم که چگونه شعبه ساواک در کارخانجات تحت عنوان " اداره حفاظت " به سرکوب مبارزات

## انجمن اسلامی کارخانه ماشین سازی چه میکند

کارگران مبارز!  
دیروز:

اما امروز:

۳ - انجمن اسلامی سنگ منافع کارگران را به سینه میزند و بخاطریه " اصطلاح منافع کارگران " وضعیت کارخانه به " حسن صدر " نامه مینویسد، ۳ - انجمن اسلامی شروع به افشای ماهیت غلامرنا ثابت میکند و ادعا مینماید که نقشی در انتصاب مدیران نداشته است.

### مامیگویشیم

کدامش را باور کنیم؟! ولی ما ما مهیت ضد کارگری رژیم جمهوری اسلامی وانجمن اسلامی را خوب میشناسیم و خوب میدانیم که اعمال فعلی آنها برای فریب کارگران و پوشاندن رسوائی - شان نمیشود. رسوائی که بخوبی چهره ضد کارگری انجمن اسلامی واریا با نشان را نمایان میسازد. عده ای از کارگران مبارزان ماشین سازی، تیریز (۵۹۹/۲۲)

جمهوری اسلامی بر علیه شورای کارکنان ماشین سازی توطئه می چید و آنرا " امریکائی و ضد انقلابی " مینامید و خواهان اداره مورکارخانه به دست مدیران و مسئولین انتصابی رژیم بود، ۳ - انجمن اسلامی غلامرنا ثابت را برادرشایت خطاب میکرد و وی را پیرو خط امام میدانست، ۳ - انجمن اسلامی هنگامیکه ثابت بخاطرخواستش ۱۸۰۰۰ تومان حقوق ماهانه کارخانه را ترک گفت، بخاطریه " اصطلاح " نیروهای ضد انقلاب " از این موضوع برای افشای ماهیت ثابت و رژیم ستفاده نکتند، خواستار بازگشت وی به سمت مدیریت بود، ۳ - انجمن اسلامی مدیرانی چون هاشمی، نادری، محجوب را انتصاب مینمود.

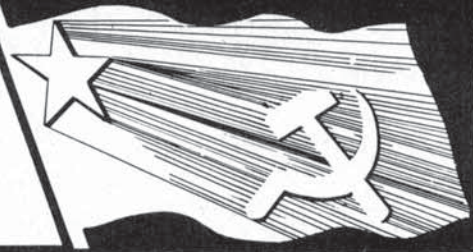
## منتشر شد:



# پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر



## وظایف عملی ما در قبال جنبش کارگری و توده‌های



### تبلیغ از دیدگاه مارکسیسم - لنینیسم (۱۱)

#### ب- مشخصات تبلیغ

##### ۷- تبلیغ، تعرضی است

در قانون چهارم تبلیغ (بمبارک ۸۳) گفتیم، بیان حقایق، امل اساسی تبلیغ است و گفتیم این مسئله ریشه در منافع تاریخی توده‌ها دارد. ما بیان حقیقت خود محتاج سبک پیکار - جوینده است. حقیقت ترسو و لرزان نیست. حقیقت شجاع و ویران کننده دنیای کهن است. کسی که حقیقت را بیان میدارد، در واقع، "به کهنه" و "نظام پوسیده" تعرض میکند. این تعرض برای ارتقاء احساسات و روحیات توده‌ها ضروری است. بیان حقیقت چون بنگ آنچه را که با منافع تاریخی توده‌ها در تضاد است، افند، ویران میکند. چاقوی تیزی است که تافته را میشکافد و ماهیت و قوانین آنرا عریان میکند. ما توبه شیواشی در لزوم سبک پیکار جوینده و تعرضی میگوید:

"آنگاه که ما میخواهیم شناخت حقیقت را به خلق بیاوریم و او را به مبارزه بخاطر رهاشی خویش برانگیزیم، به چنین سبک پیکار جوینده‌ای نیاز مندیم. چاقوی کند خون نمی‌ریزد." (۱) (تاکیدا زماست.)

تنها کسی سبک پیکار جوینده در تبلیغ را قبول ندارد که بیان صریح حقایق با منافع طبقاتی اش در تضاد است. افند، رویزونیست‌ها خواهان آنچنان تبلیغی هستند که به نظام کهنه طبقاتی یورش نبرند و بیرحمانه بورژوازی را در هربسی (و از جمله رویزونیسم) رسوا سازد، آنها مخالف تعرض تبلیغ بمنظور افشای صریح و بلا واسطه ارتجاع هستند و میکوشند اساسا خویشی از ارتجاع ریخته نشود، برشت در مورد تبلیغ رویزونیست‌ها ویا جریانی که دارای گرایشات نیرومند رویزونیستی هستند میگوید:

"معمولا لحن کلام کمالات ملامت و شکوه آمیز است لحن کسانی که از ارتجان به مورچه‌هم نمی‌رسد، کسی که چنین صدائی را میشوند، اگر در دید بختی باشد، باز هم بدبخت تر خواهد شد. این زبان کسانی است که تا بد دشمن نباشند، اما بی شک همراهان مبارزه هم نیستند. حقیقت رزمجوست..." (۲)

اگر رویزونیست‌ها بجای تعرض بدشمنان

(۱) - ما شو، منتخب آثار، جلد چهارم، گفتگویا هیئت تحریریه جین سری ژسبا شو

توده‌ها، به شکوه و کلاهی، خواهش و تمنا از او می‌بردند. آنرا ریشیستا، تعرض را با ارباب اشتباه میگیرند و بجای یورش تعرضی برای درهم کوبیدن دشمن طبقاتی تنها داد و هوار راه می‌اندازند. شیوه ارباب نه کوشش برای بیان حقایق بلکه هما نظور که ما میگوید: "صرفا برای بستن دهان دیگران و پیروزمند به قصر با زکشتن است" درست است که با بستی به "مبارزه بی‌امان" و "حمله بی رحمانه" بدشمنان توده‌ها زد. ما این مطلقا بمعنای زست ارباب بخود گرفتن نیست. تعرض بیرحمانه میگوید ما با استلال و شیوه ای منطقی میگوید. ما ثور باره نا درستی شیوه ارباب میگوید:

ساختیم و در این راه از سبکی کوبنده، گزنده و تعرضی سوجدستیم، (البته میزان تعرض بستگی به سطح جنبش توده نیز دارد) آنگاه نتیجه تا هر دشمنی بد دشمن برای توده‌ها گوارا خواهد بود

#### ج- انواع تبلیغ

هنگامی که از انواع تبلیغ سخن گفته میشود، طبیعی است که فوراً تقسیم بندی تبلیغ بدیونوع کنشی و شفاهی بذهن تداعی میشود. ماضن توضیح خلاصه این تقسیم بندی، به شرح انواع تبلیغ بر اساس چهار قاننون تبلیغ میپردازیم تقسیم بندی تبلیغ بر اساس شکل آن. الف: تبلیغات شفاهی: سخنرانی، میتینگ، بحثهای چند نفره، سینما تلویزیون از انواع تیبیک تبلیغ شفاهی به شمار میآید. ب: تبلیغات کتبی: تراکت که تبلیغی ترین نوع تبلیغ کتبی به شمار می آید. (بخاطر قابلیت نفوذ در توده‌های گسترده)، اعلامیه، نشریات و جزوات تبلیغی، طرحها و نمايشگاهها، عکس، آنارهنری، ادبیات، داستان، شعرو... نیز از انواع تیبیک تبلیغ کتبی محسوب می‌شوند. تبلیغ شفاهی بخاطر رابطه زنده و رودر روشی که با توده‌ها ایجاد میکند، دارای تاثیر تبلیغی بیشتری است. اما گذشته از این انواع کاملا

اگر رویزونیست‌ها، بجای تعرض بدشمنان توده‌ها، به شکوه و کلاهی، خواهش و تمنا از او می‌پردازند، آنرا ریشیستا، تعرض را با ارباب اشتباه میگیرند و بجای یورش تعرضی برای درهم کوبیدن دشمن طبقاتی تنها داد و هوار راه می‌اندازند.

شناخته شده تبلیغ، با بستی به تقسیم بندی تبلیغ بر اساس قوانین تبلیغ پرداخت

#### ۱- انواع تبلیغ بر اساس روحیات و سطح جنبش توده‌ها

در قاننون اول تبلیغ گفتیم که با بستی روحیات و غرایز توده‌ها را که در دورانی مختلف (رکود، اعتلا و موقعیت انقلابی) تغییرات چشمگیر میکند، بحساب آورد، این مسئله نه تنها در محتوا و شکل تبلیغ تا ثیر اساسی خود را می‌گذارد، بلکه انواع متفاوت تبلیغ را نیز می‌طلبد، در دوران رکود، تبلیغات عمدتا از طریق شناساها (تراکت) و اعلامیه و نشریات و بحثهای محدود انجام میگیرد. با وجگیری جنبش توده‌ها و غلبان احساسات انقلابی، این انواع تبلیغ، تحت الشعاع انواع بسیار با اهمیت دیگر قرار میگیرد. سخنرانیها و بحثهای با تعداد بسیار زیاد و بخصوص تظاهرات توده‌ای با شعارهای سیاسی، چنان تا ثیر تبلیغی برجای میکند که دیگر انواع تبلیغ بهیچوجه نمیتوانند چنین تا ثیری داشته باشند. برای مثال تظاهرات توده‌ای بعد از اعتلا سال ۵۶، هر بار با توده‌های بیشتری همراه میشد و چنان تا ثیر تبلیغی می‌بخشید که هیچ چیز دیگری نمیتوانست جا نشین آن کرده. شعارهای انقلابی توسط این نوع

جنبش شیوه‌ای در باره هیچکس قابل تا ثیر نیست. زیرا که این تا کتیک ارباب در دشمن بکلی بی تا ثیر است، و در باره رفقای خود نیز جز زیان هیچ حاصلی ندارد. این تا کتیک است که طبقات استثماری و لاین پرولتاریا برسبیل عادت بکار می‌برند، اما پرولتاریا احتیاجی به آن ندارد، برنده ترین و موثرترین سلاح برای پرولتاریا هیچ چیز دیگری جز روش علمی جدی و پیکار رجونمی تواند باشد. حیسات حزب کمونیست نه برپا به ارباب بلکه بر اساس حقیقت مارکسیسم - لنینیسم، بر اساس جستجوی حقیقت از میان واقعیت و بر اساس علم و دانش استوار است. (۳)

و اتفاقا بزرگترین ارباب بورژوازی، افشای تعرضی و بیان پیکار جوینده حقیقت است چرا که در غیر این صورت بورژوازی بطور منطقی افشان میگرد و در نتیجه از زیر تیغ حمله کوبنده پرولتاریا در امان میماند. البته هنگامیکه از نا درستی شیوه ارباب در تبلیغ سخن میگوئیم، به آن معنایست که به دشمنان توده‌ها دشنام نمیدهم، بلکه این دشنام با بستی بهمراه برخورد منطقی و استدلالی صورت گیرد، هنگامیکه با بیانی اصولی دشمن را افشا و رسوا

(۲) - برشت - پنج شکل در کفمن حقیقت  
(۳) - ما شو - مبارزه علیه سبک الگوسازی در حزب.



# خلق ها و مسئله ملی



## مقابله مسلحانه زحمتکشان سه روستا با ضد خلق

مثن زیرکوارش مختصری است از مفاومت قهرمانان مردم روستای "سیدآباد"، "لاچین" و "ابندرقاش" (که همین چندی قبل ۳۶ نفر از مردم آن توسط مزدوران رژیم قتل عام شدند.) این گزارش بیا نگر تسلیمنا پذیری و اراده خللنا پذیر زحمتکشان در مبارزه برای رهایی از زیربوغ هرگونه استعمار است.

جریان واقعی به این ترتیب بود که در روز ۵۹/۹/۱۳ ساعت ۸ صبح ستونهایی از نیروهای ارتشی، با سداران و جاشا برای به اصطلاح "پاکسازی" و در واقع برای سرکوب و کشتار مردم ۳ روستا از آنها با دبطرفدهات "سیدآباد"، "لاچین" و "ابندرقاش" حرکت کردند، ولی در هر ۳ روستا با مقاومت دلیرانه و یکپارچه مردم روستاها و پیشمرگان روبرو شدند در این درگیری ها که حدود ۱۲ ساعت بطول انجام مید مردم قهرمانان به دفاع از خویش پرداخته و به کمک پیشمرگان نیروهای سرکوبگر را به عقب راندند. مزدوران رژیم تنها نتوانستند وارد روستاها شوند بلکه با دادن تلفات زیاده مجبور به بازگشت به مهاباد شدند. نیروهای ضد خلق ناتوان از درهم شکستن اراده مردم و پیشمرگان در هنگام عقب نشینی با پرتاب خمپاره از تپه "دانشا مجید" (تپه مشرف بر شهر مهاباد) بسوی مناطق مسکونی اطراف شهر، ۳ خانه مسکونی را در محله "مجبورآباد" ویران کردند.

طبق اخبار موجود در مهاباد مردم و پیشمرگان در روستاهای فوق با نیروهای سرکوبگر رژیم شش نفر ارتشی به هلاکت رسیدند و یک پیشمرگ دمکرات بنام "مطفی" به شهادت رسید. در این جریان همچنین ۲ پیشمرگ و ۲ نفر از اهالی سیدآباد دزخمی گردیدند. (به نقل از بیکار رگردستان شماره ۳)

## فائومه های جمهوری اسلامی دهات سردشت را با ناپالم بمباران کردند

۵۹/۹/۶ - ساعت ۹ صبح دوفوروندا نتوم جمهوری اسلامی بر فراز آسمان روستای میرشای - سردشت ظاهراً هرگشته و بعد از یک ما نورهی ریمب ناپالم بر روستای "بیلوکه" و اطراف آن فرو ریختند، که در نتیجه آن دود غلیظی آسمان منطقه بقیه در صفحه ۸

مبارزه عادلانه خود را با تکیه بر نیروی خویش و نیروی لایزال همه خلقهای ایران امکانپذیر میدانند. (به نقل از بیکار رگردستان شماره ۳)

## دو سیاست در قبال جنبش مقاومت خلق کرد سیاست حزب دمکرات دفاع از مالکان است

ادامه جنبش مقاومت خلق کرد تا پیروزی آن نیا زمند وجودیک مشی انقلابی و بیگیری است که بتواند مقاومت انقلابی توده های زحمتکش شهری و دهقانان ستمدیده روستاهای کردستان را بر اساس سیاستی انقلابی سازمان داده و پیش ببرد. اگر جنبش مقاومت خلق کرد، با وجود فرازونشیبی در روند حرکت خود تا بحال دوام آورده و به دستاوردهای ارزنده ای نیز ناییل شده است بعلاوه حاکمیت مشی انقلابی و بیگیری است که توسط سازمانهای انقلابی خلق در حرکت بخش وسیعی از توده های زحمتکش خلق کرد متبلور است. اما با وجود این، طی دوسال گذشته همواره دو سیاست متفاو در قبال جنبش مقاومت خلق کرد وجود داشته است:

۱- سیاست انقلابی که بیانگراسی ترین خواستهای برحق خلق کرد بوده و پیروزی خلق

۱- سیاست انقلابی که بیانگراسی ترین خواستهای برحق خلق کرد بوده و پیروزی خلق

بقیه در صفحه ۶

## حملات گسترده پیشمرگان کومله به مزدوران رزگاری

ما در اینها با دبیشمرگان شهید رفقا علی گلچینی مالح بوره ری و علی قمری را که در مبارزه برای پاک کردن کردستان از لوث وجود مزدوران وابسته به بعثت شهادت رسیدند گرامی می میداریم.

ما ضمن پیشتیبانی از اقدامات انقلابی رفقای کومله در خلع سلاح و نابودی مزدوران رزگاری معتقدیم عملیات سازمان یافته کومله بر علیه سپاه رزگاری که با پشتیبانی مردم منطقه مواجه شدنند، هنده، ضدیت و دشمنی خلق کرد و نیروهای انقلابی آن با عوامل مزدور و نیروهای وابسته است. بعلاوه این اقدامات نشان میدهند که خلق کرد به هیچوجه وجود مزدوران و وابستگان به بعثت و اصولا هنریری که بخواد در این جهت قدم بردارد و جنبش مقاومت را به وجه المصلحه منافع فدا نقلابی خود تبدیل کند، تحمل نمی کند و قاطعانه آنها را طرد و نابود میسازد جنبش مقاومت خلق کرد مبارزه ای عادلانه بوده و با هرگونه وابستگی مبارزه خواهد کرد خلق کرد و نیروهای انقلابی آن پیروزی

در هفته های آخر با نماه پیشمرگان قهرمان کومله طی یک سری عملیات منظم، سپاه مزدور رزگاری را از بخشی از منطقه "ژاورو" (هورامان) با اورا مانات بیرون رانده منطقه را از وجود آنان پاک ساختند در جریان این عملیات تعدادی از مزدوران رزگاری خلع سلاح شده و دوشن از مسئولان آنان بنا مهای "شیخ شهاب" و "شیخ رضوان" دستگیر شدند. این مزدوران در حضور مردم به رابطه خود با رژیم بعث اعتراف کردند آخرین عملیات پیشمرگان کومله علیه مزدوران رزگاری در تاریخ ۵۹/۸/۲۸ و ۵۹/۹/۳ انجام گرفت که در جریان آن پایگاه اصلی آنها در روستای "دهل" تخریب شد و عده زیادی از این مزدوران به هلاکت رسیدند. در این عملیات انقلابی فرماندهان نظامی نیروهای پیشمرگه کومله در سنج رفیق علی گلچینی با نام سازمانی "ملاح..." و همزمشکاک مالمح سوریه ری شهادت رسیدند و خون خود را و شقیقه پیروزی خلق کرده و همه خلقهای ایران ساختند.

# حق تعیین سرنوشت، حق مسلم خلقهاست



بقیه از صفحه ۵ **دویاست** ...

افشا و طرفداری هیت، سیاست، عملکرد و کلیه حرکات جریان سازشکاری که میکوشد جنبش مقاومت را به افکار و شکست بکشد، از ضرورت های اولیه تعمیق جنبش مقاومت و پیشبرد آن است و بدون آن جنبش مقاومت و پیشبرد آن نتواند تا پیروزی کامل بطور استوار به پیش رود. سیاست حزب دمکرات سیاست سازش است، چرا که مشی این حزب مبتنی بر دفاع و حمایت از فتوایها و مالکان میباشند. حزب دمکرات بارها با اقدامات نیروهای انقلابی و دهقانان زحمتکش در مصادع زمینهای مالکان و فتوایها شتیداً مخالفت ورزیده است. سیاست ضد انقلابی حزب دمکرات در دفاع از مالکان از سویی و سیاست های سازشکارانه و ضد انقلابی او در برخورد به رژیم جمهوری اسلامی و در جهت سازش با آن و زیرپا گذاشتن منافع اساسی خلق کردار سوسیال دیموکرات، همواره توسط نیروهای کمونیست و انقلابی افشا شده است. بهمین خاطر بدنبال حضور فعال نیروهای کمونیستی، بویژه گومله و سازمان مادر کردستان، حزب دمکرات به دشمنی با آنان برخاسته و از هرگونه تبلیغ بر علیه آنها دریغ نورزیده است. دشمنی حزب با نیروهای انقلابی وقتی اوج میگردد که این نیروها به اقتضای خواستهای توده های دهقانان در روستاها، به مصادع انقلابی زمینها و اموال مالکین و فتوایها و تقسیم و واگذاری آنها به دهقانان و بیاشورا های دهقانی موجود در منطقه دست میزنند، و طبیعی است که چنین اعمالی نمی تواند مورد خوشایند حزب دمکرات مالکین و فتوایها را منطبق بوده باشد! اخیراً نیز حزب دمکرات طی اقداماتی به محدود کردن فعالیت نیروهای انقلابی در انجام امور اجرایی نظیر مصادع و تقسیم زمین برآمده است. خلق سلاح پیشمرگان برخی از نیروها از جمله این اقدامات بود. بیکار کردستان در سومیین شماره خود طی مقاله ای به بررسی این عملکرد حزب دمکرات پرداخته است. بعلمت با رافشاگرانه این مقاله ما آنرا در اینجا می آوریم:

اخیراً "حزب دمکرات" در روستای "عزیزکنند" دست به خلق سلاح پیشمرگان "راه کارگر" زد. بعد از این اقدام "حزب دمکرات" در اطلاعیه ای بتاريخ ۵۹/۸/۲۲ به امضای تشکیلات مهاباد خود، اخطار کرد که "... بعد از این اقدامات اجرایی کلیه سازمانها و گروهها و افراد متفرقه ... جلوگیری خواهد کرد.

عمل حزب دمکرات و اطلاعیه ای که بدنبال آن صادر کرده است بیانگر این واقعیت است که حزب از مبارزه طبقاتی و آگاهی توده ها و حرکت آنها در جهت کسب منافع طبقاتی خود به وحشت و هراس افتاده است. حزب دمکرات در روستای

"عزیزکنند" به این بها نه دست به خلق سلاح پیشمرگان "راه کارگر" زده است که آنها در مصادع زمینهای اربابان به توده های روستای مذکور، کمک کرده اند. اطلاعیه بعدی و تهدید و "خط و نشان" کشیدنهای حزب نیز در توجیه و بیان این سیاست ضدیت با توده ها است حقیقت این است که حزب دمکرات که "سالت" دفاع از منافع بورژوازی و زمینداران کردار برای خود قائل است، نمی تواند ادعا و جگری مبارزه طبقاتی در کردستان و رشد و نفوذ نیروهای انقلابی باشد، چه نیک میدانند و جگری مبارزه طبقاتی، موجودیت خود "حزب" را به خطری - افکنند و توهم توده ها را نسبت به این حزب، که امروز تحت پوشش مسئله ملی و مبارزه برای خود مختاری ما هیت حقیقی خویش را پنهان کرده است، خواهد ریخت. از طرف دیگر اوضاع سیاسی کنونی به حزب امکان میدهد که تمایل خود را نسبت به اعمال حاکمیت بلا منازع و "قدرتی" در کردستان پنهان نکند و در اطلاعیه مینویسد: "هیچ اقدامی جز با اجازت مشورت حزب دمکرات کردستان ایران مشروعیت اجرایی (!) نخواهد داشت. مسئولیت اقدامات جنجال انگیز و مخالفت با مفاد این اعلامیه بعهده فرد یا سازمان عمل کننده خواهد بود." این ترتیب حزب دمکرات سیاست خود را در قبال توده ها و نیروهای انقلابی بصراحت میگوید: توده ها حق ندارند به مبارزه طبقاتی بپردازند! (در جهت کسب منافع طبقاتی خود دست به مصادع اموال مالکان و زمیندارانی بزنند که سالهای سال خون آنها را در شیشه ریخته اند. واقعیت این است که بررسی عملکردها و سیاست حزب در طول جنبش مقاومت نشان میدهد که این اولین و آخرین حرکت حزب نبوده بلکه نمونه ای از سلسله زور - کوشیها و اجافاتی است که بر توده های خلق کرد و بویژه بزرگمکتشان روا میدارد "سیستم مالیات گیری" حزب که با آزار و اذیت توده های فقیر روستاها اعمال میشود، و آنها را و میدارد تا به آزار و خرید و فروش به حزب "مالیات" و باج بپردازند، امروز در بسیاری از نقاط کردستان که حزب حضور دارد، بصورت یک امر عادی در آمده است (در منطقه اشونیه و سردشت بویژه بعد از این زور کوشیها بسیار رشید است) لیکن حزب با این اعمال خود، "تیشه به ریشه خود میزند." چه توده های انقلابی به هیچ وجه حاضر نیستند قدمی به عقب گذاشته و از منافع طبقاتی خود دست بردارند. مبارزه خلق کرد فقط مبارزه ملی نیست بلکه همچنین مبارزه ای است در جهت نابودی ستم طبقاتی، نیروهای انقلابی و کمونیستها و وظیفه دارند که مبارزه توده های خلق کرد را ارتقا داده، سمت و سوی طبقاتی به مبارزه ملی بدهند. این وظیفه همیشگی کمونیستها بوده و هیچ نیروی قادر

نیست آنها را در اجرای این وظایف مانع شود، حزب دمکرات نیز بیهوده میکوشد که با تهدید و خلق سلاح و سیاست تهدید و آزار، و نیروهای انقلابی کمونیست را از این مهم بازدارد.

حزب در گوشه دیگری از اطلاعیه فوق می نویسد: "سازمانها و گروههای سیاسی در انجام فعالیت های سیاسی خود کاملاً آزادند (؟) و حزب دمکرات کردستان از تمام آزادیهای دمکراتیک دفاع خواهد نمود. اما مصادع اموال و داراییهای مردم ... از قدرت و صلاحیت سازمانها و گروهها خارج بوده و حزب دمکرات کردستان ایران این اعمال را در حد مخالفت و ایجاد تفرقه و آشوب در صفوف خلق به حساب می آورد."

مشکلات است اینطور نیست؟ حزب دمکرات از یکطرف خود را مدافع "آزادیهای دمکراتیک" می خواند از طرف دیگر کمونیستها را تهدید می کند، که حق ندارند، به توده ها در احقاق حقوقشان با ری رسانند. این "دمکرات مآبی" حزب دمکرات قبل از اینکه نشان از "دمکراسی" داشته باشد، بیانگر عوام فریبی آن است. رژیم جمهوری اسلامی نیز همین حرف را به انقلابیون و کمونیستها میزند: "آزادی بشری که تنها آن عملی را انجام میدهد که من میگویم." واقعیت این است که در کردستان بعد از نزدیک به دو سال که از جنبش مقاومت میکشند، مبارزه طبقاتی نیز به موازات مبارزه علیه رژیم به پیش میرود، هر چه مبارزه وسیع تر شده و عمق بیشتری بیابد، حزب به ناگزیر به مقابله بیشتری در برابر توده ها کشیده خواهد شد. نتیجه عملی آن نیز از هم اکنون روشن است: ارتقا سطح آگاهی و مبارزاتی توده ها، رشد نیروهای انقلابی و انفراد حزب دمکرات، تصور این نتیجه برای حزب، روی ربه این فکرا نداشته است که از سر نوشت محتوم خود جلوگیری، اما با ادعای "حزب فراگیر" بودن می تواند ندانجی حزب باشد؟

سازمان ما بعنوان بخشی از نیروهای فعال در جنبش مقاومت خلق کرد، وظیفه انقلابی خود میدانند که عمل خلق سلاح پیشمرگان "راه کارگر" توسط حزب دمکرات را محکوم کرده (۳) و معتقد است که وظیفه کلیه نیروهای انقلابی است که با افشاء ما هیت و عملکردهای حزب دمکرات، و مقاومت در برابر تهدیدات آن از منافع توده ها و انقلاب دفاع کرده، دستا وردهای جنبش مقاومت خلق کرد را ارتقا دهند.

(۳) - لازم به توضیح است که محکوم کردن خلق سلاح پیشمرگان "راه کارگر" توسط حزب دمکرات نمی تواند به معنی دفاع از نظریات "راه کارگر" و آن سیاستی باشد که "راه کارگر" نسبت به جنبش مقاومت ارائه میدهد و سرانجامش جز آشتی طبقاتی و اجتناب از مبارزه نیست.

## پیروزیاد جنبش مقاومت خلق کرد



## رژیم جمهوری اسلامی بادهان به آمریکا فحش میدهد و بادست از او اسلحه می‌گیرد!

متخصصین قسمتهای مختلف به پوششها عزام شدند تا هر یک محموله مربوطه به قسمت خود را فوراً تحویل بگیرند.  
**جبرسوم**

هوایما های جا مبوجت نظا می نیری هوای  
که مخصوص محموله های نظا می است رآرم " هوا -  
بیمائی ملی ایران - هما " که مخصوص حمل  
مسا فراست زده اند ومدتی است این هوایماهای  
ظا هرا مسافربری از کره جنوبی لوازم قطعاً ت  
بدکتی نظا می وارد میکنند. قیمت این محموله های  
نظا می که بطور غیر مستقیم (از طریق کره جنوبی)  
از آمریکا خریداری میشود گاه به ۸۰۰۰ درصد  
قیمت معمولی میرسد.

الته هوایما های ملی ایران - همانیز  
تعدادی هوایما های جا مبوجت (بوئینگ ۷۴۷) در  
اختیار دارد. ولی رژیم جمهوری اسلامی با  
تغییر رژیم هوایما های نظا می خودروابط با  
آمریکا و خرید سلاح از آن را برده پوشی مینماید.  
این اخبار موثق گوشه ای از واقعیات  
درون ارتش شاه ساخته و یک شبه "مسلمان و مکتبی"  
شده و افشای میسازد و نشان میدهد که ارتش ابزار  
سرکوب و چماقی است که بوسیله رژیم ارتجاعی  
جمهوری اسلامی علیه کارگران و زحمتکشان به  
کار میرود.

حالا به این دوسند توجه کنید که از سوی  
سازمان چریکهای فدائی خلق (اقلیت) قبلاً  
منتشر شده است. یک سند مربوط به خرید سلاح  
آمریکائی و تحویل آن به بندر خمینی و سند  
دیگر مربوط به استخدام مستشاران آمریکائی  
انگلیس.



محموله شان نوشته شده بود (Made in U.S.A) (ساخت آمریکا)  
و در پیکار شماره ۸۶ تحت عنوان امپریا -  
لیسم آمریکا به رژیم جمهوری اسلامی اسلحه  
میدهد:

"هوایما های ۷۰۷ به شماره پرواز ۱۷۱۴ که  
در تاریخ ۵۹/۹/۹ به مقصد ما درید (پایتخت  
اسپانیا) پرواز نموده بود در تاریخ ۵۹/۹/۱۰  
ساعت ۴ وی پنج دقیقه به تهران مراجعت  
می نماید. این هوایما جعبه های راکه ها مل  
موتورجت های جنگنده فانتوم و لوازم بدکتی  
هوایما های آمریکا ۴ و ۵ بودند به تهران  
آورده بود. روی جعبه ها فقط کلمات "مقصد  
ایران" به چشم می خورد. خبردیگر حاکی است که  
اوایل آذرماه یک هوایما ۷۰۷ هم از  
فرانکفورت مقدا رزیادی لوازم بدکتی برای  
هوایما های فانتوم و مهمات از قبیل توپ و  
خرچ آن ، به ایران آورده است.

خبر دیگری که اخیراً بدست ما رسیده حاکی  
است که وزارت دفاع به افسران ارشد نیروی  
هوای اعلام داشته است که بر طبق توافقهای  
حاصله بزودی وسائل بدکتی و مستشاران انگلستان  
یکمک ایران خواهد آمد اما آمریکا هم توافق هائی  
برای استخدام مستشار در جریان است.  
همچنین دو هفته پیش در یک تراکت گفتیم:

### خبر اول:

در کمپونی که در اوایل آذرماه جاری با  
شرکت "تیمار فکور" وزیر دفاع و فرما شده  
نیروی هوای جمهوری اسلامی ایران تشکیل  
شده تصمیماتی گرفته اند و به فرما ندهان و سر -  
پرستان فنی کلیه قسمتهای مختلف نیروی  
هوای دستور داده شده که هر چه زودتر کمپونها و  
نواقص دستگا ها و مشکلات آموزشی خود را بررسی  
و مشخص کنند تا با برقراری روابط با آمریکا  
حداکثر استفاده شود. وزیر دفاع معتقد است  
که این روابط بزودی "عادی" میشود.

### خبر دوم:

اوایل آذرماه جاری ۶ الی ۷ کشتی که  
محموله آنها قطعات بدکتی و وسائل نظا می  
آمریکائی بوده مستقیماً از آمریکا رسیده و در  
بندر جنوب لتگراندا خننه اند.

این کشتی ها بدنبال رسیدن یک کشتی  
حامل تجهیزات نظا می که قبلاً در آبان ماه ۵۹  
مستقیماً از آمریکا به بندر پوشه و وارد شد، به  
بندر جنوب رسیده اند. کشتی قبلی که در آبان  
به ایران رسید بمنظور تسریع در تخلیه محموله  
آن، از یکا های مختلف نیروی هوای

رژیم جمهوری اسلامی ارتش شاه ساخته و دست  
پرورده آمریکا را بازسازی میکند.  
وزیر دفاع و فرما نده نیروی هوای در  
آنزوی "طبیعی" شدن روابط بین ایران و آمریکا است.  
کشتی های اسلحه از آمریکا و کشورهای  
دست نشا نده آمریکا مثل کره جنوبی به بنادر  
ایران میرسد.

خلخالی و محمد منتظری این چشم و چراغهای  
آیت الله خمینی صریحاً خواستار برقراری رابطه  
با کارتر و بدست آوردن قطعات بدکتی نظا می  
هستند...

اما رژیم ادعای مبارزه با امپریا لیسم را  
دارد و ما مدبر دیوبوک و کرنا های خود این دروغ  
بزرگ را به خورد مردم میدهد.

رژیم و قیحا نه سر سخت ترین دشمنان آمریکا  
یعنی کمونیستها و انقلابیون را به آمریکا  
بودن متهم میکنند! رژیم نعل وارونه میزند تا  
مسروا قعی اش را که جز آغوش امپریا لیستها  
نیست، کسی تشخیص ندهد. اما...

ما کمونیستها بیرحمانه دشمنان خلق را افشا می  
کنیم، آنها را در هر چهره و لبی بی بهر چمکشان  
می شناسانیم و پورده های توهم را از پیش چشم  
توده ها کنار میزنیم

### کپهان اول دیماه در مورد صاحبسختگوی دولت بهزاد نبوی می نویسد:

"سختگوی دولت سپس شایعه خرید اسلحه از  
آمریکا و همچنین خرید اسلحه از اسرائیل توسط  
هلند را بشدت تکذیب کرد و گفت که این شایعه  
ناشی از تبلیغات بلندگوهای صهیونیستی و  
امپریالیستی برای لکه دار کردن انقلاب ایران  
است. چون همه میدانند که بزرگترین خصم اسرائیل  
و آمریکا دولت ایران است. بنا بر این نه ما از  
آنها اسلحه میخواهیم و نه آنها با ما اسلحه میدهند  
که بر علیه خودشان بکار ببریم."

وزیر "مکتبی" جمهوری اسلامی خرید اسلحه از  
آمریکا را تکذیب میکنند ولی ما چندین بار منجمله  
در خبرنا مه های جنگ مورخه ۲۶ آبان و ۲۳ آذر  
خرید سلاح بطور مستقیم با غیر مستقیم را افشا  
کرده ایم:

در "خبرنا مه جنگ" شماره ۷ تحت عنوان "ورود  
اسلحه آمریکا" آمده است که "اوایل آبان ماه  
به فرزندها بیمای باری در فرودگاه مهرآباد  
به زمین مینشینند" بهشتی برای تحویل گرفتن  
اسلحه میاید و دستور تخلیه هواپیما ها صادر می -  
شود. این هواپیما ها از یکی از فرودگاه های  
آلمان بارگیری کرده بودند و روی جعبه های

## آزادی گروگانهای آمریکایی، مقدمه ای برای وابستگی بیشتر به آمریکا است



### حملات رژیم علیه انجمن کارکنان مسلمان را محکوم می کنیم

درفته گذشته خیا با ن مبارزان (تهران) صحنه تهاجم جدید رژیم جمهوری اسلامی علیه انجمن کارکنان مسلمان هوا دارمجا هدین خلق بود. این حمله بخشی از حملات سازمان یافته و هدایت شده ای است که از سوی رژیم جمهوری اسلامی بویژه ارگانهای سرکوبگر وابسته به حزب علیه مجاهدین و دیگر انقلابیون انجام میگردد. "گروههای مقاومت" و باندهای سیاه وابسته به پادشاهان و حزب، خود حمله میکنند و بر زمین کینه توزیهای که علیه نیروهای انقلابی صبح و شام در بین مردم ناآگاه ایجاد می نمایند دست به حمله میزنند، آنگاه نیروهای انقلابی و در اینجا مجاهدین را متهم به ایجاد اغتشاش و... میکنند! هر چند حتی این حقه با زیبا دیگر رنگی ندارد ولی آگاهی و هشاری هر چه بیشتر بوده ها، ارتجاع را رسوا و ترفلج خواهد ساخت. ما، همصدا با نیروهای انقلابی و کمونیستی ایران، حمله به مجاهدین خلق و هوا داران آنها را محکوم میکنیم و آن را نشانه ای از وحشت رژیم از نیروهای انقلابی و ضدا میریالیست میدانیم.

### بهشتی نامزد عضویت در شورای سلطنت!

نشریه مجاهد شماره ۱۰۴ در مقاله ای افشاگرانه و مستند نوشته است:  
\* در اوایل رژیم گذشته از جمله افرادی که برای شورای سلطنت در نظر گرفته شده بودند در کنار تیمسار قمر باغی از ارتش، آقای بهشتی نیز از میان روحانیون بود.  
\* (بهشتی در ملاقاتی با لینکن مأمور سفارت آمریکا چنان "دو سخنانه و مشیت" صحبت میکند که لینکن در آخر گزارش خود چنین اظهار نظر مینماید):  
"اظهارات بهشتی بیشتر اینطور بنظر میرسد که منافق آمریکایا به ما یادآوری میکنند تا منافق ایران!!"

### دفاع از حجت الاسلام آشوری

روحانی مبارز و دمکرات حبیب اله آشوری که سوابق طولانی در مبارزه علیه رژیم شاه داشته و پس از قیام نیز در دفاع از انقلاب همچنان به مبارزه ادامه داده و زندگی ساده، افکار مبارزه جویانه انقلابی و فعالیت های تبلیغی اش نشان دهنده وفاداری او به آرمانهای خلق میباشد، هم اکنون در زندانهای رژیم گرفتار است. قریب ۵ روز است که او توسط عوامل رژیم ربوده شده و هیچ خبری حتی به خانواده اش نرسیده است. ما همصدا با کلیه نیروهای انقلابی و مبارزان این اقدام رژیم جمهوری اسلامی را محکوم میکنیم و معتقدیم - اسم که او و کلیه زندانیان انقلابی باید آزاد شوند.

۴۱۰ - ۲۳ - ۲۶۰۰ ع  
۸۹/۴/۵

پستاد نیروی هوایی جمهوری اسلامی (زک - غرناستان)  
- ریاست زک ۴ نیروی هوایی (مدیریت مارتیل - طرح برنامه)  
بازار شماره ۲۶ - ۰۷/۲ - ۱۳۰۴ - ۳/۳ - ۵۹ شماره ۲۸ - ۱/۳ - ۱۶۰۰ - ۸/۳/۲۴ - ۵۹

۱- فرماندهی لجستیکی هوایی تانهای تامین برسنل مشروحه زبیران بوده خواهشمند است دستور فرمائید تا توجه به وجود برسنل در صلاح فن در آن یگان در این زمینه بررسی و با توجه با اینکه تامین بعضی از این تجهیزات نیلای توسط سایر یگانها تأمین گردیده است کار باسته معمول و نظیره اعلام دارند تا این اوردن محدودیت استخدام اقسام گسرد.

۲- تامین بکتر مشخص و موجود از کارخانه سازنده (توضیح اینکه کارخانه سازنده آمریکا میباشد) با توجه به سیاست فعلی مملکت تامین مشخص از آن طریق غیر ممکن به نظر می رسد (لذا پیشنهاد میگردد یکی دیگر از منابعی را که قادر به تامین این مشخص میباشد اعلام نمایند).

۳- تامین سه نمونه مشخصی که بنا بر گفته ای از کپانی راپروردت مشخصهای مشروحه ( با توجه با اینکه مملکت وجود اشکالات فراوان در زمینه قراردادها و هزینه های با وجود تشکیل کمیته و پهنای مکرر در آن رگسند در صورتی که گونه تصمیم گیری مبنی بر ادامه بکارترین سیستمهای مربوطه اخذ نگردد پدیده است لذا آثار روشن شدن تاریخ نگهداری سیستمها تا این قبیل برسنل از کبریا انگستان مقدور نخواهد بود لذا اجتنابیه منعی وجود دارد که بتوان برسنل مورد نیاز از آن تامین نمود معرفی نمایند).

الف - مشخص A.T.E بکار برای مدت یکسال  
ب - مشخص MANOVA-1 TEST بکار برای مدت یکسال  
پ - مشخص RADAR Wave بکار برای مدت یکسال

۴- تامین دستگاه DT.E دستگاههای هاگ در دوره ۶ ماه جهت یگان C.M.F (توضیح اینکه یگان فوق الذکر تا کنون فاقد این نوع مشخص بوده است)

۵- تامین بکتر مشخص I.M در مشخص ۲۴x۴ در دوره الکترونیک جهت تکمیل پروژه سیستمهای اس

ادیت خدمت سروی دستگاه EMATS (یگان بهشاید) ناموده است آنگاه تونیک حداثا توجه به سرواقتش استخدام گردید.

زک ۱ نیروی هوایی خمبیری اسلامی - سرهنگ غلبان جهانگیر

سایر ارگانهای سرکوبگر کارکنان، توده های زحمتکش و کمونیستها و انقلابیون را کشتار نماید. آری این حقایق نشان میدهد که رژیم جمهوری اسلامی متحداً میریالیسم و دشمن خلق های ایران است.

مرک برای میریالیسم و ارتجاع داخلی! ارتش دست پرورده آمریکا را هر چه بیشتر افشا کنیم! برقرار با جمهوری دموکراتیک خلق! سازمان پیکار در زره آزادی طبقه کارگر

این اسناد و حقایق نشان میدهد که رژیم جمهوری اسلامی چگونه فریبکارانه خود را "صد امیریا لیست" وانمود میکند این اسناد و حقایق ثابت مینماید که کمونیستها و پیکرنا چه حد در ارتجاعی رژیم بعنوان یک رژیم ارتجاعی و رژیمی که میکوشد سرمایه داری وابسته را در ایران ترمیم کند موضعگیری درستی داشته اند. آری این حقایق نشان میدهد که چگونه امیریا - لیستها به بازسازی ارتش ضد مردمی رژیم جمهوری اسلامی میپردازند. تا این ارتش و

سنا مهای حمه لا و بسرخدر و محمد امین شفیعی از هوا - داران زحمتکش و فعال کومله بشهادت رسیده و ۹ نفر دیگر زخمی شدند.

در همین بوش فانتومهای روستای "خدرشای" در ۵ کیلومتری میرشای ۲ پیشمرک حزب دمکرات سنا مهای عمرخه و ته وانه و علی سرکاک محمد اهل روستای "گریاسک" به شهادت رسیدند. در میرشای چندین خانه بر اثر بمباران آسب دیدند. در این جریانات مردم زحمتکش روستاهای اطراف کسک دهات بمباران شده آمده بودند و آسب دیدگان این جنایات راپاری دادند و در روستا روحه آسب کوسندند (بسنل از خبر سنا مد ۹۷ کومله د)

بقیه از صفحه ۵ فانتومها...  
رافرا گرفت. در بوش دوم فانتومها باراکت و مسلسل بهمین روستا حمله کردند. یک دسته از پیشمرکان کومله با یک گروه امداد خود را به بیلوک رسانده و به مداوای زخمیها پرداختند. در این جریان ۲ نفر از اهالی زخم سطحی برداشتند ولی دو خانه بکلی ویران و یک اسب و ۲ گاو تلف شدند.

در حالیکه مردم مشغول کمک به زخمیها و ساکنین خانه های ویران شده بودند، در ساعت ۱۱ صبح بار دیگر فانتومها ظاهر گشته و اینبار روستای "خدرشای" و "میرشای" را مورد حمله قرار دادند. در روستای "میرشای" حداقل ۲۵ راکت فرو ریختند که در اثر آن ۲ نفر



# سیاست مجاهدین خلق در قبال لیبرال‌های خیانت‌پیشه

این درست است که حزب جمهوری اکتسب مواضع کلیدی را در دست گرفته است، اما هرگز نباید بداند که اگرچه لیبرال‌ها مانند گذشته دارای هژمونی نسبی باشند، ولی آنان ارتش، این ابزار بسیار کلیدی بقای سیستم را در کنار خود داشته، مقام ریاست جمهوری را علیرغم محدودیت‌ها بیش‌کماکان در اختیار خود دارند و در دستک‌ها دارای بسیاری از ارکان‌ها و موسسات دولتی دارای نفوذ و یا به‌میان‌دست است که حزب جمهوری می‌کوشد تا با دست جمهوری را به‌مقام تشریفات تبدیل کرده و یک تا سلامت از میدان قدرت باند، اما در شرایط فعلی این هدف بطورکمال تحقق نیافته و درگیری شدید میان دو جناح بسیار نگره‌من مسئله می‌باشد حال در برابر این واقعیات مجاهدین چشم‌پسته‌وجا یک‌ه‌واقع لیبرال‌ها را در کمال سیستم‌حکومتی دستک‌ها دولتی برده‌یوشی می‌نمایند ولی آیا این دیدگاه‌ها انحرافی به‌همین جا محدود می‌ماند؟

نکته دوم اینکه همانطور که گفتیم مجاهدین ویرانی اقتصاد، فلاکت‌توده‌ها، اختناق، محدود شدن آزادی‌ها و غیره را ناشی از "حکومت روحانیت" میدانند. آیا واقعا چنین است؟ آیا واقعا لیبرال‌های خائن در تمام این زمینه‌ها نقش نداشته‌اند؟ آیا ویرانی اقتصاد، فلاکت‌توده‌ها و... ناشی از حاکمیت طبقاتی بورژوازی نمی‌باشد؟ آیا حزب و لیبرال‌ها بخش‌های مختلف همین بورژوازی بشمار نمی‌آیند؟ آیا اینجا است که می‌بینیم انحراف مجاهدین بعدوسیم می‌بخود می‌کند؟ این درست است که اگر لیبرال‌ها "سیاست‌چماق و سگان و شیرینی" دارند، حزب‌پشیمان‌چماق "زایکار" می‌گیرند و به‌همین خاطر با خون‌خواری عریان و بی‌پرده علیه‌توده‌های آگاه، نیروهای کمونیست و

انقلابی می‌بازند، اما چگونه می‌توان فراوانی کرد که لیبرال‌های مرتجع به‌مانند بخشی از همان حاکمه‌بران در حفظ مناسبات با امپریالیسم دربار سازی سیستم‌سرما به‌داری وابسته، در ویرانی اقتصاد، در فلاکت‌توده‌ها و در سرکوب انقلاب نقش فعال داشته‌اند؟ چگونه می‌توان فراوانی کرد که لیبرال‌های خائن در بار سازی ارتش دست برورده امپریالیسم آمریکا نقش عمده داشته‌اند و در کنار رژیم‌های مرتجع در تمام کشورها و قتل‌عام‌ها سهیم بوده‌اند؟ در گذشته و حال حاضر چه کسانی دستور کشتار در اردوگاه‌ها، ترکمن‌محرا، کوردستان، روستا‌هایی می‌نشدند؟ قتلان، صوفیان و ایندرا قاش... را ما در کرده‌ام و موردتأثیر قرار داده‌اند؟ آیا همه‌چیز جایی است که حکومت در این جنایات هولناک دست نداشته‌اند؟ بدین سئوال‌ها مجاهدین با بد جواب دهند.

مجاهدین نتیجه می‌گیرند که مسئولیت این وضعیت و احوال اساسا بر عهده روحانیت می‌باشد در اینجا اگرچه مجاهدین بدرستی به‌نقش غالب حزب جمهوری اسلامی در حکومت اشاره دارند، اما ما به‌هیئت طبقاتی لیبرال‌ها را مسکوت گذاشته، جایگاه واقعی لیبرال‌ها در گذشته و حال را ز نظر انداخته و جناح‌پایان لیبرال‌ها را پوشیده نگه داشته‌اند:

نکته اول اینکه میان این مسئله که دولت حاکم "حکومت روحانیت" است بدو را یک تحلیل علمی و طبقاتی می‌باشد، با بد جواب داده‌اند. این حکومت مدافع کدام طبقه با طبقات اجتماعی است، نتوان توده‌ها را بر اساس سیاسی طبقاتی تربیت نموده و آنان را در راه تحقق انقلاب، پیگیرانه به‌پیش‌راند؟ یا بدیده‌توده‌ها نشان داد که سرمداران رژیم را عقایدات مذهبی آنان سوء استفاده نموده و "حکومت روحانی الهی" آنان در واقع ماهیتی بورژوازی داشته‌وبسته همین خاطر مدافع سیستم‌سرما به‌داری وابسته موجود نمی‌باشد. نازمانتی که با ما به‌هیئت سرمایه‌دارانه قدرت حاکم را بر ملا سازیم و آنتا گونیسم طبقاتی آنرا نسبت به‌زحمتکشان و به‌توده‌ها نشان می‌دهیم بورژوازی اجاره‌دهنده‌ها به‌مانند تحت‌لوی "اسلام" طبقات زحمتکشان را فریخته‌مورد ستیماست و روحانیت خود فرار دهد زمانتی که توده‌ها درک کنند که "حکومت روحانیت"، حکومت سرمایه‌داران و دشمن زحمتکشان است، آنکاه آنان با سرعت بیشتری به‌سمت انقلاب روی می‌آورند.

نکته دوم اینکه مجاهدین جایگاه واقعی لیبرال‌ها را در سیستم حاکم ز نظر دور میدانند. ما سئوال می‌کنیم آیا دولت حاکم فقط در سرکوب توده‌ها و روحانیت است؟ آیا لیبرال‌ها در آن نقشیتی ندارند؟ در واقع مجاهدین با چنین سیاسی نقش لیبرال‌ها را در حکومت نادیده گرفته‌وبمانع از آن می‌شوند که توده‌ها درکی واقعی و همینه - جانی به‌نسبت به‌هیئت حاکمه‌بران و ما به‌هیئت قدرت سیاسی پیدا نمی‌کنند. مجاهدین خلق می‌نویسند: "آیا هیچ موقع حساس و کلیدی حکومت هست که دست روحانیتون نباشد؟ فقط می‌ماند معاریات جمهوری که آنهم دیگر با اصطلاح به‌شیرینی یا لودم و شکم تبدیل شده" (همانجا)

امروز که جنبش توده‌های بیش‌از پیش از پیش گرفته و بحران اجتماعی - اقتصادی بیش‌از هر زمان دیگر ادامه پیدا کرده حدت توده‌های هیات حاکمه به مرحله بسیار بغاهای کشیده شده است، حزب جمهوری با تصرف بخش عمده مواضع اساسی قدرت و اعمال هژمونی بر قدرت سیاسی در پی آنست تا لیبرال‌ها را بطور قطع از مراکز اصلی و حواس تصمیم‌گیری طرد کرده و آنان را بطورکمال تحت هژمونی خود قرار دهد. لیبرال‌ها که در مواضع ضعف قرار گرفته‌اند می‌کوشند تا آخرین مواضع مهم خود را حفظ کرده و با ایفا کردن نقش‌های ابوریسیون بر جنبش توده‌ها سوار شده و با دیگر ضریبات خائنه خود را به جنبش خلق وارد سازند. اگر آنجا که حزب در برابر قدرت قرار گرفته و نقش برجسته‌ای در سیاست‌های کشور بازی می‌کند توده‌ها در برابر سیاست‌های خائنه و سرکوبگرانه حزب جمهوری از آن رانده می‌شوند، اما بدلیل فقدان یک آلترنا تویا انقلابی نیرومند، بخش‌های مهمی از آن سوی لیبرال‌ها تا بیل پیدا می‌کنند. لیبرال‌ها به‌این امر آگاه بوده‌ومی - کوشند برای ضربه زدن به حریف و کسب مواضع برتر در قدرت سیاسی، با چهره‌دروغین آزادبخواهی و مخالف‌خوانی، توده‌های متوهم و معترض را بسوی خود کشانده و جنبش آنان را به‌سکسوی برش برای قدرت بیشتر تبدیل نمایند. بدین ترتیب لیبرال‌های خیانتکار خطر مهمی را برای جنبش توده‌های تشکیل می‌دهند و هرگونه کونا‌هی در افتای لیبرال‌های خائن مترادف است با ضریبات مهمی به جنبش خلق. در شرایط کنونی در عین افشاکری و مبارزه انقلابی علیه‌تامسی جناح‌های حکومت، با بدچهره‌فریبکاران لیبرال‌ها را نزد توده‌ها رسوا نمود و مانع از آن شد تا آنان بر جنبش سوار شوند.

اما مجاهدین خلق در برخورد به تحولات کنونی دارای چه موضعی می‌باشند؟ تحلیل آنان از حکومت و جناح‌های آن چیست؟ سیاست آنان در قبال خطر لیبرال‌ها کدام است؟

## تحلیل انحرافی مجاهدین از قدرت حاکمه

مجاهدین می‌نویسند: "امروزه در جا معیبه‌ها این روحانیت است که در موضع حاکمیت قرار دارد و به عبارتی دیگر، اکنون در جا معیبه‌ها "حکومت روحانیت" برقرار است" و همین‌ادامه می‌دهند "راس و موضع تصمیم‌گیری و هدایت تمام ارکان‌های مهم و حواس و تمام بستهای کلیه کشور در دست روحانیتون است" (مجاهد - ۱۵۱)

و سپس مجاهدین مطرح می‌سازند که در شرایط کنونی، اقتصاد ایران ویران است، مشکلات و فلاکت توده‌ها گسترده شده است، اختناق و چماق - داری همچنان به‌پیش می‌رود، دامنه‌آزادبها هر روز محدودتر می‌شود، گروه‌های انقلابی ممنوع و مبارزین راه‌آزادی شکنجه می‌گردند و در آخر

# علیه حزب جمهوری، علیه لیبرال‌ها، زنده باد پیکار توده‌ها!



## سیاست سازشکارانه مجاهدین در قبال

## لیبرالهای خائن

بنظر ما پرواضح است زمانیکه مجاهدین در برخورد به ما هیت طبقه‌ای قدرتی سیاسی دچار انحراف بوده و جایگاه واقعی لیبرالها را در نزد توده‌ها پنهان میسازند، سیاستها و اعمال خیا ننگارانه لیبرالها را بدست فراموشی میسپارند و اسفناک تر آنکه بطور مستقیم و غیر مستقیم از لیبرالها پشتیبانی میکنند، آری دیدگاه انحرافی سازمان مجاهدین نسبت به کل هیات حاکمه به سیاست خطرناک حمایت از لیبرالها منجر گشته است. کمتر مواردی در شماره‌های مجاهدیتوان یافت که در افشای لیبرالها باشد در تمام سر - مقاله "روحانیت و آزمایش سرنوشت" (مجاهد ۱۰۱) که در باره قدرت سیاسی است حتی یک مورد افشاگری در باره لیبرالها نمیتوان یافت و برعکس مجاهدین با لحنی دلسوزانه برای لیبرالها از اینکساریات جمهوری "شیرینی بال و دم و شکم" شده صحبت میکنند و علاوه بر مجاهد ۱۰۱ مینویسد: "در صحنه سیاسی کشمکش بر سر قدرت همچنان ادامه دارد و جریان کنایه زدن تمام نیروها و تحکیم قدرت انحصاری به قوت خود با قیمت تقریباً کلیه جریاناتها و نیروها می‌باشد که هر کدام مبنای درمیانزاد مردم و برانداختن رژیم سهیم بودند کنایه زده شده - اند و جریان حصر قدرت امروزه به آخرین مرزهای خود رسیده است."

واقعا چه جریاناتها و نیروها می‌باشد در میان زرات مردم و برانداختن رژیم "سهیم بوده اند که اینک از قدرت کنایه زده شده اند؟ یا اساسا عناصری جز افراد وابسته به جناح لیبرالها بوده اند که از قدرت کنایه زده شده اند؟ بدین ترتیب مجاهدین عملاً لیبرالهای خائن را شریک در میانزاد مردم دانسته و به حمایت از آنان بر می - خیزند، لیبرالها هیچگاه از موضعی دمکراتیک و فدا میریالیستی علیه رژیم‌ها خائن مبارزه نکردند، آنان برای داشتن سهمی در قدرت با دیکتاتوری شاه مخالفت می ورزیدند، لیبرالهای علیه رژیم‌ها بلکه طرفدار لیبرالیم و سلطنت بدون دیکتاتوری بودند، امروز مجاهدین به علامت حمایت، در برخی از نظراتی که به نفع لیبرالها بوده شرکت کرده، در نشریه خود تلگرام لیبرالها می‌مانند و حاج سیدجواد را منعکس نموده و از نشریات لیبرالها مانند "میزان" و "انقلاب اسلامی" درباره "تفخ مکرر قانون اساسی ... شاهده مثال می‌آورند."

آری واقعتاً اینستکه مجاهدین در قبال لیبرالهای مرتجع از خود شیدا تزلزل نشان داده و سیاست سازشکارانه‌ای در پیش گرفته اند. این سیاست سازشکارانه و ماساژات جویانه در قبال بخشی از هیات حاکمه ضد خلقی ایران ناشی از چیست؟ آیا مجاهدین با لیبرالها دارای هیچگونه مرزبندی نمی‌باشند؟ آیا بدما زمان مجاهدین

بدرستی فعالیت و مبارزه خود علیه حکومت را تشدید کرده اند و بیرواضح است که این امر بسود انقلاب و مبارزه توده‌ها علیه ارتجاع حاکم است و بی سبب نیست که رویزیونیستهای مزدوری چون حزب توده که نوکریات حاکمه می‌باشند علیه مجاهدین خلق لجن پراکنی نموده و این سازمان را "همدست فدا انقلاب" میدانند. آری رژیم حاکم و رویزیونیستهای خیاننگار از تعمیق مبارزه سازمان مجاهدین خلق نفرت دارند، اما توده‌های آگاه و نیروهای انقلابی و کمونیست از این امر نمی‌توانند متأسر و مترونا شوند، ما نیز به توبه خود از این امر استقبال می‌نمائیم، اما در عین حال نمی‌توانیم در قبال سیاستهای انحرافی مجاهدین در مورد لیبرالهای خائن نگران نباشیم، در حقیقت مجاهدین با اتخاذ چنین سیاستها می‌تواند پیگیری و تزلزل خود در قبال لیبرالها را بنمایش می‌گذاردند، مجاهدین باید بدانند که اگر لیبرالها به آنها "چشم زده" و اینجا و آنجا بطور ضمنی از آنها "حمایت" میکنند این امر فقط و فقط به خاطر آنستکه تیروهای مردمی را گرد خود جمع آورده و توده‌ها را نسبت به خود متوهم سازند، لیبرالهای عوام فریب می‌کوشند از حیثیت تیروهای انقلابی سوء استفاده نموده و جنبش توده‌ها را به سکوی پرش بسرای تحکیم موضع خود در قدرت سیاسی تبدیل سازند حال آنکه مجاهدین نباید این حقایق را برای توده‌ها آشکارا نمایند و آنان را نسبت به این بخش از دشمنان نشان نیز واقف سازند؟ آیا مجاهدین نباید خطر لیبرالها برای جنبش دمکراتیک و فدا میریالیستی توده‌ها را افشا نمایند؟ منافع انقلاب و خلقهای کبیرا بران چنین می‌طلبند، اما آیا مجاهدین خلق به چنین نیازیستریکی پاسخ خواهند داد؟

## حقوق معلمین آواره را قطع کرده‌اند

در تاریخ ۹/۱۸ حدود ۵۰ نفر از معلمین خوزستانی که فعلاً در بروجرد ساکن هستند، برای اعتراض به بخشنامه‌ها دره زهران جلوی وزارت آموزش و پرورش شهر اجتماع میکنند، مضمون بخشنامه این بوده است که معلمین نواحی جنگ زده‌ها پدیده مناطق خود برگردند و از این تاریخ به بعد "دزسوم" حقوق که به معلمین پرداخت می‌شد به دستور آقای باهنر قطع میشود. معلمین معترض از میان خود شورایی انتخاب کردند که این شورا با خواست پرداخت دزسوم حقوق قرار دادن دفتر حضور و غیاب را در اختیار معلمین آواره و گزارش آن به خوزستان و... پیش رئیس فرهنگ می‌رود. اما با جواب سربلای وی روبرو میگردند. معلمین بهمه‌شورا تصمیم میگیرند که تا تحقق خواسته‌ها نشان به مبارزه ادامه دهند

برای هواداران خود که از دیکتاتوریمبارزی از خود نشان میدهند، چنین جلوه دهد که گویا این سیاست مدارا جویانه نسبت به لیبرالها یک تاکتیک است، ولی کدام تاکتیک؟ آیا تاکتیک انقلابی نباشد در خدمت استراتژی بوده و منجر به انکشاف مبارزه طبقه‌ای گردد؟ همانطور که میدانیم توده‌ها در مقابل جنایات و شیادیهایی عربان حزب جمهوری از آن دور میشوند، آنان بیش از پیش نسبت به هیات حاکمه بی اعتماد گشته و بدگره و عمیان نسبت به حکومت در میان توده‌های زحمتکش جوانه می‌زنند، در چنین شرایطی سیاست انقلابی آنستکه هرگونه توهم، نسبت به هر یک از جناحهای هیات حاکمه را در ذهن توده‌ها در هم شکسته و آنان را بی پروا و بدورا سازد - های واهی نسبت به بالائیها در راه انقلاب به جلوه‌ها بیت کرد، سیاستی که توده‌ها را نسبت به یک جناح از حکومت امیدوار سازد و این توهم را بوجود آورد که گویا لیبرالهای خیاننگار "بهتر" از حزبهای خائن می‌باشند، سیاستی رفرمیستی و سازشکارانه است، زیرا چنین سیاستی عملاً انقلاب علیه کل طبقه حاکم را به دست فراموشی می‌سپارد، مجاهدین بجای آنکه ما هیت تک تک جناحها را در نزد توده‌ها افشا کنند و سیاستهای خاص هر جناح و منافعی که در پشت هر یک از این سیاستها نهفته است را به توده‌ها توضیح دهند، به توده‌ها چنین وانمود میسازند که گویا لیبرالیم، ارتجاع نیست و جناح لیبرالها "بهتر" از جناح حزب میباشند، مجاهدین بجای آنکه به توده‌ها بگویند لیبرالها مدافع امپریالیسم میباشند و مخالفت آنان با حزب جمهوری نه از موضعی مترقیانه، بلکه از موضعی ارتجاعی میباشند، چنین وانمود میسازند که لیبرالها از همسان موضعی به حزب برخوردارند که تیروهای آگاه و مترقی، آری سیاست و تاکتیک که همه دشمنان توده‌ها را به آنان نشانساند، نه سیاست و تاکتیک انقلابی بلکه سیاستی رفرمیستی و سازشکارانه است.

## افشای حزب جمهوری خوب است، اما...

مجاهدین بدرستی بیش از گذشته به افشای حزب جمهوری اسلامی پرداخته و حزب را "جساده مافکن امپریالیسم" نامیده و "سیاستهای سازشکارانه و ارتجاعی" و "چماق دارها و جنایات آنرا بر ملا میسازند. مجاهدین بدرستی برخلاف گذشته شعارهای دروغین فدا میریالیستی حزب جمهوری در مورد اشغال سفارت را افشا نموده و مطرح ساخته‌اند "چگونه میتوان هم‌فدا امپریالیست بود و هم هر روز فشار و روخفا بر مردم و نیروهای انقلابی را افزایش داد؟" (مجاهد ۱۰۱) مجاهدین بدرستی در برابر فشار ارتجاع و ممنوع انتشار شدن نشریه مجاهد دست به تعرض زده و دوباره به انتشار نشریه می‌پردازند، مجاهدین (هرچند محدود و ناپیگیر) بدرستی به افشای جنایات رژیم در کردستان دست زده و اقدام انقلابیون توسط رژیم را بر ملا کرده‌اند... آری مجاهدین



## کیفرخواست انقلاب علیه ضد انقلاب

### افشای ماهیت سران لیبرالها و حزب جمهوری اسلامی در پیشگاه خلق

از این پس خواهیم کوشید، کارنامه خبیانت باربران لیبرالها و حزب جمهوری اسلامی را در پیشگاه خلق افشا نمائیم تا توده های خلق بهتر از پیش بدانند، که چه کسانی، هفتاد هزار شهید و صدهزار معلول انقلاب را تنها به سگوی برشی برای رسیدن به قدرت و غارت و سرکوب زحمتکشان ایران تبدیل کرده اند. در این افشاگریها یک فرد لیبرال و یک فرد حزبی را همراه با یکدیگر افشا میکنیم. چرا که هر دو این جناحهای رقیب در درون هیئت حاکمه دشمنان توده های رنج دیده میهن ما هستند. طبیعی است از آنجا که ما تنها و تنها به توده های میلیونی خلق برای پیشبرد امر انقلاب اعتقاد داریم در افشای دشمنان توده ها، هدفی جز آن نداریم که توده ها با یک انقلاب بزرگ، خودشما با دشمنان نشان تصفیه حساب کرده و آنها را نیز مانند شاه خائن به زیر لاله دانی تاریخ بیاورند.

ارزش به سرخ در یک مصالحه مطبوعاتی میگوید: "کمان میبکنم علی امینی بتواند موفق شود و تا جایی هم که در اختیار من است، کمکش میکنم". و بدین ترتیب با زرگان میگویند به کمک و یاری نوکر حلقه بگوش آمریکا بخرید، که او و جکیبری جنش از زاده ماه توطئه ها بش را علیه انقلاب نمی دهد.

ارتباط با امیرالیم آمریکا از طریق دوستان خائشان چون امیرانتظام، حسن نژاد و مقدم مراغه ای.

ارتباط مستقیم با ژنرال هویر آمریکا شی و ارتشید فرها غی جلد شاه مزدور (با تفاق آیت الله بهشتی خائن) برای به سازش کشیدن مبارزات مردم ایران و جلوگیری از قیام بهمن ماه خلقهای قهرمان ایران. در این مذاکرات بهشتی و با زرگان قول دادند که مانع از قیام مردم و بهیم باشند ارتش شاهنشاهی کردند و منافع امیرالیم را حفظ نمایند.

آقای بازرگان کینه خود را علیه قیام بهمن

بقیه در صفحه ۱۳



### مهدی بازرگان (لیبرال)

نام: مهندس مهدی بازرگان  
شغل: سرمایه دار (مدیر عامل کارخانه پرفو) و نخست وزیر سابق و نماینده فعلی مجلس شورای اسلامی  
اهد تولوزی: لیبرالیسم  
جرم: شرکت فعال در بازسازی سرمایه داری وابسته به امیرالیم و سرکوب و کشتار کارگران و زحمتکشان و خیانت به خلقهای قهرمان ایران

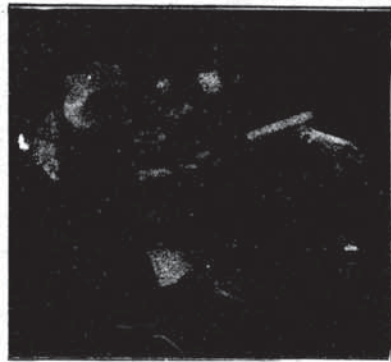
ظرفداری قانون اساسی شاهنشاهی و مبلغ نظریه مداخله انقلابی، "تا سلطنت کننده حکومت" مثلا او در مصاحبه ۱۲ آبان ۵۷ (یعنی در دوران حکومت نظامی اوبسی) میگوید: "مادر شمار آن احزاب هستیم که قانون اساسی را قبول داریم". که البته در آن سلطنت شاه موهبتی الهی شناخته شده بود.

سرمایه دار و رای سهام در چندین کارخانه از جمله ایرفو میکنده خون کارگران ایران - کارخانجات و استنما رتوز خد نکشان. بازرگان در این کارخانه با امیرالیم استهای فرانسوی و بلژیکی شریک است.

بسیار از او و جکیبری مبارزات توده ها، کوشیدند سوار شدن بر جنبش خلق از نا بودی قطع می امیرالیم و حتی رژیم سلطنت در ایران جلو گیری کند. بدین ترتیب شروع به نامه پراکنی برای دشمن خلق، یعنی شاه خائن نمود.

برای فریب توده ها و جلوگیری از جنبش در نامه خائشان ۲۹ اردیبهشت ۵۷ به شاه خائن نصیحت میکند که: "اگر بجز خود را خسته و کوفته کرده اند و به نرات جای خود را به ولیعهد تازه نفس بدهید."

همدستی با مزدوران شناخته شده امیرالیم آمریکا، مانند علی امینی: بازرگان در ۱۸ شهریور ۵۷ (یک روز پس از جمعیه شاه) در نامه عاجزانه ای به شاه خائن میگوید: "علی امینی را فرد میهن پرستی میدانم، اگر با آمریکا هم تماشایی داشته باشد، روی تبادل نظر و صلحت اندیشی است." و در ۱۲ آبان یکروز قبل



### آیت الله بهشتی (حزبی)

نام: آیت الله سید محمد حسین بهشتی  
شغل: بساز زینفروش سابق و سهامدار شرکت اهداف ورثیس کنونی دیوان طالی کشور و دبیرکل حزب جمهوری اسلامی  
اهد تولوزی: "مکتبی" و مکتب سرمایه داری  
جرم: شرکت فعال در بازسازی سرمایه داری وابسته به امیرالیم و سرکوب و کشتار کارگران و زحمتکشان و خیانت به خلقهای قهرمان ایران

بهشتی در دوران شاه همیشه در سازش و مفاشات با رژیم پهلوی قرار داشته است. خروج آزادانه از طریق فرودگاه مهرآباد با سیورت ما دره از طرف رژیم ضد خلقی شاه در بعد از قیام خونین ۱۵ خرداد ۴۲، در حالی که در آن زمان بسیاری از مبارزین و انقلابیون تحت شدیدترین پیگرد های پلیسی رژیم شاه قرار داشتند، آقای بهشتی با خیالی آسوده به آلمان غریب "هجرت" فرمودند، کاری که بجز از راه خیانت به خلق و خدمت به شاه نمی توانست انجام گیرد.

نماینده آیت الله شریعتمداری روحانسی بورژوا لیبرال در آلمان غربی.

اجاره کردن خانه ای مجلل در آلمان غربی به قیمت ۲۰۰۰ مارک معادل ۸۵۰۰ تومان، این پول از کجا تا من میگردید؟ اسن مبالغ کلان از دسترنج و عرق جبین زحمتکشان تا من می کردند.

ملاقات هفتگی با مقامات سفارت شاه در آلمان (لابد برای مبارزه با رژیم شاه!)

مخالفت با دانشجویان مبارز در رژیم شاه در هامبورگ (آلمان) و جلوگیری از فعالیتهای افشاگرانه آنها علیه حکومت پهلوی

مسافرت به سواحل خوش آب و هوای کشور یونان و بندر ماری در فرانسه برای گذراندن تعطیلات تابستانی. معلوم است که آقای بهشتی در این مناطق دور از دشمنان زحمتکشان گرسنه و رنج دیده ما چه کارهایی کرده است!



## دعوی لیبرالها و حزب جمهوری اسلامی، جنگ قدرت میان دشمنان توده ها است



### جنایت دیگر پاسداران در زندان اهواز

روز جمعه هفتم آذرماه یکی از زحمتکشان دانشکاه جندی شاپورینا محسن کردرتنگه برای ملاقات پسران انقلابی ۱۵ ساله اش که بدنبال حمله او با تان و وسایداران به ستاد امداد برترکسی مجاهدین دستگیر شده بود میروید. وی با معانعت و بدرفتاری نگهبانان مسلح زندان روبرو می شود و موقعی که اعتراض می کند با شلیک نگهبانان تیری به قفس اش امت می کند ولی معالجات موثر واقع نشده و وی فوت میکند. این زحمتکش قبل از مرگ عم نکیرش مرتضی میگفت: "اگر من بمیرم چه کسی سرعائله ام را نان خواهد داد؟" مردوران و عوامل مسلح رژیم جمهوری اسلامی با فریب کاری جنین و نمود کردن که تیر در اثر "اسیاه" از تنگ خارج شده است. در رژیم جمهوری اسلامی آنچه برای اس رزم ارتجاعی اهمیت ندارد جان زحمتکشان است. در طبیعت جنین رزمی است که از جنا بنگاران پشتیبانی نماید.

■ بحسب زند ۲۵ هزار تومان از دسترنج زحمتکشان بعنوان حقوق ما هیانه در مقام ریاست دیوان عالی کشور، تازه از حیث و میلیهای دیگر این جناب از بیت المال اطلاعی نداریم. ■ مشارکت فعال در ایجاد ساواک جدید بنام "کمیته مبارزه با سازمانهای سیاسی" برای تعقیب و دستگیری کمونیستها و انقلابیون (رجوع به پیکار ۶۱)

■ شرکت در اعدام بیگاران و انقلابیون از جمله رفقای شهید احمد مودن، مهدی علیوی - شوشتری، مسعود انبالی، حالی حالی زاده، عبدالله قزل، تقی شهرام، شکرالله دانشیار، منوچهر نیک اندام، محمد شرفی و دهها کمونیست و انقلابی دیگر در مقام ریاست دیوان عالی کشور...

اینها بود شمای اجنایات آیت الله بهشتی که یکی از سردمداران جمهوری اسلامی است این سوابق. تنگین آیت الله بهشتی و همتا هایش دروغ بودن ادعاها و همچنین عوام فریبیهای او را بخوبی نشان میدهند و توده های زحمتکش ما میدانند که "حامی مستضعفین بودن این آیت الله مکتبی و شیا دجز خدمت به امپریالیسم آمریکا و بازاری سرمایه داری و استه چیز دیگری نیست بهشتی و همپا لکی هایش می خواهند نمودند زنده که مخالفت آنان با لیبرالها بخاطر مخالفتشان با امپریالیسم است. حال آنکه این دروغی بیش نیست حزبیهای خائن مانند لیبرالهای خائن حافظ سیستمی میباشند که امپریالیسم به آن انکا نموده است. بهشتی و یارانش دوستان امپریالیسم میباشند و به همین خاطر آنان دشمن خلقهای ایران کمونیستها و انقلابیون بوده و مخالف سرخست آزادی و استقلال واقعی میباشد.

■ بنیانگذار حزب ارتجاعی و فدراتی جمهوری اسلامی: این حزب با همدستی لیبرالها، هزاران نفر از خلقهای زحمتکش ما را بشهادت رسانده است. جنایات حزب جمهوری اسلامی که آقای بهشتی از بنیانگذاران آنند بی شمار است ما در اینجا فقط به ذکر نمونه هایی از آن اکتفا می کنیم:

۱- قتل عام دهقانان زحمتکش ترکمن صحرا و ترور انقلابیون خلق ترکمن از جمله رفقا توماج، مخوم، جرجانی، واحدی و دهها انقلابی دیگر

۲- ایجاد حبس در کردستان بهمه راه لیبرالها و کشتار و مجروح کردن هزاران نفر از زحمتکشان کردستان و قتل عام صدها نفر از روستائیان زحمتکش در روستاهای فارس، قهلان، گانی، مامسید، اندر قاش، صوفیان، سوسف کند، سه روگانی و...

۳- به همراه لیبرالها ترور انقلابیون به ویژه کمونیستها از جمله بیگاران شهید رفقا مسعود صالحی، راد و وطن، نجم الدینی و دهها انقلابی دیگر

۴- ایجاد محیط ترور و خفان در شهرهای ایران بویژه در شمال و غرب و جرح انقلابیون توسط آدمکشان وابسته به حزب

۵- سرکوب مبارزات حق طلبانه کارگران دهقانان، بیگاران، دهکده داران در تهران درورد اندیشک، ماهشهر و شهرهای مختلف ایران ۶-۰۰۰۰

این جنایات را حزب آقای بهشتی انجام داده است و حزبی که با انکا به سپاه پاسداران جنایات فحشیمی را علیه خلقهای ایران به انجام رسانده است

■ شرکت در بازاری سیستم سرمایه داری وابسته در جهت سرکوب انقلاب و تشدید بهره کشی از کارگران و زحمتکشان. بهشتی همیشه حامی تجار و سرمایه داران بوده است.

■ استخدام وسیع و سازماندهی دسته های اوپاش، قداره بند و آدمکش زیر عنوان "حزب الله" برای حمله و سرکوب تظاهرات و برهم زدن میتینگ های نیروهای انقلابی و ضرب و شتم کمونیستها و انقلابیون

■ تماس و ملاقات مخفیانه آقای بهشتی با "هنری برک" جاسوس آمریکا و بردن او به حوزه علمیه قم و ترتیب دادن ملاقات او با مدرسین حوزه علمیه طبق اعترافات ابراهیم یزدی در مجلس (روزنامه جمهوری اسلامی دوشنبه ۲۱ شهریور ۵۹)

■ ملاقات بهشتی با کاردار سفارت امپریالیسم آمریکا و ارائه رهنمودهای لازم به او و تقابل از اشغال سفارت (نامه یکی از دانشجویان بیرو خط امام به مجاهد - مجاهد ۱۰۱)

■ شرکت فعال در برپا سازی و سازمان دادن هجوم وحشیانه به دانشکاههای کشور زیر عنوان "انقلاب فرهنگی" و کشتار دانشجویان انقلابی و مجروح کردن صدها تن از آنان.

مرف ۶۰۰۰ تومان معادل ۱۵ هزار مارک آلمانی برای باغچه مسجد ما بزرگ جهت خوش آمد خود! در حالی که دانشجویان مبارز خارج کشور در زندگانی بد ما روزه علیه رژیم ناهادامه میدادند و حتی بنگار بخت خودداری آقای بهشتی از دادن وام به دانشجویان مبارز مسلمان آنها مجبور شدند از کشتن کاتولیک برای گذراندن زندگی خود وام بگیرند.

■ کوشش برای استقبال از شاه جلاد در مسجد ها میورک بهشتی که سفر شاه به آلمان در سال ۱۳۴۶. که البته با افشاکریهای دانشجویان مبارز ما میورک، آقای بهشتی نتوانست جاکسری آشکار خود را به شاه جلاد خون آلود نشان دهد.

■ خرید دهها هزار مارک آلمانی و ارسال برای خانه شخصی خود بهشتی که به زکات به ایران آنهم در حالی که زحمتکشان ما مان خالی برای خوردن نداشتند. این وسایل آنقدر زیاده و کثرت داشتند بود که نتوانستند با برندی سوغاتی این آیت الله بنیاد ۲۵۰۰ مارک (بسی از ۱۰ هزار تومان) بود. او تمام تلاش خود را بکار میبرد تا دانشجویان مسلمان مبارز ایرانی در سیاست دخالت نکنند. ناراضی این دانشجویان موجب ترک او از آلمان غربی و جانشینی اش بوسیله مجاهد سسنری گردید.

■ ۱۲ سال اقامت در اروپا از طریق مفتخوری و بحسب زند بولهای حامل از خون دل کارگران و زحمتکشان و بازگشت به ایران در سال ۱۳۵۴ و تشریف فرمائی در معیت ابادی رژیم شاه به خانه مجلل خود، در حالی که در آن دوره اکثر مبارزان از خارج کشور قدم بداخل میگذشتند بلافاصله از زندان اوین و گنجینه کاهای رژیم شاه سردر میاورد. (این سوابق تنگین آقای بهشتی در خارج از کشور توسط انجمن دانشجویان مسلمان خارج از کشور - ها میورک افشا شده است) ■ بلافاصله پس از ورود به ایران از جانب رژیم مغفورا در سازمان کتب درسی مسئول بنگار مسئول و در این سازمان به تدوین کتابهای ناخنهای برای نوجوانان ما برداخته و بدین ترتیب به بیاد کردن فرهنگ منحط سرمایه داری وابسته در مدارس و تحمیل دانش آموزان مشغول میگردد. اسم این عنصر خائنکار و عوام فریب در صفحه دوم کتابهای درسی ارتجاعی و مستند زمان شاه نقش بسته بود.

■ بهشتی همراه با راجایی، باهنر و چند نفر دیگر از رهبران سازمان شرکت هدف بوده و تاکنون او همچنان به استعمار توده ها مشغول است.

■ تماس مخفیانه آیت الله بهشتی به همراه سازگان سوزووالسیرال و فرهاغی (چکمه - بوت آریا منیری) در حیوچه قیام ما "هوسزر" جاسوس و مستشار امپریالیسم آمریکا برای موفق کردن انقلاب و جلوگیری از قیام مسلحانه توده ها در پهن ماه ۱۳۵۷.

■ ایجاد سپاه پاسداران برای سرکوب انقلاب و کشتار انقلابیون و خلقها.



### کشاورزان مبارز رژیم را بعقب می رانند!

جریان از این قرار است که فرد منقوری به نام محمد بائی که در زمان شاه خاشن نماینده رامند (وکیل مجلس آریا مهری) در منطقه هشتبر بوده و هم اکنون نیز مسلحان شده و نماینده عرفانی (نماینده هشتبر در مجلس شورای اسلامی) میباشد، در ده سال پیش زمینی را در روستای شکردشت (هشتبر) در اختیار کشاورزان (جویسان) زحمتکش بنا نهاد. این قرار داده بوده تا کشت کند و البته هر سال حاصل دست نخورده و با بهر میبرد. بعد از قیام (با بائی) مرتجع پس استغاده از نفوذی که در رژیم جمهوری اسلامی بدست آورده است توطئه می چید که جویسان زحمتکش را از زمینی که مدت ۱۰ سال روی آن کار نموده است و در حقیقت زمین به جویسان متعلق است، بیرون کند. برای اجرای این عمل ضد خلقی ۲ ماه پیش با تفاق عده ای از اوباشانش به سراغ جویان میروند و میخواهند آنها را با زور از زمین بیرون کنند که جویان با زورمقاومت میکنند. با بائی منقور با تفاق همدستانانش جویان زحمتکش را بضد کتک زده و تهدید میکنند اما جویان با زورمقاومت نمودند و از زمین بیرون نمیروند. جویان زحمتکش که هنوز ما هیت رژیم جمهوری اسلامی را نشناخته بود، روز بعد برای شکایت به دادستانی هشتبر مراجعه و شکایت میکند اما از آنجا شکیکته تمامی زمان مداران رژیم با وجود اختلافاتشان در سرگردان، توده های زحمتکش با هم متحد هستند. دادستان به خواهستهای بحق جویان زحمتکش هیچ اعتنایی ننموده و با جواب سربالا اورا رد میکند.

جویان زحمتکش که می بیند رژیم جمهوری اسلامی نه تنها به خواهستهای بحق او کمترین توجهی نمیکند، بلکه پشتیبانان پولداران و سرما به داران است به میان روی نشان محفل رفته و جریان را میکوبد روی نشان زحمتکش از این نتیجه اعمال ضد مردمی رژیم پخش آمده و تصمیم میگیرند منحصراً در مقابل زورگویی بیگانه و متجاوزان و چنانچه دویا به بائی با هر مفای کذب یا دویخواهد جویان زحمتکش را از زمین ۶۰ راج نمایند، بهر ترتیب که شده حتی با زور و بیگانه با بستند. رژیم از سر او کجگری با زور و سنا نشان محصور به عقب نشینی شده و سنا بسته جویان با زور زحمتکش را از زمین بیرون نماید.

کشاورزان زحمتکش و مبارزان این عمل مبارزاتی شما بخوبی نشان می دهد که چنانچه متحد شده و مبارزات خود را یکپارچه و متحدانه به پیش ببرند، میتوانند خواهستهای بحق خودشان را به رژیم پستی مستکبران تحمیل نمایند. آری، چه خوب گفته اند که چاره نگران وحدت و تنگنای است. (پیک - بحار ۱)

سفارت آمریکا، آشکارا شد با زرگان بدفاع از آنها پرداخت و گفت که این جا سوسپها با اجازه او صورت گرفته است. او گفت: "اگر روزی در گزاشن-های چند سفارت خانه دیگر هم این اسناد بدست آید که تا بدسریه ۲۰۰ فقره برنده از سوی آقای امیرانتظام و یا سایر بوزرا" نمی تواند دلیلی بر خیانت باشد! "و بدین ترتیب میکوشد جا سوسن را تطهیر نماید.

■ ملاقات با برونسکی مشاور امنیتی کارتر، برای سازش با امیرالیم در ۱۱ آبان ۵۸ این ملاقات هدفی جز قبول وقرار گذاشتن برای حفظ منافع امیرالیم نداشت.

■ با زرگان در زمان نخست وزیری اش، مسئولیت مستقیم در اجرا و تدوین در تمامی قوانین ضد کارگری و ضد خلقی داشت.

■ با زرگان با کوشش تمام میکوشیدند که با ارکانهای سرمایه داری وابسته را با سازش کند، دفاع از ارتش ضد خلقی شاه خاشن که اسلام آورده بود، هدفی جز تحکیم سرمایه داری وابسته نداشت.

■ او در سخنانش همواره از منافع سرمایه داران دفاع کرده و بر علیه کارگران و زحمت کشان و کمونیستها تبلیغات میکرد.

■ صاحب امتیاز نشریه ضد انقلابی میزان و از رهبران دارو دسته ارتجاعی "نهضت آزادی ایران" بدین ترتیب خون مدهاشن از دلبرترین

فرزندان زحمتکش ایران، در مبارزات کارگران و خلق کرد و ترکنم و... از انکشان با زرگان نیز میچکد و با طراقتادماش در سرکوب توده ها و کوشش فراوانش برای با سازی سیستم سرمایه داری وابسته، خاشن به خلقهای قهرمان ایران است.

■ این کارنا مخیانت با رکسی است که بنا با بمال کردن خون شهیدان انقلاب نخست وزیر شد، در کشتار توده ها شرکت کرد و همواره غمگین منافع امیرالیم در ایران بوده است اکنون چنین کسی از "آزادی" صحبت میکند طبیعی است "آزادخواهی" حسن شخص خائسی جز آزادی بودن در ادامه مخیانتها معنی دیگر نخواهد داشت.

دعواهای لیبرالها و حرسپها دعواهای دردها است. لیبرالها میکوشند تا خود را برای امور قرار بگیرند و چنانچه استهای گذشته خود را ادامه دهند. لیبرالهای مرتجع آزادی برای خلقی نمی خواهند، آنان آزادی برای غارت و چپاول خود می خواهند. سنا بر این هرگز نماند. فریب شعارهای عوام فرسنا بد لیبرالهای خائسی چون با زرگان و سنی صدر را خورد. آنان دتس کارگران، زحمتکشان، کمونیستها و مردم انقلابیون میمانند. آنان با رومند... امیرالیم استهای خوشخوار و سنا بر این دشمن آزادی و استقلال میباشد.

بقیه از صفحه ۱۱ کيفر... هرگز پنهان نکرد. او قیام پرشکوه بهمن را "مصیبت بزرگ" میدوگفت: "ما دام که ۳- در دست مردم است آجر روی آجر بند نمی شود. " (مصاحبه مطبوعاتی در ۳ آذر ۵۸) او گفته معروف دیگری نیز در این مورد دارد که: "میخواستیم با ران بیاید، سبیل آمد" و بدین ترتیب نفرتش را از سبیل خروشان توده ها آشکارا ساخت.

■ با زرگان در واقع فراری دهنده دشمنان جنایتکار خلقهای ایران از زندانهاست. او بختیار مزبور توهنا غی و با لیبزبان جلاد... دهها تن از جنایتکارترین مزدوران امیرالیم را از زندان فراری داد.

■ با زرگان میکوشید، هویدا و بسیاری از مزدوران امیرالیم را از مرگ نجات دهد و حتی کوشش داشت با جلوگیری از اعدام سپهبد مقدم، رئیس ساواک، پست ریاست صدا اطلاعات ارتش را به او بدهد. (در دعواهای میان دو جناح حکومت، خلغالی جلاد این موضوع را فاش ساخت) ■ آقای با زرگان مبتکر سیاست گام - بیگام در مورد آشتی و سازش با امیرالیم آمریکاست. او که نمی توانست بیکیاره بطور کامل سرمایه داری وابسته را با سازی کند، میکوشید بتدریج امیرالیم را کاملاً در ایران مستقر کند. او در مصاحبه اش با اوربا ن فالاجی (با مداد ۲۱ مهر ۵۸) از اینکه در خارج مبتکر سیاست گام بیگام را تا هیور بختیار میبنداند، ناراحت است و میگوید که تا هیور بختیار را از او خط میگرفته است!

■ او نخست وزیر دولت موقت بود که جنایات فراوانی در سرکوب خلقهای کرد، ترکمن و عرب و کشتار کارگران بیکیار زحمتکشان بی مسکن و سرکوب انقلاب انجام داد. در نوروز خونین ۵۸، ترکمن صحرا و کردستان را بخون کشید و صد ها نفر را کشت و در یورش جمهوری اسلامی به خلق کرد، در مرداد و شهریور ۵۸ نیز مشارکت کامل داشت. او در تیرباران، شکنجه و زندان کلیه انقلابیون و کمونیستها در دوران نخست وزیری مسئولیت مستقیم دارد.

■ همکاران با زرگان در دولت موقت، با عناصر مزدور امیرالیم آمریکا بودند، مانند فرقه سنی که در کودتای ۲۸ مرداد برای برگرداندن شاه خاشن به قدرت، شرکت داشت. ارتش بد قریب شد، فراماسیون و ارتزندگان شاه خاشن، اردلان، مولوی و تزیه که هر سه اکنون در خارج از کشور با بختیار خاشن همکاری میکنند و لیبرالهای خائسی بودند که به همکاری و همراهی امیرالیم آمریکا میپرداختند، مانند مدنی جلاذ خلق عرب، چمران جلاد، خلق کرد، یزدی و قطب زاده خاشن و میناجی و امیرانتظام جاسوس. ■ هنگامیکه توده ها به مزدورانی چون امیرانتظام، یزدی و صباغیان اعتراض میکردند با زرگان بد دفاع از آنها برخاسته، می گفت: "نمی توانم پاک تراز یزدی، امیرانتظام و صباغیان بیدانم." ■ وقتی جاسوسی امیرانتظام و میناجی در اسناد



### بایگ‌های نظامی و مستشاران امپریالیسم آمریکا در منطقه

هما نظر که میدانیم منطقه خلیج فارس و اقیانوس هند یکی از مراکز رقابت‌های امپریالیستی است. اهمیت استراتژیک منطقه، ثروت‌های نهفته در آن و تشدید روزافزون مبارزات ملی و طبقاتی در این نقطه از جهان، قدرتهای امپریالیستی را بر آن داشته تا هر چه وسیع‌تر در جهت تحکیم موقعیت خود بکوشند. در این ارتباط، امپریالیسم آمریکا از دیرباز در این جهت کوشیده و بی‌تابانه یکی از قدرتمندترین و زکا را ملی در منطقه عمل نموده است. پس از شکست مفتاحانه آمریکا در ویتنام، امپریالیست‌های یانکی در پی آن برآمدند تا از طریق تقویت رژیم‌های وابسته منطقه‌ای موقعیت و منافع خود را حفظ کرده‌اند تا تحکیم بخشند اما رشد مبارزات خلق‌های منطقه، سقوط رژیم‌فاشیستی شاه، تشدید رقابت و فعالیت سوسیال امپریالیسم در منطقه آمریکا را بر آن داشت تا علاوه بر تقویت بسی سابقه رژیم‌های وابسته منطقه، خود را با به ایجاد بایگ‌های نظامی بیشتر و تقویت حضور مستقیم خود بیافزاید. اگر رژیم‌هایی مانند انگلستان، اسرائیلی، عربستان، ترکیه، پاکستان، مصر، اردن و... به لحاظ وابستگی ایشان به آمریکا همچون چماق سرکوب خلق‌های منطقه و پاسدار منافع جهان‌خواهان آمریکائی عمل میکنند و ارتش و سایر قوای سرکوب این کشورها در حقیقت بی‌تابانه با یزاری دردست آمریکا بوده و آنها تحت نظر مستشاران یانکی تربیت شده و به انواع و اقسام اسلحه و مهمات جنگی آمریکائی مجهز می‌آیند، آمریکا خود نیز بطور مستمر مستقیماً به ایجاد بایگ‌های نظامی و ارسال ناوگان‌های جنگی اقدام نموده است. در زیر به نمونه‌هایی از بایگ‌های تجا وری آمریکا در منطقه اشاره می‌نمائیم:

ترکیه به لحاظ موقعیت مهم خود در منطقه و بخصوص همجواری آن با بخش اروپائی شوروی و برای آمریکا دارای اهمیت بسیاری می‌باشد به همین خاطر در حال حاضر امپریالیسم آمریکا برای محاصره نمودن امپریالیسم روس دارای ۸ پایگاه موتکی در خاک ترکیه می‌باشد، این پایگاه‌ها که با تجهیزات بسیار مدرن نظامی و جاسوسی مجهز اند بخصوص در شرق و در کناره‌های دریای سیاه استقرار یافته‌اند. علاوه بر آن آمریکا دارای سه پایگاه هوائی و سه پایگاه دریائی در ترکیه می‌باشد. رژیم صهیونیستی اسرائیل اگرچه بی‌تابانه ژاندارم منطقه‌ای آمریکا عمل میکند، اما در عین حال آمریکا خود نیز دارای دو پایگاه دریائی و هوائی در این کشور می‌باشد. پس از بهم خوردن مناسبات مروسو شوروی



واخراج ۱۷۰۰۰ مستشار روسی در سال ۱۹۷۲، رژیم سادات سرعت مصر را به پایگاه و وزرا دخانه بزرگی برای آمریکا تبدیل نمود، نحوی که در حال حاضر هزاران مستشار آمریکائی در مصر استقرار یافته‌اند و آمریکا در خاک مصر دارای یک پایگاه موتکی، یک پایگاه هوائی و یک پایگاه دریائی می‌باشد. پس از اخراج روسها از سومالی، آمریکا در بندر "بربرا" یک پایگاه هوایی و دریایی عظیم به دست آورد، این پایگاه در کناره پایگاه هوائی و دریائی آمریکا در کشور کنیا اجازه میدهد تا امپریالیسم آمریکا از جانب غرب،



اقیانوس هند را زیر کنترل خود قرار دهد. در مورد آنچه که به قسمت شمالی اقیانوس هند مربوط می‌گردد، باید گفت که آمریکا دارای یک پایگاه دریائی در بحرین و چند پایگاه هوائی و دریائی در عمان و بخصوص در جزیره "مصره" می‌باشد. این پایگاه‌ها برخلاف فارس و تنگه هرمز و دریای عرب مسلط بوده و تا واهای شوروی را زیر نظر دارند. علاوه بر این، آمریکا در کشور عربستان نیز به چماق آمریکا عمل کرده و اخیراً عربستان با دریافت سلاح‌های مدرن از آمریکا و اروپا و با مستقر نمودن چهار هواپیمای غول پیگرا سوسی آواکس، خود را تقویت نموده است. هم‌اکنون حدود ۲۰ هزار مستشار آمریکائی وجود داشته و فرمانسوی و انگلیسی در عربستان وجود دارند که به کنترل ارتش ۷۰ هزار نفری این کشور و تجهیزات نظامی آمریکائی مشغول می‌باشند.

علاوه بر پایگاه‌های فوق آمریکا در جزیره "دیگوگارسیا" در مرکز اقیانوس هند دارای یک پایگاه عظیم موتکی، هوائی و دریائی می‌باشد.

### بایگ‌های نظامی و مستشاران سوسیال امپریالیسم شوروی در منطقه

ایجاد بایگ‌های نظامی و جاسوسی و ارسال مستشاران نظامی و غیر نظامی از جمله اسزاری است که در خدمت نفوذ و سلطه امپریالیست‌ها قرار دارند. سوسیال امپریالیسم شوروی نیز بی‌تابانه به هیئت امپریالیستی و تجا و زکا را نه خود در این زمینه بسیار فعال است. شوروی از یکسوی خاطر سرکوب جنبش‌های مردمی و انقلابی و حمایت از ارتجاع حاکم و از سوی دیگر با طرقات با امپریالیسم آمریکا در نقاط مختلف جهان به ایجاد پایگاه و ارسال مستشار اقدام نموده است. البته رویزونیست‌های خائن خروشیف چنین تبلیغ میکنند که شوروی بخاطر گسترش انقلاب سوسیالیسم "به چنین اقداماتی دست می‌زند، اما ما میدانیم که این فریبی بیش نیست. امپریالیسم آمریکا تحت بهانه "گسترش دموکراسی و دفاع از آزادی" تجا وری میکند و سوسیال امپریالیسم تحت بهانه "گسترش سوسیالیسم" تجا وری میکند و نفوذ و سلطه امپریالیستی خود را توجیه می‌نماید. در اینجا نمونه‌هایی از پایگاه‌های تجا وری و ارسال مستشاران روسی را ذکر می‌کنیم: در اتیوپی ۳ هزار نفر مستشار روسی، ۱۵ هزار سرباز و مستشار کوبا و ۴۰ هزار مستشار آلمان شرقی وجود دارند. در ضمن بقیه در صفحه ۱۵

آمریکا از طریق این پایگاه نظامی تمام آمد و رفت‌ها در اقیانوس هند را کنترل کرده و در رقابت با شوروی از ظرفیت وسیعی برخوردار گشته است. امپریالیسم آمریکا علاوه بر پایگاه‌های نظامی دارای نیروهای دریائی گسترده‌ای در منطقه می‌باشد، وجود نیروهای تجا وری ناوگان ششم در مدیترانه و قسوا و ناوگان هفتم در اقیانوس هند به آمریکا اجازه میدهد تا با امپریالیسم شوروی بر سر غارت و تجا وری به رقابت گسترده‌ای دست بزند.

بدین ترتیب ما شاهد می‌کنیم که امپریالیسم جنا یکتا را آمریکا چگونه بر منطقه چنگ انداخته است تا با سرکوب خلق‌های این نقطه از جهان همچنان به استثمار و چپاول خود ادامه دهد. امپریالیسم آمریکا و نمود میسر زده برای "حفظ صلح" و دفاع از "آزادی مردم" مقابل شوروی، در منطقه به ایجاد پایگاه‌ها پرداخته است، حال آنکه بیرواضح است جنا یکتا را و اشنگتن برای غارت هر چه بیشتر با شوروی رقابت می‌نماید. صلح واقعی در منطقه زمانی به چنگ می‌آید که همه امپریالیست‌ها و همه رژیم‌های مرتجع و مزدور منطقه تا بود گردیده و خلق‌ها با کسب آزادی و استقلال سرنوشت خود را خود تعیین نمایند.



# انقلاب فلسطین در آستانه هفدهمین سال

با زدهم دیماه برابر است با اول  
ژانویه (۱۹۸۱) با فرارسیدن اینروز  
انقلاب خلق فلسطین ۱۶



سال از عمر سرا بر ما رزه و قهرمانی خود را پشت سر گذاشته است. انقلاب مسلحانه تسوده ای فلسطین پس از زایمانی پردرد، طولانی و خونین در چنین روزی متولد شد و با سخی بود انقلابی به شرايطی که ما لیا ن در از بر خلق فلسطین و منطقه خاور میانه ما به افکنده بود.

انقلاب مسلحانه توده ای خلق فلسطین نفی فرمیسم بود، نفی تسلیم و انفعال بود نفی وابستگی و انکاء به کشورهای غریبی بود. با این انقلاب بود که خلق فلسطین از زیر آوار شکنها، ممانع و هولناک، آوارگیا و سرگردانها کمر راست کرد پرچم سرخ انقلاب را در فضای منطقه با هتزار آورده و در راه برافراشتن آن از خون هزاران زن و مرد و کودک و جوان مدد گرفت.

سیخ و سا زمانه می و مسلح کردن خلق فلسطین، شخصیت بخشیدن به خلقی که از سوی دشمنان و هم از سوی با مطلاع دوستان بر سمیت شناخته نمی شود برداشتن گام نخستین از راه هزار فرسنگ از اولین دستاوردهای این انقلاب بود.

انقلاب فلسطین در مسیر مبارزه ضد امپریالیستی، ضد صهیونیستی و ضد ارتجاعی خود با همه فرازونشیبها و پیچ و خمهای آنها مصممانه راه سپرده است. افت و خیزها و تکتکها و پیروزیهای بر تلاطم و افزوده و تجربه ای بسیار غنی در تاریخ انقلابهای منطقه و بلکه جهان به همه ظهور رسانده است.

انقلاب خلق فلسطین با سلاحهای افراشته انقلابیونش، مانعی جدی در راه پیشبرد اهداف غارتگرانه امپریالیسم و صهیونیسم و ارتجاع است. چوبی است لای چرخ توطئه های سازشکارانه و نقطه انکاء و آغوش بازی است برای جنبشهای انقلابی دیگر خلقها. انقلاب فلسطین در یکی از پیچیده ترین شرایط سیاسی حرکت میکند و هر لحظه در معرض توطئه ها، کشتارها و محاصره است.

انقلاب فلسطین را رژیمهای ارتجاعی همواره با زیجه دست خود خواسته اند ولی غلبه پیچ و خمها و دشواریها و سرکوبیهای فراوان، انقلاب که متکی به توده های زحمتکش فلسطینی است راه را با فتنه و با ستیز تمام در برابر توطئه گران داخلی و خارجی خود ایستاده است. انقلابی که طی ۱۶ سال گذشته در معرض کشتارها و توطئه های بی حساب نظیر سیستان مریسیا و در اردن و ۶ سال جنگ داخلی در لبنان و توطئه کمپ دویید قرار گرفته و در داخل سرزمینهای اشغالی در معرض انواع

فتاها از سوی فاشیستهای اسرائیلی بوده ولی همواره سرسخت ترسیر آورده و یکدم دست از زوری ما شبرنداشته و با سخ تزلزلات رهبری غیبر پرولتری خود را با شعار "نوره حتی النصر" و "الثوره مستمره" داده است هرگز نخواهد مرد.

انقلاب فلسطین غلبه ضربات دردناک و افتادن ها همچنان قامت بر ما فرزند و بسوی محو "اسرائیل" از نقشه جغرافیای منطقه، بسوی فلسطین دموکراتیک به پیش مینازد. راه آزادی فلسطین بدون شک از آزادی بسیاری از کشورهای عربی میگردد و پیروزی خلق فلسطین پیوندی نزدیک با پیروزی دیگر خلقهای منطقه دارد.

پیوندنا گسستی بین توده های زحمتکش و قهرمانان ایران و فلسطین و روابط انقلابی موجود بین انقلابیون فلسطینی و ایرانی از سالهای سیاه خفقان گذشته، نشانه ای از سر نوشت مشترک خلقهای ایران و فلسطین است.

در اینجا با پیدا فک کنیم که ما خود را موظف دانسته و میدانیم که سو" استفا ده رژیم جمهوری اسلامی از آرمان فلسطین را که برای موجه جلوه دادن خود و کسب حمایت توده ای انجام میشود و همچنین تلاش رژیم برای تخریب در جنبش فلسطین را افشا و محکوم کنیم. وفاداری ما به آرمان فلسطین افشای دشمنان آنرا (که در لباس دوست ظاهر شده و به خلق فلسطین از پشت خنجر میزنند) ایجاب میکند. زحمتکشان فلسطین و انقلابیون آن میدانند که تنها این کارگران و زحمتکشان ایران و نیروهای نماینده آنان هستند که تا سر حد پیروزی همیمان تزلزل ناپذیر خلق فلسطین باقی خواهد ماندند نه نیروهای مانند آن - ها که قدرت سیاسی را در ایران غصب کرده اند.

ما میلاد انقلاب فلسطین را بعنوان عید فلسطین و عید خلقهای ستمدیده و بیباک استه ایران تلقی کرده با گرامیاد میداشت خاطر آن روز با خلق قهرمان فلسطین برای ادامه راه تاپیروزی بیمان را تجدید میکنیم. بر موضع کمونیستی "حق خلقها در تعیین سرنوشت خویش" و اینکه جنبشهای آزادیبخش ملی جزئی از مبارزه جهانی پرولتاریا است پای می فشریم و همیمان استراتژیک انقلاب و خلق فلسطین باقی خواهیم ماند.

دروید برانقلاب فلسطین  
تا نبودا امپریالیسم، صهیونیسم و ارتجاع

نقیبه از صفحه ۱۴ **پایگاههای...**

ناوگانهای سوسال امپریالیسم در بنادر "آساب" و "ما ساوا" در انبوی از حق توفت برخوردار میباشند. و بعلاوه شوروی در آدیس آبابا دارای یک پایگاه هوایی میباشد. در بین جنوبی ۸ هزار مستشار روسی، ۱۸۰۰ مستشار کوبایی و ۳ هزار مستشار آلمانی شرقی وجود دارند. بعلاوه شوروی در عدن دارای یک پایگاه نظامی مهم بوده و در مدخل خلیج عدن در جزیره ای بنام "سقطره" متعلق به یمن جنوبی نیز دارای پایگاه دریایی و هوایی میباشد. در عراق سوسال امپریالیسم دارای یک پایگاه در "ام - القصر" واقع در بندر بصره میباشد و از آنجا که شوروی اصلی ترین تامین کننده اسلحه عراق میباشد، تعداد زیادی از مستشاران روسی در این کشور وجود دارند. در سوریه شوروی دارای یک پایگاه در "لاذقیه" میباشد. گذشته از موارد فوق، ناوگانهای نظامی شوروی از حق توفت در اطراف اقیانوس هند مانند "سمبلی"، "مدرس"، "کنشین" و "شکا با نتا" در هند، "دیگر سوار" در ماداگاسکار، "بنسار" "ناکالا"، "بئرا" و "ماپوتو" در مجمع الجزایر "سئتل" و جزیره موریس، برخوردار است.

البته نا گفته نماند که شوروی در سوما لسی نیز ۶ هزار مستشار نظامی و غیر نظامی و یک پایگاه نظامی - جاسوسی در بندر بربره داشت که پس از تیره ییدن مناسبات این دو کشور، مستشاران روسی مجبور به ترک کشور شده و شوروی با نگاه خود را از دست داد. که بلافاصله امپریالیسم آمریکا جای او را اشغال نمود.

منطقه خلیج و اقیانوس هند یکی از مناطق حساس جهان است که امپریالیستها بخصوص شوروی و آمریکا به رقابت شدیدی در آن دست زده اند. تا سیاست نظامی، ناوگانهای جنگی و مستشاران نظامی و فنی در خدمت سیاستهای توسعه طلبانه امپریالیستها قرار دارند و آنچه که امپریالیسم روس در این منطقه از جهان انجام میدهد دقیقاً در خدمت اهداف تجاری و گرانسه و امپریالیستی آن قرار دارد. این اهداف اگر روزی در اشغال نظامی افغانسان نظا هر میکنند در روز دیگر (در همدستی با رژیم ارتجاعی انبوی) در سرکوب جنبش خلق اریتره خود را نشان میدهد آری شوروی همزه دیگر امپریالیستها نه "ملح و آزادی" و نه "انقلاب و سوسالیسم" بلکه تحاوز و سرکوب ما در میکند. تنها در سال گذشته سوسال امپریالیسم شوروی مبلغ ۹ میلیارد دلار اسلحه به کشورهای جهان بخصوص منطقه خاور میانه فروخته است. این امر نشان میدهد که شوروی همپای دیگر امپریالیستها چگونه رژیمهای ارتجاعی را علیه انقلاب و خلقها مسلح میکند. آری همه این واقیعتها با بیاننگارین حقیقت است که شوروی نه "دوست و پشتیبان" خلقها، بلکه یکی از دشمنان ستمگر طبقه کارگر و خلقهای جهان بشمار می آید.



### فدائیان اسلام و غارت اموال جنگ زده

اگر ارتش ارتجاعی عراق جان و مال مردم زحمتکش مناطق جنگ زده را ارتقا و زخود مصون نداشت و بدنبال تسخیر هر شهری خانه های مردم را چپاول کرده اند، نیروهای کثرت و روز برای عدل اسلامی "حجره باره میکنند نیز از اموال مردم میگردد و راندا را خود را رها کرده و آواره شهرها گشته اند، نمیگردند. فدائیان اسلام "که از مهر ماه در هتل کاروانسرای آبادان مستقر بودند از این غارت ها بی نصیب نمانده اند. مسئول آنها "سید مجتبی هاشمی" تا جاشیکه معلوم شده یک دستگاه تومبیل شولت "نوا" و یک عدد قالی بسیار گرزان (که گویا ۱۶۰ هزار تومان قیمت دارد) از خانه های مردم در زده است، سایر افراد گروه وی نیز وسایل زیادی از جمله موتور سیکلت و... را از منازل مردم آواره زده ویدیکران فروخته اند.

در حالیکه مردم مناطق جنگ زده خانه و زندگی خود را رها میکنند و سعی میکنند جان از مهلکه بیرون ببرند، ارتش اسلام "برای آینده خود از اموال مردم "سرمایه" آینده خود را تامین میکنند زهی بشرمی!



بقیه از صفحه ۱۷ نگاه کنید...

### خرم آباد

در تاریخ ۸/۲/۶۸ عده ای از آوارگان در خرم آباد دیرای گرفتن کارت خواروبیا رطلی اداره کار و امور اجتماعی جمع شده بودند. اما مسئولین رژیم اعلام کردند که از کارت خبیری نیست و آوارگان باید دور و نزدیک مرا جمع کنند. با این جواب خشم آوارگان بالا گرفت آنها میگفتند: "ما خودتان را جای ما بگذارید، نه خانه ای، نه غذایی، در این شهر غریب ما چکار کنیم، این کارتها حق ماست مگر ما به گدائی آمده ایم این حق ماست و باید آنرا بدهید." زن " زحمتکشی میگفت: "اینهمه حرف از عدل و غیره میزنید پس کوی، شما که دست عراقها را بپشت بسته اید." مسئولین اداره کار که از خشم و افشاگری آوارگان بوحشت افتاده بودند در برابر آوارگان بستند، زحمتکشان که این حرکت را دیدند به در راه هجوم برده و به مسئولین اخطار دادند که در راه با زکنتند. در همین حین پیروز زحمتکشی در حالیکه بدنبال سنگ میگشت میگفت: "یک سنگ به من بدهید تا این پدرگها را بکشم" آوارگان با تمام خشمشان با فحش و ناسزا، تنفر خود را از رژیم ضد خلقی ابراز میکردند، و با مشت و لگد به در راه حمله ورمیشوند، شیرزن زحمتکشی میگفت: "تمام مملکت را بسرم مردم خراب کرده اند چنین بلاهایی سر ما می آورند و بعد میگویند بیروید

## اخبار جنگ

### جان بیش از ۵۰ نفر "منقضی خدمت" پادگان سرپل ذهاب در خطر است

در نیمه دوم آذر ماه، گردان "امیر" مستقر در پادگان ابودر (سرپل ذهاب) بخاطر اعتراض به اعزام مجدد آنان به "خط مقدم جبهه" اقدام به تحصن مینماید. روز ۲۲ آذر ماه ۵۹ آخوندی بنام احمد زما نیا ن (شما بنده) آیت الله خمینی " در پادگان آنها را تهدید میکند و میگوید "که اگر به جبهه نروید شما را میکشیم" و در نتیجه اعتراض افراد درگیری شدید لفظی پیش میآید، و میگوید "هر کس که ما بیل نیست در جنگ شرکت نماید بیاید، بیرون تا به ستاد برویم" بین ۵۰ - ۶۰ نفر از افراد منقضی خدمت از صف بیرون میآیند، همه آنها را دستگیر کرده و با تیراندازی هوایی و حمله به بقیه افراد را بیروتن آنها بیکدیگر خودداری مینمایند، دستگیرشدگان را با یک تریلی اطاقدار به نقطه نا معلومی میبرند، از سرنوشت این افراد کوچکترین اطلاعی در دست نیست و کوشش خانواده های آنها برای یافتن بجائی نرسیده است



جنگ و جنگید و کشته شوید، برای کی، برای چی "جنگی کم برای شما که اینطور میازور میگوئید و اذیتان میکنند؟ در درگیری که بین مردم و عمال رژیم ایجاد میشود کفر از زحمتکشان را دستگیر کرده بدون اداره می برند، اما بلافاصله در مقابل ختم شده - ها مجبور به آزادی او میشوند.

بکبار نیز آوارگان اطراف آخوندی را که داشت از دردیگرا داره کار را خارج میشد گرفته و گفتند: "آهای ملا و ایسا ببینیم کجا در میری" و آخوندی را که از ترس دست و پا پیش را گم کرده بود و ادا کردند تا برای آوردن کارت بدرون اداره برود، مسئولین اداره کار هم وقتی دیدند که آوارگان به مقام خود ادامه میدهند عقب نشسته و کارتها را آورده و ما بین آنان تقسیم میکنند، این پیروزی موقتی آوارگان برای آنها درس بزرگی بود، آنها دریا فتند که با مبارزه و مقام جمعی است که میتوانند خواسته های برحقشان را از گلو رژیم ضد خلقی بیرون بکشند

### سربازکشی بجای "مسافربری"

اهواز: رژیم جمهوری اسلامی با تهدید و توقیف دفتر جهره رانندگی، رانندگان اتوبوسهای مسافربری را مجبور میکند بجای انتقال مردم به شهرهای دیگر، سربازان و افراد نظامی را به آبادان ببردند. تا بحال "دفترچه های چندین راننده را بخاطر سربازی از "فرامین" مقامات رژیم گرفته اند. روز ۲۱ آذر ماه در گاراژ گیتی - نورد، مسافری با ابراز ترس از اعمال رژیم که در مقابل خروج مردم از مناطق جنگ زده سنگ می اندازند، پس از ساعتی انتظار با نشستن در اتوبوسها، مقامات رژیم را مجبور میکنند که به اتوبوسها اجازه حرکت بدهند، بدین ترتیب رژیم بنا به ما هیش نه تنها هیچ کمکی به انتقال مردم غیر نظامی از مناطق جنگ زده و از تیرس تا تک و توپ نمیکند، بلکه حتی مانع حرکت های خود مردم در این زمینه میشود، برای رژیم بهتر است که مردم در مناطق جنگ زده کشته شوند جان مردم که برای رژیم ارزش ندارد.

### سرنوشت پتوهای "سیل زدگان"!

در یکی از حملات ارتش بعث عراق به فرودگاه آبادان، انبار فرودگاه آتش میگردد، آتش نشانان پس از خاموشی حریق با تعداد زیادی پتوهای سوخته و نیم سوخته مواجه میشوند پس از پرس و جوی فراوان معلوم میشود که این پتوها کمک های "عربستان" و "پاکستان" به سیل زدگان خوزستان (اسفند ۵۸) بوده که بجای رسیدن بدست سیل زدگان زحمتکش برای مهارت دیگر (شاید برای فروش آنها پس از افتادن آنها از آسیا) در فرودگاه انبار کرده بودند بجای تعبیه نیست که امروز نیز کمک های مردم به آوارگان جنگ با بدست آنان نمیرسد و با آنها فروخته میشود، از چنین رژیمی جز این انتظار نیست!

### دریافت اسلحه از انگلستان

بر طبق خبر موق دولت انگلستان قبول کرده که لوازمی که تا تک چیفتن را در اختیار جمهوری اسلامی قرار دهد، ۱۰ مریا لیم انگلیس همچنین قول داده که برای تحویل وسایل بدکی هلیکوپتر و هواپیما نیز تلاش بنماید. آیا رژیم جمهوری اسلامی میتواند بدون اتکاء به کمک های امپریالیستی این جنگ ارتجاعی و خانمان برانداز را ادامه دهد؟

## بهره برداری عوام فریبانه رژیم جمهوری اسلامی از جنگ غیر عادلانه کنونی را افشا کنیم!



## نگاهی به جنبش آوارگان جنگ در سراسر ایران

جنگ غیرعادلانه کنونی همچنان ادامه دارد و در ادامه خودفشار ریزنده های زحمتکشی که هیچ نفعی در این جنگ ندارد و آواره شهرها شده اند، دوبرابر بر کرده است. وضع غذایی و پوشاک و بهداشت، سفناک است در تمام نقاط مسکونی، آوارگان از شیوع بیماریهای اسهال چشم درد، اوربویون، زیک طرف و از طرف دیگر فقر و گرسنگی و بیماریهای رنج میبرند و با سختی رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی به اعتراضات برحق آنان سرکوب مبارزات و دستگیری عناصر آگاه و آواره - گان میباشند و زیر گوشه های دیگری از فلاکت و مبارزه جنگ زدگان آواره را می آوریم:

### ماهشهر

۳ - در تاریخ ۹/۱۱، عده زیادی از آوارگان زحمتکش از کمپ "B" برای گرفتن بخاری " در دفتر کمپ جمع میشوند و بجای نگیری یکی از مسئولین کمپ ب مردم میگوید: "ما فقط به ۵ نفر که قبلا اسمی آنها را نوشته ایم بخاری میدهم" که این پاسخ وی با اعتراض آوارگان روبرو شده و میگویند باید همه ما بخاری بدهید. آوارگان با مقاومت بالا و موفق میشوند که بخاری بگیرند اما به علت خراب بودن بخاریها در تاریخ ۹/۲۵ برای پس دادن آنها به رژیم جلوی دفتر کمپ صف می کشند. رژیم ضد خلقی اگر هم بخواهد شرفش را برودهای آواره مکانی در اختیار آنان قرار دهد، بدترین، خراب ترین و سائل و فاسدترین غذاها را بین آنان توزیع میکند و آوارگان ستم دیده از مبارزات برحقشان دست خواهند برداشت؟

۳ - از آنجایی که آوارگان زحمتکش منبع درآمد خود را از دست داده اند و رژیم ضد خلقی هم از نظر مالی، پوشاک و وسایل گرم کننده و... کمکی به آنها و خانواده شان نمیکند، عده ای از آنان با درآمدی که از راه فروش سیگار، تخم مرغ، شلغم و... پیدا می کنند نیازهای حداقل خانواده شان را برطرف میسازند، اما رژیم اینجا هم ما هست خود را به نمایش گذاشته و به آنها "مبارزه بسیار گرانفروشی" ما موری خود را بسراغ آنان میفرستد. در تاریخ ۹/۱۷ دو ماور که کارت کمیته گرانفروشی "را با خود داشتند بسراغ زحمتکشی که تخم مرغ می فروخت آمده و از او میخواهند که بساطش را جمع نماید چون با مقاومت وی روبرو میشوند با نسبت دادن کلماتی چون "ستون پنجم" و "مدم غرب" و با کشیدن کلت و تهدید وی، زحمتکش آواره را بزرگترین کمیته میبرند. و این در حالیست که تجار با آروسرما به داران عمده فروش با پشتوانه همین "کمیته مبارزه بسیار گرانفروشی" به غارت و چپاول مردم مشغولند.

۳ - مبارزه و مقاومت آوارگان شهرهای مختلف در مقابل سیاست رژیم که میخواهد آنان را بسیار فرستادن به شهرهای جبرفت و بهم... پراکنده سازد، رژیم را وادار به عقب نشینی نموده است.

خواروباربین آوارگان اسکان داده شده در این مدرسه تقسیم میشود، این مقدار عبارت بود از ۳ کیلو برنج بهر خانوار، مقداری سبب زمینی و پیاز، زولبیا (برای هر نفر ۱۰ گرم) و مقداری بودردختشویی و کمی مربا، کم و نا مرغوب و گندیده بودن مواد با لاموجی از اعتراض و خشم بین آوارگان بوجود آورد. آنها از میان خود ۱۵ نفر را به نمایندگی انتخاب کرده و نمایندگان برای آوردن فرماندار ربه مدرسه به فرماندار میروند. اما فرماندار در رسیدن آنها حاضر نشده و پیغام میفرستد که "همین است و ما بیشتر از این نداریم و هر کس ناراضی است برو". با این پیغام فرماندار مزدور خشم نمایندگان آوارگان با زهم بالا میگردد و پس از چندین ساعت تحصن در فرمانداری با لاف و فرما نمایندگان آنها آمده ولی جواب مشخصی به آوارگان نمیدهد. آوارگان زحمتکش اینجا همه بچ و تنوعالی بودن حرفهای مسئولین رژیم بی بردند و دریا فتند که تنها شرط تحقق خواسته های برحقشان اتحاد و شکل است.

### مشهد

در حدود ۱۵۰۰ تن از آوارگان جنگ در خوابگاه ها نشکاه مشهدا اسکان داده شده اند. آوارگان با بدقیلا به دفتر مسئول اسکان در راه - آهن مراجعه کنند که با هم به جوانهای آواره هدا ر میدهد که کمیته ای برای تحقیق تشکیل شده که جوانهای آواره را "زور" به جبهه جنگ با زخواهند گردانید.

مسئولین رژیم بین آوارگان تبعیض قائل شده و به آنها ثی که در "کمیته انتظامات" هستند کفش و لباس نوسیدهند. در تاریخ ۹/۱۴ وقتی آوارگان بعد از یک هفته وعده و وعید برای گرفتن کفش مراجعه میکنند مسئولین با تحقیر با آنان روبرو شده و یکی از آنان میگوید: "شما باید در جبهه می مانید برادران! آنجا کشته میشوند و شما اینجا ز کفش و لباس صحبت میکنید؟"

رژیمهای ارتجاعی ایران و عراق بخاطر منافع سرما به داران آتش جنگ را برافروخته - اند که جز کشتار، فلاکت، بی خانمانی و در بدری نصب دیگری برای زحمتکشان مانداشته است. بنا بر این زحمتکشان این جنگ را از خود دانسته و از آن بیزارند.

### کرج

عده ای از آوارگان جنگ زده در خوابگاه دانشجویان دانشکده کشا و رژی کرج، اسکان داده شده اند با سداران ارتجاع خوابگاه را تحت کنترل داشته و زور و افراد غیر آواره جلوگیری میکنند آنان از آگاهی آوارگان وحشت دارند آوارگان زحمتکش در اینجا هم مانند سایر نقاط با کمبود مواد غذایی و پوشاک و وسایل گرم کننده روبرو هستند، و مسئولین رژیم ارتجاعی از دادن کمکهای مردم به آوارگان خودداری میکنند. بقیه در صفحه ۱۶

رژیم در کمپ بعد از مدتها قطع جیره غذایی آوارگان مبادرت به دادن کارت خواروبار مینماید که آنرا به بهانه های مختلف از جمله اعتراض آوارگان به بدبودن غذاها و... توقیف میکند، این حرکت مسئولین رژیم اعتراض و مبارزه آوارگان را در پی دارد.

۳ - در تاریخ ۹/۱۷ عده ای از زنان زحمتکش آواره برای پس گرفتن کارت های توقیف شده به مسجد میروند. اما منصرفی نماینده ما ما گفتن جواب "نه" به بهانه "نما زخواندن" زمین آنان میروند. یکی از زنان زحمتکش در مقابل حرکت وی میگوید "لان وقت سیر کردن شکم مردم و وقت عمل است نه نماز" و با دیگران قسرا میگذارد که برای گرفتن کارت های روز بعد هم به آنجا بیایند.

در تاریخ ۹/۱۴ یک ماشین با یک پاسدار مسلح از طرف دولت برای خالی کردن انباری که از وسایلی چون پتو، بخاری، بیخجال، ماشین لباسشویی، بودر لباس، شلوار، پیراهن و... پر بود به کمپ میاید. زحمتکشان آواره که از یک طرف نیاز خود به این وسایل را میدیدند و از طرف دیگر شادمانی نمودن آنها بودند جلوی ماشین را گرفته و مانع خروج آن گشته و چند تن که از وسایل را نیز ممانعت میکنند. پاسدار مزبور به همراه چند نفر دیگر که به کمپ آمده بودند شروع به تیر - اندازی هوائی کرده و آوارگان را متفرق می - سازند. آوری مانند همیشه سرکوب تنها منطق ارتجاعی رژیم، در مقابل خواسته های برحق آوارگان است.

۳ - سریندر (ماشهر) روز جمعه دم آذر ماه جمعیت زیادی برای گرفتن کوبین قند و شکر در مقابل بانک مارات صف بسته بودند. ولی پس از مدتی بانک اعلام میکند که کوبین تمام شده این امر با اعتراض نزدیک به ۵۰۰ نفری که سا اعتراضات نظارت کشیده بودند مواجه میشود. مردم عصبانی میگویند که ما آنقدر می ایستیم که شما کوبین بیاورید. در همین حین از پنجره بانک می بینند که پاسدارانک در حال گرفتن کوبین است. مضافا این وضع خشم مردم را بیشتر میکند و با آمدن عده ای پاسدار برای متفرق کردن مردم، اعتراض مردم به درگیری منجر میشود. در این درگیری پاسداران به دستگیری یک نفر از معترضین مبادرت میکنند. که با مقاومت مردم مجبور به آزاد کردن وی میشوند.

### بروجرد

مدرسه شریعتی - روز شنبه ۹/۱۵ بعد از دو هفته بی آذوقگی، از طرف فرمانداری مقداری

# برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق



**به افشای پیگیرانه لیبرالها برخیزیم!**

انتقاداتی از جانب تعدادی از رفقا به دستمان رسیده است که از کم کاری "پیکار" در افشای لیبرالها انتقاد شده است! ما ضمن وارد دانستن این انتقادات، ذکر توضیحاتی را در این باره لازم میدانیم.

رفقا! هر روز که میگذرد مبارزه توده‌ها ایستادگی بیشتری میگیرد، توهمات آنها نسبت به رژیم هر چه بیشتر فرو میریزد و ناراضی‌ها و اعتراض‌ها اوج میگیرد. در همین حال بموازات اوچگیری مبارزات توده‌ها، جنگ قدرت در بالا نیز شدیدتر می‌گردد. حزب جمهوری اسلامی مرتباً در صدد است که یک بیک موضع باقیمانده لیبرالها را از دستشان خارج سازد و خود بیکه تاز میدان قدرت شود. در چنین شرایطی از طرفی مردم بدنبال آیت‌نایب‌نوی درجا معمه میگردند تا بدوران گرد آمده و مخالفت با رژیم جمهوری اسلامی (و در درجه اول حزب جمهوری اسلامی) را گسترده‌تر نمایند. از طرف دیگر لیبرالها، خود را با موضع اپوزیسیون (مخالفت) درآورده و مزورانه می‌کوشند بر جنبش توده‌ها سوار شده و بر آن مهار بزنند. گسترش پایگاه لیبرالها در میان توده‌ها رستی در قلم و اصفهان که با نگاه عمده حزب جمهوری اسلامی است (گواهی بر این نظر است.

از این رو در چنین شرایطی که با ردیگر می‌روند که لیبرالها بر جنبش سوار شده و آنرا تحت تابعیت منافع ضد انقلابی خود در آورند، وظیفه ما کمونیست‌ها بسیار حساس‌تر و تعیین کننده‌تر می‌گردد. باید آورییم در دوران قبل از قیام که چگونه مبارزات قهرمانانه خلق‌های ستمدیده میهنمان تحت رهبری نیروهای سازشکار قرار گرفت و سرانجام عقیم ماند. امروز بار دیگر به تکلی جدید و ترکیبی متنوع ترمی - رود که حادثه تکرار شود!

رفقا! اگر نسکوشیم که لیبرالهای ضد انقلابی، این محتمل‌ترین آلت‌رنایب‌ر رهبری توده‌ها را با تمام قدرت افشا کنیم، پی‌شک با زهم نخواهیم توانست مهر طبقه کارگر را بر جنبش دموکراتیک - ضد امپریالیستی خلق‌های میهنمان بگوشیم شرایط بسیار حساسی است، هر نوع انفعال و کم کاری در افشای لیبرالها عواقب وخیمی را بهمراه خواهد داشت.

ما ضمن انتقاد به کم کاری و عدم حساسیت لازم خود در مقابل لیبرالها، به افشای فعالانه و پیگیرانه ضد انقلابیون، خواهیم پرداخت. در این باره کلیه رفقا با ارسال مدارک و اسناد افشاگری به "پیکار" و افشای مستقل سابق و سیاستهای لیبرالها در مناطق خود باید به ما کمک نمایند. دست بکار شویم رفقا، لحظه‌ای درنگ، خطا نخواهد بود. آینده دشوار، ولی درخشان است. بگوشیم با افشای پیگیرانه لیبرالها (در کنار افشای حزب جمهوری اسلامی)، برنامه و



مواضع کمونیستی را هر چه وسیع‌تر در میان توده‌ها تبلیغ کنیم.

**رفیق‌هاشم**

این رفیق انتقاد کرده است که ما در سرفاله ۸۳ بنا بر دست بر قوت گرفتن احتمال سازش رژیم‌های ایران و عراق در اثر رشد جنبش توده‌ها، سخن گفته ایم. رفیق معتقد است که جنگ نه تنها باعث تضعیف پایه‌های حکومت نخواهد شد بلکه تنها راهی است که باعث می‌گردد حکومت بتواند توده‌ها را فریبسته بر عمر حکومت خویش بیفزاید و از این رو رفیق جنگ را طولانی ارزیابی می‌کند. رفیق، بنظر ما آنچه تو گفته‌ای درست نیست. اولاً رشد جنبش توده‌ها، حتماً رژیم را وادار به سازش با عراق خواهد نمود، چه رژیم برای سرکوب انقلاب باید قوای خود را متمرکز کند و این ممکن نیست مگر آنکه از جنگ در چند جنبه بر خردا شود. و از آنجا که برای رژیم جنگ با توده‌ها به مراتب با اهمیت‌تر از جنگ با عراق است، بنا بر این برای تشدید جنگ با توده‌ها ممکن است به سازش با عراق دست بزنند، در حالیکه هرگز حاضر نیست برای جنگ با بورژوازی عراق دست از جنگ با توده‌ها بردارد! ثانیاً درست است که جنگ در کوتاه مدت باعث تقویت ارتش، گسترش توهم توده‌ها و انحراف ذهن توده‌ها از مبارزه طبقاتی می‌گردد، اما این مسئله در گسترش جنگ به ضد خود تبدیل خواهد شد و امروز ما شاهد این امر را بروشنی می‌بینیم.

چه در اثر گسترش طولانی شدن جنگ، سربازان ارتشی، توده‌های زحمتکش و... از جنگ بیزار شده و خواهان ادامه یافتن جنگ نخواهند شد. طولانی شدن جنگ نه تنها قدرت نظامی رژیم را تحلیل می‌برد، بلکه با خسارتهای فراوان مالی که بنیاد می‌برد، دورنمای فلاکت را به ارمنسان خواهد آورد، گرانی، قحطی، کمبود کالاهای خفان و... در دنیا له خود اعتراضات مردم را به دنبال خواهد داشت و این همه باعث فروریختن پایه زهم بیشتر توده‌ها و متزلزل شدن پایه‌های حکومت خواهد شد. واقعیت روند و فاع در جامعه ما به روشنی صحت این نظرات را نشان می‌دهد. دیگر از روشنی‌روزهای اول جنگ خبری نیست. توده‌های وسیعی از مردم خواهان شرکت در این جنگ نیستند و بتدریج از آن بیزار گشته‌اند. فلاکت‌های ناشی از این جنگ، آوارگان گرانی، تشدید خفان، کمبود کالا و... ناراضی‌ها را تشدید کرده است و مبارزه علیه حکومت

در نزد توده‌ها عمده گشته است و بموازات آن جنگ بعنوان مسئله اصلی از اذهان توده‌ها خارج شده و بیک مسئله فرعی بدل گردیده است. مطمئناً توهم توده‌ها با زهم بیشتر فروریخته و جنبش توده‌ها اوج بیشتری می‌گیرد. بورژوازی نیز این واقعیت‌ها را می‌بیند و بدلیل وحشت از آن و تلاش برای سرکوب جنبش توده‌ها است که خواهان طولانی کردن جنگ نبوده و تمایل به قطع جنگ (البته بدون زیان اساسی) دارد.

**الف - ۱۲**

این رفیق در رابطه با مسئله "تخص" و "مکتب" و برخورد کمونیست‌ها نسبت به آن که در یادداشت‌های سیاسی پیکار ۸۳ نوشته شده بود انتقاد کرده و تکیه می‌کند که کمونیست‌ها با "تخص" سرنگ نداشتند و آنرا از "مکتب" جدا نمی‌دانند. و بنا بر این آنچه در این مقاله از اولویت داشتن "مکتب" نسبت به "تخص" سخن گفته شده، بنا بر درست است.

رفیق! ضمن آنکه تکیه تو بر این امر که کمونیست‌ها با "تخص" سرنگ نداشتند و بالعکس از علم و تخصص برای پیشرفت بشریت (البته در سوسیالیسم) استفاده خواهند کرد، مورد تأیید ما است. اما در مورد مقدم دانستن تخص یا ایدئولوژی؟ تو تقدم بخشیدن به ایدئولوژی را نادرست دانستی که بنظر ما این نظرنا صحیح است. در توضیح باید بگوئیم و بنظر انحرافی در رابطه با مسئله ایدئولوژی و علم و تخصص و به عبارت جا معتبر نیروهای مولده وجود دارد.

اولین انحراف آن است که به مقام نیرو - های تولیدی، علم و تخصص بهای زیادی داده شود، بی آنکه به ایدئولوژی و روابط تولیدی حاکم بر جامعه توجه شود. انحراف دوم نیز آن است که صرفاً تکیه یکجانبه‌ای بر ایدئولوژی شود و به نقش رشد نیروهای تولیدی، صنعت، علم و تخصص و... بهائی داده نشود.

از نظر ما رشد نیروهای تولیدی، علم و تخصص و غیره به خودی خود گرهی از مشکلات زحمتکشان نمی‌گشاید. چرا که اگر این رشد تکنیک و تخصص در چهار چوب روابط سرمایه‌داری باشد، تنها در خدمت پر کردن جنب سرمایه‌داری قرار دارد، این تکنیک و تخصص پیشرفته‌ای بر خوردار است، اما این تکنیک و "تمدن" تنها بدر سرمایه‌داری از آمریکا می‌خورد و تنها فقر و فلاکت زحمتکشان آنجا را بیشتر می‌کند، از این رو است که بنظر ما نوع روابط تولیدی و ایدئولوژی و طبقه حاکم است که میتواند نشانه‌دهنده مترقی یا ضد انقلابی بودن آن رژیم باشد. بدین ترتیب تنها ما سوسیالیستی است که فاقا قدر روابط استثمارگرانانه بوده و جامعه‌ای متکی بر حاکمیت طبقه کارگر و ایدئولوژی انقلابی است. در همین حال ما کمونیست‌ها خواهان جامعه‌ای عقب مانده نیستیم



## مقاومت دهکده داران علیه رژیم ادامه دارد



هفته گذشته شهردار تهران در اطلاعیه‌ای به دست فروشان و دهکده داران اطلاع رسانی کرد که باید در عرض ۴۸ ساعت بساط خود را جمع آوری کنند. زیرا در غیر این صورت شهرداری تهران به وظایف قانونی خود عمل خواهد کرد. اولین اطلاعیه رسیده و مسلماً آخرین نیز نخواهد بود. پس ارقام عده زیادی از جوانان زحمتکش که بدلیل مختلف از کار خود بیگانه شده بودند و یا از قبل نیز (در زمان رژیم مزدور پهلوی) هیچ کاره دارای شغل ثابتی نبودند، به این کار روی آوریدند. ما در این راه دهکده داران همواره با مشکلات زیادی روبرو بودیم. رژیم جمهوری اسلامی که هرگز نتوانست پاسخ مناسبی به مسئله بیکاری بدهد، از این کار نیز مانع می‌گردد. چنانکه به دفعات مختلف دستفروشان را تهدید کرده و حتی چندین بار نیز به بساط آنها حمله کرده و با کمال بیرحمی دستمالها را چیرا تا آنرا که در پی تحمل مشقت‌های فراوان بدست آورده اند، نابود ساخته و خودشان را نیز زخمی کرده اند. آخرین نمونه اعمال وحشیانه رژیم در قبال دهکده داران، حمله به نظرات بحق آنها در مقابل شهرداری و اخراج باستان بود که منجر به کشته شدن دو نفر و زخمی شدن عده دیگری گردید. این قبیل اقدامات وحشیانه رژیم پرستی که هر کسی را به اقدامات مشابهی که در رژیم مزدور شاه نسبت به زحمتکشان صورت می‌گرفت می‌اندازد، ما از این رژیم جز این‌ها انتظار نداریم. ما خوب میدانیم که رژیم در مقابل پسر کردن جیب سرمایه داران تمهید دارد. آقای شهردار میگوید: "با توجه به مسئولیتی که شهرداری تهران در اجرای قانون حفظ مصالح عمومی مردم دارد، به اینگونه افراد خطا را میشود طرف مدت ۴۸ ساعت هرگونه دهکده و... را شخصاً جمع آوری کند در غیر این صورت شهرداری تهران به وظایف خود عمل خواهد کرد." (تا کیذ-ها از ما ست) آقای شهردار حفظ مصالح عمومی کدام مردم؟! مرکز زحمتکشان که از روی ناچاری تمام مصائب این قبیل کارها را به جان می‌بخرد و در چله زمستان ساعتها در خیابانها می‌ایستند تا بلکه لقمه نانی برای سفره خود و خانواده‌شان تهیه کنند، چه مردم نیستند؟ آيايي خانمان شدن اینها یعنی حفظ مصالح آنها؟ نه ما به خوبی میدانیم آن مردمی که شما از آن حرف می‌زنید همان صاحبان بزرگ و لوکس همان تجار بازار و همان سرمایه داران می‌باشند، شما دقیقاً از مصالح آنها صحبت میکنید و مصالح آنها را می‌کنند که بساط دهکده داران بهم بریزد. زیرا در غیر این صورت ممکن است به

کسب و کار آنها لطمه بخورد. شما با رها در اجرای اقدامات وحشیانه و سرکوبگرانه خود مسئله زیبائی شهر را به ناکرده اید، در حالیکه این حرفهای شما دیگر کوچکترین رنگ و بویی ندارد. زحمتکشان ندارند، امروز چهره فریبکارانه رژیم برای بسیاری از توده‌ها نمایان شده است. وقتی آقای شهردار میگوید "ما بساط قانونی خود عمل خواهیم کرد" برای ما روشن است این وظایف قانونی کدام است؟ زیرا ایشان قبلاً با رها و بارها به این "وظایف قانونی" عمل کرده اند. وظایف قانونی شما چیزی نیست جز حفظ منافع سرمایه داران، تجار بازار بهر شکل ممکنه. وظایف قانونی شما یعنی سرکوب وحشیانه دهکده داران زحمتکش، یعنی همان وظایفی که او خراب باستان جلوشهرداری به آن عمل کرده اند. امروز با توجه به اینکه هیچ تغییری در جهت بهبود وضعیت این زحمتکشان بوجود نیامده است و تازه به مدد جنگ وضع زندگی آنها خرابتر از گذشته شده است به همین جهت

خواست اصلی آنان که همانا ایجاد کار است همچنان به قوت خویش باقی است. جواب دهکده داران در مقابل تهدیدات شهرداری همچنان این حرف خواهد بود: تا ایجاد کار همچنان دهکده داران بساط خود را حفظ خواهند کرد و در مقابل حملات وحشیانه سرمایه داران به همچنان به مقاومت خود ادامه خواهند داد. اما آنچه ضروری است که دهکده داران و دست فروشان به آن عمل کنند:

- ۱- تشکیل خود را در سازمان دهند و در آنجا - هائی که اتحادیه ندارند، مبارزات را ایجاد اتحادیه کرده و نمایندگان مبارزی از بین خود برای رسیدگی به مسائل مربوط به خود انتخاب کنند.
  - ۲- اقدامات و تصمیمات خود را در نقاط مختلف شهرها همگام کرده و یکپارچگی بین خود را تقویت نمایند.
  - ۳- وضعیت زندگی و کار خود (وابستگی - چارندتا ایجاد کار به این کار را در مدتها برای مردم در گذرگاهها توضیح داده و به هیئت سرکوب - گرانه رژیم و رفتار ما موران او علیه این افراد زحمتکش را افشا کنند و از این طریق حمایت توده‌ای را جلب نمایند.
  - ۴- شعارها و خواسته‌های خود را از هر طریق که میتوانند (علامیه - شعار نویسی و...) بین مردم تبلیغ کنند که دهکده داران و دست فروشان تنها با حفظ اتحاد و تشکیل خود میتوانند در مقابل هر نوع تهدید و حتی اقدامات وحشیانه رژیم حاکم مقاومت کنند.
- آری کار برای دهکده داران حق مسلم اوست و هر واضح است که دهکده داران به حقوق خود دست نخواهند یافت مگر با مبارزه‌ای قاطع علیه ارتجاع حاکم.

### پاسخ...

ما به رشد تکنیک، صنعت و... نیز اهمیت بسیار زیادی میدیم و آنرا عاملی در جهت ایجاد رفاه برای کارگران و زحمتکشان (البته در یک رژیم انقلابی) میدانیم. اگرچه ما هم به رشد تکنیک و صنعت و تخصص و... و هم به اهمیت روابط حاکم بر جامعه، طبقه حاکم و ایدئولوژی آنها بها میدیم اما این امر به آن معنی نیست که به هر دو عامل بیگ اندازه اهمیت میدیم. خیر! اینطور نیست ما ضمن اهمیت دادن به تکنیک و... نقش مقدم روابط تولیدی حاکم بر آنها، طبقه حاکم و ایدئولوژی را فراموش نمی‌کنیم. هرگاه به نقش ایدئولوژی انقلابی و روابط تولیدی حاکم بر رشد نیروهای تولیدی کم بها دهیم، دچار انحراف شده و بجای آنکه رشد نیروهای تولیدی را برای تحکیم مناسبات انقلابی در جامعه بخوایم، از رشد نیروهای مولده برای رشد نیروهای مولده حمایت کرده ایم! این

شعاری است که بورژوازی سرمد هدو و نیکو شاد با پوشش‌های ظاهری "مدن" و "تکنیک" و... بر ما بهیئت روابط استثمارگرانه و ارتجاعی، سرمایه داری پرده افکنده و تمدن بورژوازی را رفاه برای توده‌ها جا بزند.

### سایر نامه‌های رسیده

رفقا: ه - رحیم از تبریز - ج از محله نازی آباد - آواره جنگی از آبادان - امیر دانش آموز پنجم دبستان - سهیلا و مادرش زهره - ب، ن از کرج - ج - رئیس اشیراز - کارمان - ت - غ از خوزستان - م، ن از کرمانشاه - H، D - بدالله - ع از تبریز - ن، شیریز - ج از تبریز - ف از تبریز - س، T، D، - ا، م، ر، ج - ز، ز - امیر - ه، سته محلی - V - ۴ - ۲۴ - امیراز - محلات جنوب غرب تهران - ج، س از همدان - ع - ر، س، م - دانش آموز اول نظری .

## جنبش اعتراضی بر علیه گرانی، کمیابی و فلاکت زحمتکشان و سازمان دهیم



## گزارشی از اوضاع سیاسی عراق (۳)

ترجمه قسمتهای قبلی این مقاله را که در سال ۱۹۷۷ بوسیله حزب کمونیست عراق (رهبری مرکزی) منتشر شده در شماره پیش خوانید. اینک ادامه آن:

## جناحهای طبقه حاکمه

در بین عوامل داخلی که با عوامل خارجی پیوند خورده و شرایط دوران جدید را ایجاد کرده اند، می توانیم از درگیری بین جناحهای حاکمنا ممبریم. این درگیری درونی بعلافت قطب بندی جناحهای اساسی رژیم که بطور کلی از دو جناح بوزوکرات و جناح انگلی تشکیل شده، هم اکنون مشکل بسیار حادتری را بوجود آورده است. اگر روشن کردن ما هیت هر کدام از جناحهای رژیم دشوار میباید شد علت این است که هر دو این جناحها به دستگاه دولتی متکی هستند، بدین معنی که هر دو جناح هم بوزوکرات هستند، هم انگلی. اما آنچه که این دوران از هم تفکیک میکند این است که اولی مستقیماً در دستگاه دولتی حزب بعثت و ارگانهای سرکوب هژمونی دارد، در حالیکه دومی از طریق قرارداد های خدمات عمومی (شهرسازی و...) و فساد، در دولت، نفوذ خود را اعمال مینماید.

با پدید آمدن ورشکندگی هر دو جناح از طریق پیوند های سیاسی، قبیله ای و خانوادگی با یکدیگر در ارتباط هستند (۱). اما حادثه در شدن تما دمنا ف آنها، لزوماً قطب بندی سیاسی را بهمراه می آورد.

رقابت بین دستگاههای قدرت فاشیستی حاکم، امری تازه نیست، اما رشد سریع و مهم بوزوکراتی انگلی مرکب از صاحبان شرکت های ساختمانی دولتی و خصوصی، ملاکین بزرگ و نمایندگان شرکت های خارجی، عناصر فاشیستی از افسران ارشد ارتش (بازنشسته با خدمت) و... موقعیت جدیدی را برای رژیم فراهم آورده است. شروتهای بیکران در دست این قشر اجتماعی متمرکز شده، شروتهای که از طریق

(۱) - با پدید آمدن نسبت فامیلی بین البکر (رئیس جمهور) و منوش و منوش هدام التکریتی پیدا کرد، وزیر دفاع پسر عمومی آندو، برادرزن صدام و داماد البکر است. علاوه بر آن در "شورای فرمان دهی انقلاب" (که قدرت حاکمه را نمایندگی میکند) ۸ نفر از ۲۲ نفر، عضو همان قبیله و همان دهی هستند که البکر، وزیر فرمان اهل دهی در بیست کیلومتری ده البکر میباشند.

غارت و استثمای خلق عراق بوسیله ابزار دولتی و خدمتهای آن به منافع خارجیها بدست آمده است. منافع این فئودال منافع فئودال (مرکب از بوزوکراتهای دولتی و حزب بعثت، مسئولین دستگاههای سرکوبگر و رشوه خوارها که بانام حیات اقتصادی کشور بدست آنهاست) متمماً بر است. قشراخیر، صدام حسین را علیرغم جاه طلبی های او برای رهبری تمام جناحهای حزب پذیرفته است.

بعد از آن بودی جنبش مسلحانه کردها، افسران ارتش خواستار نقش مهمتری در دستگاه دولتی شدند. مبنای استدلال آنها شبه پیروزی ای بود که در کردستان بدست آورده بودند. در عین حال، آنها حزب بعثت را مسئول نابسا مانه های اقتصادی و شکست برنامه های اقتصادی و کسر بودجه بسیار مهم و احوال ۱۹۷۵ میدانستند. پایان این دوران راهب میداند: طه الجزاوی از وزارت برنامهریزی برکنار شد و عزت مصطفی (که یکی از مسوولان و نمایندگان بسیار بارز بوزوکراتی انگلی که بیک خانواده صاحبکارخانه های مواد ساختمانی وابسته است و عامل شرکت های خارجی بوده) قدرتش محدود گشت.

با آوری این نکته مهم است که بخش سرمایه داری خصوصی که همچنان با برجاست از اهمیت بسیار زیادی در بعضی از بخش های اقتصاد برخوردار است. علاوه بر این سرمایه داران انگلی تازه ای بوجود آمده اند که میلیونها دینار (۲) دارائی دارند و با سرمایه داران جدید مصرمانند سید مرعی (۳) قابل مقایسه میباشند. البته این بخش خصوصی در عراقی در حال حاضر پوشیده تر و محدودتر است. بعنوان مثال بخش خصوصی ۹۲ درصد تولیدات مواد ساختمانی و ۴۵ درصد نساجی را در دست دارد. (نقل از سخنان یکی از مسئولین "در سمینار پیرامون تولید" روزنامه الشوره ارگان حزب بعثت مورخه ۱۶ سپتامبر ۱۹۷۶) (۴).

برای مقاومت در مقابل فشارهای فشرده و افسران ارشد، صدام حسین که بخود عنوان کراف "مارشال اول" را داده است، یک کارزار تبلیغاتی جهت تخفیف فشار نظامیان را آغاز کرد. این تبلیغات بر محور تمجید از رهبری سیاسی بعنوان

(۲) - دینار عراقی تقریباً معادل ۲۳ تومان است.

(۳) - سید مرعی معاون نخست وزیر پیشین مصر و از همکاران نزدیک سادات که به یکی از میلیونها بزرگ مصر تبدیل شده است.

نیروئی که توانست جنبش مسلحانه خلق کرد را بنا بود کند. دور میزد. از اینجا بود که در یکی از جلسات کمیته با صلاح "جبهه ملی" متعقد در ۲۱ اوت ۷۶ صدام حسین اعلام داشت:

"آخرین توطئه خیانت (جنگ کردستان) بوسیله راه حل نظامی از بین شرفت هر چند این امر نقش بسیار در خشان ارتش عراق را نفی نمیکنند. این ارتش اگر از خطوط اساسی و سیاسی که بوسیله رهبری سیاسی و اهداف آن ترسیم شده بود دفاع نمیگردد (و نکند) نمیتوانست نقش موثری در جنگ داشته باشد."

صدام به رقبای خود در ارتش گفت: "ما بعد از توافق ۶ مارس ۱۹۷۵ (توافق با ایران در الجزایر) و بعد از نقش بر آب شدن توطئه خیانت کفتم که زیا دفخرت و رشوه و گرنه سران کجی خواهد رفت!"

نشریه حزب (۵) ما (صدای خلق) در شماره مورخه ژوئیه ۱۹۷۶ درباره درگیری بین جناح های رژیم نوشت: "شاید تعجب کردا کردار شرا بیط فعلی رقابت بین جناح های رژیم شدید تر شود. این طبیعی است که آنها علیه یکدیگر توطئه کنند تا سهم بیشتری از قدرت را بچنگ آورند." آخرین تغییرات در وزارتخانه ها بطور مشخص بیا نگر رقابت در میان جناح های رژیم و بویژه بین جناح فاشیستی جدیدی که دور صدام جمع شده است از یک طرف و جناح فاشیستی سنتی البکر که عزت الدوری (وزیر کشور) و افسران ارشد ارتش از آنها هستند از طرف دیگر میباشند.

پس از آخرین تحولات در سطح وزارتخانه ها بنظر میاید که مواضع جناح سنتی در مقابل جناح دیگر نسبت بگذشته تقویت شده است. این را بویژه با توجه به کناره کشیدن الجزاوی از پستهای مهم وزارتتی و انداختن مسئولی و ورشکستگی بودجه بعهده و میتوان ملاحظه کرد. شواهد دیگری نیز حکایت از تشدید تما دهان و رقابت میان جناح های مختلف می نماید، بخصوص کوششی که در پیا ده کردن طرح "ارتش خلق" در آغاز سال جاری بکار رفت و صدام که به درجه نظامی ما رشالی ارتقاء یافت و یک واحد نظامی زیر نظر مستقیم او ایجاد گردید. کلیه این عوامل نشان دهنده حادثه در شدن جنگ قدرت بین جناح های رژیم است. شایان ذکر است که پیشنهاد شده بود فرماندهی "ارتش خلق" بعهده الجزاوی قرار

بقیه در صفحه ۲۲

(۴) - رژیم برای یوشان شدن شکست و جهت حمله به کارگران سمیناری پیرامون "تولیدات بخش های مختلف اقتصاد" ترتیب داد. کارگران در این بحثها نقشی نداشتند (صدام حسین در یکی از سخنرانی های این سمینار طبقه کارگر عراق را به تشکیلی و انفعال متهم نمود (۱۰)) (۵) - منظور حزب کمونیست است.

## جنگ غیر عادلانه کنونی جنگی است بر علیه توده های ایران و عراق



# هنرمقاومت هنرپرولتری



معرفی "داستان پداگوژیکی"

## سرود زیبای آفرینش انسان طراز نوین

### نبرد آغاز میشود

فیلم "داستان پداگوژیکی" توجه وسیع توده‌ها را برانگیخته است. چرا آن‌ها از این فیلم چنین استقبال عظیمی بعمل آورده‌اند؟ "داستان پداگوژیکی" مناظری از زندگی نوین مناظری از مبارزه دورانسانا طبقه کارگر و چگونگی تربیت انسان طراز نوین را در کشورشوراها، تنها سه سال پس از انقلاب سوسیالیستی اکتبر تجسم میبخشد. انقلابی که با مارش فاشیست خود، رژیم ددمش سرما پیداری روسیه را منهدم ساخت، قدرت دولتی ستگران را با غریبوی سهمگین در هم شکست و امکان آنرا پدید آورد که زحمتکش با آلام و ماضی ناگفتنی بنای دنیای نوینی را آغاز کنند: دنیای رنجبران، دنیای استثمار شدگان فاش، دنیایی که بیرون سرخ دولست دیکتاتوری پرولتاریا، دولتی که تا آن زمان در جهان نظیر نداشت بر فرازش می درخشید تجدید تربیت انسان زحمتکش، وظیفه‌ای بود که آن زمان در کناره‌ها و بیابانها عظیم پیشان آگاه پرولتاریای شوروی اهمیت افزونی یافته بود آری تحت دیکتاتوری پرولتاریا، می با بست میلیونها و میلیونها انسان ستمدیده به مردمانی تغییر می یافتند که در قلوبشان ایمان زنده به نیروی لایزال و دورانسانا بشریت ایجاد شود و آتش شور و شوق انقلابی برای برپا کردن نظمی نوین در درونشان شعله ور گردید و اینا روفاکاری و انضباط آهنین، جای عادات کهنه، روحیات تیره و عزویاس و بیایمانی به منافع جمع را بگیرد و روح تابناک کمونیستی جایگزین همه آثار نظام شوم استثمارگرانه سرما پیداری شود.

"داستان پداگوژیکی" داستانی واقعی از کامشقت بار، اما پرافتخار کمونیستی جوان - آن توان سیمونیوچ ماکارنکو - است که در راه این وظیفه مقدس گام می نهد. ماکارنکو مسئول یک آموزشگاه تربیتی میشود و با بسا برای ساختن انسانهای نوین، کارش را با تحقیر شده ترین و ستمدیده ترین بخش توده‌ها که فسادا معسرما پیداری تمام مروح و روانشان را زهر آگین کرده و سپس همچون تفاله‌های اصلاح ناپذیر، به پستی گراشیده و بدون آینده، طردشان نموده بود آغاز کند. چنین است که مسئولیت مظم جوان، او را با سخت ترین نبردهای کمونیستی رودرو می نماید.

رساند و رود جویان زندگی، مهرتا شید به داوری - های صحیح و زلال سوسیالیستی میزنند. "ماکارنکو" درمی یابد که اعمال دیکتاتورسوری آگاهانه برای پیشبرد مرکز کمونیستی او، برای ساختن انسانهایی نوین ضروری است. این به معنی بکار گرفتن نیروی زور در جهت برده نمودن افراد رنجبر نیست. این به معنی تکبیه آگاهانه و منضبط برآزاده توده‌ها، جهت بسط نیروهای درونی شان در فعالیت بردارنده، مستکرانه و کاخلق است. ماکارنکو درمی یابد در بنها زمانی تغییر زحمتکشان ستمدیده مقدور است که موجبات ابراز ابتکار توده‌ها فراهم آید و عرصه برای کار خلاق ورها شده ز قیدها هضمنا ر، با زشود و آنان به عرصه آنچنان عمل انقلابی کشیده شوند که بتوانند طی آن استعدادها و توان بیکران و خلاقیت های نهفته خود را آزاد کنند. وی سردید زمانی که قدرت اعمال قدرتمند دیکتاتوری بورژوازی درهم کوبیده شده و امکانها برای کار از زندان شکنجه با روکشنده زندگی، در نظم جا برانه سرما پیداری فراهم آمده، چنین هدفی با کسانند توده بسه میدان عمل انقلابی قابل دستیابی است.

ماکارنکو به تجربه درمی یابد تربیت انسان طراز نوین، بدون کار آگاهانه، سازمان یافته و بدون پذیرش انضباط و کنترل توده‌ای نتیجه بخش نیست. او در هنر یا بدوقتی توده‌های سازمان یافته مکان با بندکده با حساسی و کنترل همگانی به شرکت در بنها نهادن دنیایی نوین را خوانده شوند، قادرند حما سه‌های سازندگی کمونیستی "به نمانا پیش درآوردن و آنان در عرصه عمل انقلابی سرعت با نیروی دانائی و اشتیاق خارق العاده جهت تعمیر و اوقیت، خود تغییر می یابد و با طیف فرهنگ بورژوازی و آموزش های دروغین و آگاه و نمودمی سازد انسانها ذاتا خوب و ذاتا بد هستند به زباله‌ها در مبارزات

### پیروزی‌های کار کمونیستی

اکنون کلید حل موانع یافت شده است و این پس "داستان پداگوژیکی" تبدیل به سرود زیبای کار کمونیستی میشود. سرود زیبایی که رهایی از کار برده‌وار، وزودودن عادات غلامانه و شور و شوق کار برای خود را تجسم می بخشد. سرود زیبایی که از ایمان به نیروی کمونیسم و پیروزی اعتقاد به نیروی نهفته میلیونها رنجبر خیر می دهد. دیگر داستان پداگوژیکی "تجسم بخش فاش آمدن بر منووضیعت ها، تضادها، و موانعی است که بر سر راه پراختیا رسوسیالیستی و تربیت انسان طراز نوین وجود دارد و همه چیز را تمام مقهور کرده و مشهور هوده‌ها میشود. کپودکی که فشرده بشریت زجر دیده‌ها و استعمار شده هستند تبدیل به انسانهایی میشوند که در جانشان عشق به کار خلاق، جانشین نفع طلبی میشود، با تازدر راه آرمان های والاها بگترین نسا می میگردد و انضباط آهنین کمونیستی پرولتاریا کور علیه می یابد. اکنون بگذار سوز و آزی با جنون و

اولین تماویری که در داستان پداگوژیکی" از محیط تازه کار "ماکارنکو" نشان داده میشود بیانگر ویرانی عظیمی است که از سرما پیداری به پرولتاریا به میراث رسیده است. اینجا است که کارحما سه آفرین کمونیستی آغاز میشود. گویی این مخروبه - بازداشتگاه سابق مجرمین خرد - سال - خود نمونه کوچکی از سرشوروی بعد از انقلاب اکثر است. کشوری که از دل جنگ داخلی پرولتاریا با بورژوازی سربرآورد و دشمنان تا آنجا که توانسته بودند به ویرانی اش کشیدند. و اکنون بر سر آران با بد نظمی نو، انسانهایی نو، و تاریخی نویدست پرتوان بشریت رنجبرینسا نهاده شود.

دسته اول که جهت آغاز آزمون پیش‌ترک و برای زدودن همه بقایای نکبت با رجا معکین به این محل فرستاده میشوند، افرادی هستند که سراپا - نشان بالجن سرما پیداری آغشته شده است. کپودکان شیر روزی که هزار زخم‌ها را لود در اعماق جان نشان بجای مانده است. آنان با پوزخندی زهر آگین و تحقیر آمیز به اعمال ماکارنکو برخورد میکنند. در درونشان نیروی مقاومتی دردناک و هراس آور جهت جدا شدن از همه عادات و روحیات برده‌وار گذشته نهفته است و برآستی که به زشتی - ها و فساد گذشته تسلیم شده و به آن خو گرفته‌اند.

آیا امیدی به تغییر آنان میتوانست بست؟ چگونه بر تار یکی درونشان میتوان آفتاب زیبایی های روحی بشریت زحمتکش و آفتاب عشق و آگاهی کمونیستی "تا نماند" همه موفقیت و شکست ماکارنکو به این پاسخ بسته است!

### کار کمونیستی برای آفرینش انسان طراز نوین

ماکارنکو در همان اولین برخورد خود با واقعیت سر سخت، درمی یابد که نمیتوان وظایف نوین را به روش کهنه و با تکبیه بر اصول بسوج "انسانا دوستانه" به اجرا درآید. کسانیکه به آموزشگاه آمده اند به سادگی و با ناسمج پدران حاضر نیستند به جدایی از عادات ردالت بار گذشته دهند با بدالوسهای نوین بیرون کمونیستی را از دل واقعات استخراج کرد. بخار ب زنده ماکارنکو حقا بقی غنی و انقلابی راه شست می



با سبندگرد که چگونه در دیکتاتور پهلوی پارتی، ستم‌بیدگان آنچنان می‌بالند که سربه عرش اعلی می‌سایند، بگذارید سبندگرد که پنده متعلق به بشریت زحمتکش‌ها شده است که با قهر بر نظم‌فاسد سرمایه‌داری پیروز می‌شود و در عمل به اثبات می‌رساند که نکبت سرمایه‌داری همیشگی نیست.

آیا کسی هست که دل درگرو عشق توده‌ها داشته‌اند و از دیدن این همه زیبایی که در دستان پداگوژیکی "تصویر می‌شود، قلبش چون ناقوسی پرشکو به صدا در نیاید" آیا می‌توان آن‌گاه که خودناهد آفرین تما و بر دستان است - آنجا که افراد آموزشگاه، محصول کار قهرمانان توده خود را در می‌کنند، از جوش اشک شوق جلوگیری کرد؟ اکنون در آخرین فصل "داستان پداگوژیکی" ما می‌بینیم دردانه‌های طلایی گندم، گویی اشعه - های زرین روح انسان طراز زنونین است که می‌درخشد، نه! این گندم نیست که روئیده این شخصیت بالنده انسان آزاد و زحمتکش است که در رویش جوانه‌ها تجلی می‌یابد، این فشرده فداکاری‌های عظیم برای بنا نهادن دنیا شای بنوایین دانه‌های حقانیت سوسیالیسم است که به بار نشسته است. این مردم در هم کوفته شده دیروز، کودکان ستم‌دیده، سرنگستان بی‌تقصیر جهان سرمایه‌اند. نظامی که از انسانها سرده باخته و روح حیوانیت، ذلت و پستی را در همه جا می‌پراکند - که اکنون چونان پرچم‌های سرخ بر فراز قلعه‌های تعالی بشری به اهتزاز درآمده‌اند درود بر انسان طراز زنونین!

درود بر دنیای تازه سوسیالیسم!  
درود به تلاتی جانبا زانه بشریت زجر دیده!  
بیا شد با ایمانی که از کینه وجودمان برمی - خیزد بر نبردی سهمگین و آشتی ناپذیر علیه نظام مجارانه سرمایه‌پای بشری و راه انقلاب را تا به آخر ببیما شیم

**سندی بر محکومیت رونیونیسیم و**

**حقانیت سوسیالیسم**

"داستان پداگوژیکی" به همان اندازه که حقانیت سوسیالیسم را زگو می‌کند، محکومیت رونیونیسیم را فریاد می‌زند. فیلمی که از روی کتاب، ما کار رنکو تهیه شده به سال ۱۹۵۵ بر می‌گردد سالی که نبرد توفانی و مقاومت گرانه در برابر بورژوا - رونیونیسیتها ی خروشچی جهت نجات دیکتاتور پهلوی را هنوز در جریان بود - اما اکنون میهن سوسیالیستی تبدیل به میهن بورژوا - رونیونیسیتها شده است. بجای سوسیالیسم، سوسیال امپریالیسم نشسته است، و کسانی که بر پیکر خونین دیکتاتور پهلوی پارتی با می‌کوفتند و این تنها مان پرورش انسان طراز زنونین را در حرف و در عمل به نایب بودی کشاده - اند و چنین است که شوروی سوسیال امپریا - لیستی امروز دیگر میهن پرورش انسان فاتح و نونین به شمار نمی‌آید امروز حتی در مجلات و

مطبوعات آنان خیر از رشد روز افزون، فحشا، ارتشا، و جنایات را می‌توان یافت چرا که این همه جز لاینجزای استعمار سرمایه‌دارانه است (۱) آری "داستان پداگوژیکی" سندی بر محکومیت هزار باره سوسیال امپریالیسم این دشمنان سوسیالیسم است.

جمهوری اسلامی چه می‌خواهد؟ جمهوری اسلامی، چرا "داستان پداگوژیکی" را به نمایش درمی‌آورد. کمونیست‌ها پاسخ این پرسش را میدانند. امروز رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی، این حافظ سرمایه‌داری وابسته و کار - برده‌وار را، این نمونه فساد و تباهی بورژوازی، این جلاد انقلابیون کمونیست و - شمن کمونیسم، با "داستان پداگوژیکی" هم‌همن معامله را میکند ۱ - در تما فیلم اثری نیست نشان دهنده داستان، مربوط به دوران دیکتاتور - سوسیالیسم، و سوسیالیسم است و حقانیت کار کمونیستی را در شرایطی که سرمایه‌داری در هم کوفته شده نشان میدهد.

۲ - رژیم می‌کوشد با چنین فیلم تحریف شده‌ای، عشق به کار را که تنها در شرایط حاکمیت طبقات زحمتکش بود نشان است در شرایط کنونی تبلیغ کند، در شرایطی که کار برده‌وار را فرزندتر چیزی نیست جز استعمار بیشتر

۳ - رژیم جمهوری اسلامی با چنین نمایشی می - کوشد توده‌ها را تحمیق کرده و از خود چهره آرایش شده‌ای بنمایاند اما رونیونیسیتها و هیات حاکمه و همه بورژوازی کورخوانده‌اند. توده‌ها در واقعیت دستان آنان را می‌بینند که به خون زحمتکشان آغشته است. آیا دشمنان زحمتکشان می‌توانند منادی کار کمونیستی و تربیت انسان طراز زنونین باشند؟ نه و هزار باره!

۴ - رجوع به جزوه "فساد، انحطاط و زهم - گسیختگی در کشورهای تحت حاکمیت رونیونیسیتها" از انتشارات دانشجویان و دانش‌آموزان هوادار سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

**کمبود نفت و بیکاری ۲۰۰۰ زحمتکش  
سفال سازان ارمغان جنگ است**

لالحین: در این شهرک قریب به ۹۰۰ کارگاه سفال سازی وجود دارد که ۴۰۰ کارگاه در خانه‌های مردم قرار دارند. کشا و رزان نیز هنگام فراغت از کار کشت به سفال سازی مشغول میشوند و روزی هم‌رفته حدود ۴۰۰ نفر از زحمتکشان لالحین از طریق سفال سازی هزینه زندگی خود را در ده - شان را تا مین میکنند. کوره‌های سفال سازان نفت سوز می‌باشند و با کمبود جیره بندی نفت که یکی از "زده‌آورد های" این جنگ غیر عادلانه است به بیکاری شدیدی در بین آنان دامن زده است. ناراضی‌هایی در بین آنان بطور چشمگیری به چشم می‌خورد ولی نبود آگاهی و تشکل مانع از شکل گیری طبقاتی مبارزه آنانست. پس از اقدامات فراوان، استناداری قول

**بقیه از صفحه ۲۰ گزارشی ...**

گیرید و همین "ارتش خلق" بعنوان آلترنا تیبوی در مقابل ارتش منظم ما دی باشد. هما نظور که میدا نیم حوادث نجف (۶) در اوایل سال جاری، رشدنا رضایتی مردم و ورشکستگی با زار فرصت تسویه حساب بین جناح - های رژیم را بجا دکردند. صدام حسین کوشید بعضی از مخالفین خود را بی آبرو کند. و این کار را از طریق دادگاه‌های که متهمین وقایع نجف را محاکمه میکرد انجام داد. هدف صدام این بود که آن دسته از مخالفین را از قدرت دور سازد. از سوی دیگر جناح‌های مذکور صدام را بعنوان مسئول آن کشتارها می‌شناختند. سرانجام این سرگیری این شد: عزت مصطفی و ایداجا سم (رئیس دادگاه خلق) از کلیه مسئولیت‌های خود چه در دولت و چه در حزب بعث برکنار گردیدند.

این حوادث، اختلاف و تضادهای موجود بین جناح‌ها را آشکارا تر از هر وقت دیگر نمایان ساخت و سرانجام آن ضیض دارا شیهای گروه‌های قبیله‌ای و حادث شدن تضادهای درونی رژیم گشت.

علیرغم آنکه به رقبای صدام در نما پندگنان جناح انگلی، ضرباتی وارد آمد، رهبری حاکم و نیز خود صدام، همان سیاست‌هایی را که بوسیله جناح دیگر ترسیم شده بود، ادامه دادند. اما این سیاست‌ها در واقع بدین منظور بود که به فشارهای وارده از طرف جناح دیگر پاسخ داده شود و موقعیت رهبری چنان تحکیم گردد که بتواند تمام طبقه کارگر را در کنترل خود بگیرد. اما حدت گرفتن این اختلافات با افزایش ناپامانی - های اقتصادی و سیاسی همراه است و به همین دلیل است که رژیم فاشیستی بمنظور پیشگیری و مقابله با بحران، تدارک لازم را میبیند تجزیه و تحلیل مستگیربها ی جدید رژیم را بنظر اهمیت دارد که تحولات آینده را یکمک آن می‌توان محاسبه کرد.

(۶) - حادثه نجف: در آغاز سال ۱۹۷۷، تظاهرات کنندگان شیعه بر علیه سیاست حکومت اعتراض کردند. دولت به نظامیان دستور شلیک به - نظا هر کسندگنان را داد که منفر د نتیجه آن کشته شدند. از آن زمان ۱۲۰۰ نفر دستگیر شده‌اند. عدم توافق بین صدام و "رئیس دادگاه" باعث شد که وی بیش از ۱۵۰ نفر را به اعدام محکوم نکرد (!) و نیز از محکوم با اعدام کردن متهمینی که در زیر شکنجه در زندان کشته شده بودند خودداری کرد. صدام و رابه‌زبون بودن متهم کرد و گفت که "او از محکوم کردن مرده‌ها خودداری کرد."

دادگاه که ۳۰۰۰ لیتر نفت با آن تحویل دهنده‌دلی این زحمتکشان می‌گفتند با ۳۰۰۰ لیتر مگر می - شود سوخت کوره‌ها را تا مین کرد! "دود" آتش این جنگ ارتجاعی بیش از همه به چشم زحمتکشان میهن ما می‌رود ولی رنج امروز آنان، کینه طبقاتی را در دل پروردشان باورتر کرده و طوفانها بپا خواهد کرد.



## فعالیت انقلابی سازمان در مورد آوارگان

از روزی که جنگ ارتجاعی بین دورژیم- خلقی ایران و عراق آغاز شد، سازمان ما با حرکت از یک موضعگیری کمونیستی و انقلابی با حرکت از منافع کارگران و زحمتکشان جنگ را ارتجاعی و غیرعادلانه دانسته با فاشی جنگ افروزان و تبلیغ عدم شرکت در آن پرداخت، سازمان ما نسبت به فلاکت ناشی از جنگ که قبیل از هر کس دیگر در آن کارگران و زحمتکشان را میکشید هشاراد دورفقای ما در شهرستانهای جنوب کشور فعالانه در تبلیغ نظرات سازمان و آگاه کردن توده ها و کمک بدنانا که کوشیدند و چند شهید دادند رفقای ما در شیراز فعالانه بین آوارگان و جنگ زدگان فعالیت کرده و توطئه های شرم آور رژیم را علیه آوارگان و دشنام و توهین رژیم بدانرا در حد امکان افشا و خنثی نمودند. تا شیراز - سن فعالیت بعدی بود که آیات الهه دستغیب امام جمعه و نماینده ما در شیراز که فتوای حرمیت معامله کردن با آوارگان را داده و توصیه کرده بود به آنان مسکن و غذا داده نشود و نیز سیاه با ساداران و دیگر کارکنانهای رژیم مجبور به عقب نشینی شدند، حرفهاشان را ظاهرا پس گرفتند و حالا چپ و راست به دلجوئی آوارگان میپردازند اما بیش از یک میلیون از هموطنان آواره ما در استان خود، بیاران صدیق خویش یعنی کمونیستها و انقلابیون راستین را می شناسند و چهره مزورانه دشمنان خود را نیز تشخیص میدهند در زیر به جنبه های از وضع فلاکت بار آوارگان این قربانیان جدید رژیم جمهوری اسلامی از زبان نمایندگان مجلس و مقامات مسئول منتقل از روزنامه ها می پردازیم و گوشه ای از فعالیت سازمان را که موجب وحشت رژیم از فعالیت انقلابی ما بین آوارگان شده میآوریم.

### مذاکرات مجلس کیهان اول دیماه

حاشی شیرازی طی یادداشتی که برای رئیس جلسه فرستاده بود در مورد دیگری که در شیراز در رابطه با جنگ زدگان پیش آمده بود چنین توضیح داد:

دراوان ورود جنگ زدگان به شیراز برادران جنگ زده برای روشن شدن وضعیت در اطراف استاننداری جمع شدند و اعتراض و سروصدا کردند استاندار رعله نموده و برای پراکنده کردن آنها دستور تیراندازی هوایی داد عمل استاندار را نپاییده حساب مردم شیراز گذاشت و آنها را از همکاری دلسرد نمود.

سیس مهاجرانی نماینده دیگر شیراز در این مورد گفت:

مساله این هست که بین آوارگان جنگی هم

انقلابی نیستند، مردم شیراز هم همه انقلابی نیستند هم جدا انقلاب بین آوارگان جنگی هست و هم بین مردم شیراز مثل همه شهرهای دیگر ایران، اینها آمده اند و با هم گره خورده اند و ما از راهیما - ثی ها شی با خبر هستیم که بیگانه را طراحتی بودند

**انتشارات سازمان در مورد آوارگان و جنگ  
فریاد آوارگان (خوزستان)  
ندای آواره (اصفهان)  
خبرنامه جنگ (خوزستان)**

### انقلاب اسلامی ۲۷ آذر جوانان مسلمان بروجرد توطئه های دشمن را محکوم کردند

بروجرد - خبرنگار  
انقلاب اسلامی - طی دو روز گذشته عده ای از خوزستانیهای مقیم بروجرد در مقابل فرمانداری این شهر اجتماع کرده و با دادن شعارهایی چون "تصفیه مدارس، توطئه ارتجاع - شعار آواره، نان، مسکن، آزادی" قصد ایجاد آشوب و منشع کردن اوضاع شهر بروجرد را داشتند. این عده که از سوی گروههای چپ آمریکائی تحریک و حمایت میشوند و مدعی هستند از آوارگان جنگی سیاشند، اعلام کرده اند که به جبرفت نخواهند رفت. لازم به توضیح است عده ای از هموطنان خوزستانی ما که در

### اعترافات رژیم در مورد آوارگان

(از مذاکرات مجلس کیهان اول دیماه)  
"سوال از وزیر کشور"

پس از آن نوبت به طرح سوال معرفی زاده نماینده مردم خونین شهر رسید: وی ضمن توضیحی به وضع آوارگان جنگ در شهرهای بروجرد، شادگان بندرما شهر، شیراز و اصفهان اشاره کرد و گفت: در بروجرد و شادگان و بندرما شهر وضع از حالت خطرناک و دردناک خیلی بالاتر است و به وضع فاجعه آمیزی رسیده است.

در بروجرد ۲۰۰۰ نفر در یک مدرسه و در هر اتاق ۲۰ نفری ۳۰ نفر زندگی میکنند، در میان آنها دختر جوان، پسر جوان از شهرهای مختلف زیاد موجود است. به هر حال شادگان تا ۱۳ نفری ۲ کیلو برنج یک کیلو سیب زمینی، نیم کیلو خرما، و بعضی اوقات روغن یا جای وقت میدادند و الا ن

هم که به من خبر رسیده همین متوال است  
وی ضمن تشکر از تلاش مسئولین و نهادها در کمک رسانی به آوارگان جنگ گفت: این نهادها شبا نه روز با هم کار میکنند ولی متاسفانه چون منسجم نیستند و از یک مرجع رسمی اطاعت نمی کنند و خود سراسر کار میکنند نتیجه نهایی بدست ما نرسیده است.

در شادگان حدود ۵۰۰۰ جا در رده بودند و مردمی در این جا درها اسکان داده شده اند که در زمان پیش از جنگ و بعد از انقلاب به آنها به عنوان مستضعف کمک میشده این مردم التماس میکردند که ما را از شادگان جایی دیگر نبرند. در آنجا نیز مثل بروجرد اختلاف و خود سراسر کار کردن مسئولین را عینا دیدیم.

در سر بندر کم کم "ب" حدود ۱۵ تا ۲۰ هزار نفر جمعیت ساکن بودند. ۱۰ روز به آنها غذا نداده بودند و اکثر آنها گدائی کشیده شده بودند. این مسئله را من قبول نمیکردم و با ورم نمیشد تا اینکه رفتم خدمت آقای فرماندار را منتهی ایشان عین مطلب را تا شنید کردند. به "مسرف اینکه اینها را می خواهم با بجا بکنیم به اینها غذا نداده ایم".

معرفی زاده افزود: واقعا اصلا تا بقابل قبول با شد این فلسفه که فردی آواره شده، خانه اش از زمین رفته، شهید داده، زخمی داده، ۱۰ روز ما به به و غذا ندهیم، رای و نظیر ۱۵ هزار نفر را بریابانگذا بیم و بگوئیم "سخوا هم شمارا جابجا کنیم". با مسئولین صحبت کردم قبول کردند که کار خلاقیتی شده و گفتند از فرامید هم ولی طبق گزارشاتی که به من میرسد تا حالا عین همان وضع پابرجا است.

"میرسلیم افزود: وقتی اولین دسته از مردم خونین شهر و آوارگان به ساریقا ط آمدند مواج شدند با عدم استقبال سایر مردم و عدم پذیراشی از آنها به این دلیل که درست تجسم نشده بود. پیشرفت امور جنگ منجر به این شده که تعدادی جنگ زده در کشور ما موجود است، اما مردم خود استان خوزستان و بعدا بر استانها توجع نداشتند بیست عده ای شهر خودشان را ترک میکنند بعدا این واقعیت را بطور ملموس دریا فتند که چاره ای نیست که شهر را با بدتر کرد و به این ترتیب مساله آواره جنگ زده پدید می آید و متاسفانه یک برخورد زنده ای هم در شیراز پیش آمده که عواقب نسبتا ناگواری از نظر روانی و انسانی در برداشت ...

... برنا معاصی به این عنوان که ما اگر عده ای نزدیک به یک میلیون تا یک میلیون و ۲۰۰ هزار نفر آواره جنگی داشته باشیم با آنها چه کنیم، ندا شنیم"

رفقا! در تحکیم هر چه بیشتر بیوند خود با کارگران و زحمتکشان و متحدیدگان بکوشیم و عامل اساسی فلاکت توده ها یعنی رژیم جمهوری اسلامی را به توده ها بشناسیم.

## مبارزه علیه جنگ را به اهرمی برای گسترش انقلاب بدل کنیم



## کارکنان کارخانه پرسپولیس: متحد علیه انجمن اسلامی

در کارخانه پرسپولیس کارگران یک شورای واقعی داشتند، اما با نزدیک شدن زمان انتخابات مجددشورا، انجمن اسلامی کارخانه با کمک کارکنان شوراها، اقدامی برای سرکوب کردن کارگران انجام داد. و با بستن به سیاه پاداران هستند، در صدد جلوگیری کردن شورایی فرمایشی بجای شورای واقعی موجود، برآمدند. آنها روز ۹/۱۲ طی مجمع که ترتیب دادند به سپاسی بر علیه شورا پرداخته و مسئله‌های گری مجدد را مطرح میکنند. این جلسه بر اثر اعتراض یکی از اعضای شورا و یکی از کارکنان به شیوه انتخابات، بهم میخورد.

روزشنبه ۹/۱۵ که زمان تشکیل مجمع عمومی بود همه جلوی ساختمان اداری اجتماع کرده بودند، یکی از سرکرده‌های انجمن اسلامی شروع به سخن پرکنی بر علیه کمونیست‌ها و دیگر نیروهای انقلابی میکند، سپس به همراه رودستان اله اکبرگویان خواهان اخراج افراد انقلابی از کارخانه میشوند. مدخله یکی از اعضای شورا که کارکنان را به محل مجمع دعوت کرد، بهانه‌ای بدست او با نشان دادن این عنصر مبارز کتک زده و طبق برناممه حساب شده‌شان بزور ۱۲ نفر دیگر از کارکنان انقلابی را به نگهبانی کارخانه میفرستند. آنگاه بعد از ایجاد دجور و وحشت از کارگران برای اخراج عناصر به اصطلاح "چپ‌نما و منحرف" مفا میگیرند.

فردای آروزا زورود ۱۳ نفر مذکور به کارخانه جلوسگیری میکنند و در جلسه‌ای اختناق آمیز پنج نماینده فرمایشی را که سه تن از آنها عضو انجمن اسلامی بودند، به کارگران تحمیل میکنند که تا تشکیل شورا به امور کارخانه رسیدگی کنند اما بعد از این اقدامات سرکوبگرانه و ارتجاعی کارگران متوجه ضدکاری بودن این اعمال گردیده و خواهان پس گرفتن امضاهاشان میشوند همچنین در اشراف کاری کارکنان اخراجی در بیرون و عناصر آگاه در درون کارخانه، کارگران به حمایت از اخراجیان و سرعلیه انجمن اسلامی برمی خیزند و فاشا کارگران عوامل رژیم را دار میکنند که جلسه‌ای با حضور اخراج شدگان برگزار کنند که طی آن انجمن اسلامی مجبور به عقب نشینی شده و میگوید که گویا در لیست اخراج اشتباه شده و بجای ۱۳ نفر میباید ۵ نفر اخراج شوند! اما ۱۳ کارکن مبارز با فشار میگردند که اولاً با بیست هر ۱۳ نفر بکار بازگردند و ثانیاً در جلسه عمومی باید آنها بتوانند اعلامین این توطئه را نزد همه کارگران افشا کنند. نتیجه قطعی تا تشکیل شورا معوق میماند و کارکنان مبارز با حمایت سایر کارگران برخواستهای بحق خود همچنان پای میفشارند.

سراخام‌آئی بهیستی میگوید: حقیقت این است که با بدین سمت سرکوب‌کننده در رابطه با شکل بگیریم، به شرط اینکه سیاه هم‌اسی توانایی را با سرعت کسب کند!

آری، حزب جمهوری اسلامی بمنظور قبضه قدرت دولتی در دست خود پاداری از سیستم سرمایه‌داری وابسته نیا ز سرکوب انقلاب و در درجه نخست سرکوب انقلابی ترین طبقه یعنی طبقه کارگر، دارد. به همین دلیل هم نیروی زیادی جهت به انحراف کشاندن و سرکوب مبارزات کارگران بکار گرفته است. "هسته‌های مقاومت" حزب در کارخانجات، در واقع به همان منظور ایجاد میگردند که ما و اک نیروهای نظیر آنرا ایجاد میگرد. بنا بر این وظیفه کارگران مبارز است که هشیاری خود را در مقابل اینگونه توطئه‌های ضدکارگری رژیم حفظ نمایند تا نهاییست:

۱ - به افشای ما هیت و افعی هسته‌های مقاومت و سایر بنیهای سرکوبگرانه حزب جمهوری اسلامی در کارخانجات پرداختن و توطئه‌های کارگران را در افشاندن بدام این مدافعان سرمایه‌داری، برچسب زدن.

۲ - از آنجا که رقابت بین دو جناح رژیم، انعکاس خود را در کارخانجات بجای میگذارد و عوامل هر جناح (حزب و لیبرالها) سعی دارند با کوبیدن دیگری خود را طرفدار کارگران بزنند، کارگران انقلابی و آگاه نباید یک طرفه از افزایش هر دو جناح بخصوص لیبرالها که با گرفتن ظاهراً "زادبخواها" به عوام فریبی در میان کارگران میچرخد، غافل بمانند.

۳ - افشای هر دو جناح رژیم بدون نشان دادن راه حل انقلابی مبارزات کارگران، کاملاً نخواستار هد بود و لذا وظیفه کارگران آگاه و کمونیست است که به تبلیغ تنها راه حل کارملا انقلابی بپردازند. با بدین توطئه کارگران نشان دادند که طبقه کارگر میباید با کسب آگاهی طبقه‌ای خود قدم در راهی بگذارد که با نابودی استثمار و اختلاف طبقه‌ای، فقر و فلاکت و ظلم و ستم جامعه سرمایه‌داری را با وجود کرده و جامعه کمونیستی را بنا نهد. کارگران باید بدانند که تنها راه نجاتشان سوسیالیسم است!

## پاداران بازهم جنایت!

اهواز: روز جمعه هفتم آذرماه در محلی بنام "دروازه" پاداران جهل و سرمایه‌ها انومبیل زن و بچه‌ای را زیر میگیرند. در این حادثه زن مزبور شدت زخمی میشود و پایی کودک میزند. پاداران بشیرمانه قصد فرار از محل حادثه را داشتند که مردم با تجمع و اعتراض مانع شده و آنها را وادار میکنند که آن دورا به بیمارستان ببرند. گروهی از مردم نیز به همراه آنها به بیمارستان میروند، ما در کودک در راه فوت میکند. پاداران با وقاحت تمام ادعا میکنند که خمپاره به آن دو امانت کرده و بعد هم علیرغم اعتراض مردم حاضر در هفت بیمارستان را با خیال راحت ترک میکنند.

بقیه از صفحه ۳ **هسته‌های...**

"تضعیف دولت سرکوب کنند. آنها همچنان وظیفه دارند کارگران مبارز را تحت عناوینی چون "ضد انقلاب"، "شاید بر داز"، "شون" - پنجم دشمن "و...، تحویل پاداران سرمایه‌داری و زبده‌های اسلامی دهند. وظیفه سرکوب کارگران انقلابی تا بدان حد است که "هسته‌های مقاومت" میباید به شتابی و تعصب کارگران مبارز در خارج از کارخانه نیز بپردازند. آنها همچنین باید تمام سعی خود را بکار ببرند تا شوراها را زرد و کارفرمایان را احیا نکنند و شوراها را واقعی را منحل نمایند.

یکی دیگر از وظایف هسته‌های مقاومت "با لاسردن تولید در کارخانجات است. بدین منظور حزب جمهوری اسلامی شما میدهد که: "هسته‌های نظامی و مقاومت را در کارخانه‌ها درآماده باش تا کل نیاز داده و هر چه بیشتر گسترش دهیم" آری، آنها میخواهند از طریق این هسته‌ها، فشار آوردن بر کارگران تولید را به حد اکثر خود برسانند. آنها که میدانند کارگران مبارز حاضر نیستند به قیمت فقر و فلاکت روز افزون خود، تولید را برای بردن بیشتر جیب سرمایه‌داران افزایش دهند، خواهان گسترش و "آماه‌سازش" هسته‌های مقاومت میباشند.

در جلسه‌ای که بهیستی نیز حضور داشت، یکی از اعضای واحد کارخانجات سیاه پاداران میگوید: "عوامل خارجی بیگانه بیگانه رنشته‌اند، خطه ضد انقلاب داخلی را تهدید میکنند ما باید سعی در بسیج کارگران تحت یک برنامه منظم و سیستماتیک جهت سرکوب ضد انقلاب داخلی کنیم." اینجاست که خیلی آشکارا هدف رژیم پاداران دسته‌های شبه نظامی و سرکوبگرانه، بوضوح بیان میشود. رژیم که با نعل و ابرو زدن، ما هیست ضد انقلابی خویش را انقلابی جا میزند، معلوم است که منظورش از "سرکوب ضد انقلاب داخلی"، در واقع چیزی نیست جز سرکوب انقلاب و برای آنهم یک "برنامه منظم و سیستماتیک" لازم دارند! آقای بهیستی در ادامه سخن با سادار فوق میگوید: "در حقیقت هسته‌های مقاومت هستند که عبدالرزوم (در هنگام لزوم) میتوانند به هسته‌های حمله هم تبدیل شوند، بخشی از نیروهای حمله به دشمن با دیدن اینکه در بسیاری از جاها که آدم میروند، میشوند که گروهکهای کوچک (منظورش نیروهای انقلابی است - پیکار) در بربری از نشاط کشور یک چنین تدارکاتی را فراهم دیده‌اند. در کارها باید کرد و لا با بدسریم جلوی آنها گرفت و تا نیا با بد منتقا بلا برای کار خلاقیت که در خط انقلاب (بخوان ضد انقلاب - پیکار) باشد آماده شد." در اینجا بهیستی به ما هیت متجاوز و سرکوبگرانه این هسته‌ها اعتراف میکند و هدف واقعیشان را در دو چیز خلاصه میکند: ۱ - مقابله با کمونیست‌ها و نیروهای انقلابی ۲ - بسیج نیروهای ناآگاه و دامن زدن به توهم آنها نسبت به رژیم. ضمناً بدین وسیله بخيال خودشان هم انقلابیون را سرکوب کنند و هم پشتیبان حامی برای خود بوجود آورند.



### تهدیدنامه ارتجاعی، شرط بازگشت بکار!

خمپاره‌ها اتفاق افتاد خود بهترین گواهی ارزشی جان توده‌ها برای رژیم سرمایه‌داری است  
کارگران و کارکنان مبارزان آبادان  
برای مقابله با توطئه‌های ضد مردمی رژیم جمهوری اسلامی لازمست که:

- ۱ - کلیه کارکنان نیکه‌به‌آبادان برگشته‌اند از برگردن تهدیدنا مه‌م‌زور خودداری کنند
- ۲ - تا مشخص شدن وضعیت آبادان، بعلمت عدم تضمین جانی، از رفتن به آنجا خودداری کنند
- چرا که رژیم هیچ‌گونه مسئولیتی در قبال خسارات جانی و مالی زحمتکشان قبول نکرده است، تنها با حفظ اتحاد و یکپارچگی است که می‌توانیم مبارزه خود را تا رسیدن به خواسته‌های برحقمان ادامه دهیم

بسمه تعالی

ریاست اداره  
اینجناب  
که از تاریخ  
اضطرابی، بدون اطلاع قبلی از کار رغبت نموده  
و بمنظور رسیدگی به وضعیت خانواده ام که بعلمت  
جنگ تحمیلی عراق آواره و سرگردان شده‌اند  
آبادان را ترک نمودم، در باب بازگشت مواجبه  
اندا دجاده ما شهر - آبادان شدم که در نتیجه  
تا قبل از این تاریخ مراجعت بکار براساس  
مقدور نبوده است. اینک آما دگی خود را جهت  
ادامه خدمت! اعلام میدارم.

نظر به اینکه غیبت مورد بحث برخلاف میل  
باطنی اینجناب صورت گرفته و در حقیقت در  
برای برحادثه غیرمنتظره ای قرار گرفتیم لذا بدین  
وسيله تقاضا دارم دستور فرمایید اینجناب رابه  
طور موقت بکار گماردند تا تکلیف قطعی وضعیت  
خدمت همکارکنان نامیاب از جمله بنده از طرف  
کمیسیون مربوطه روشن شود. بدیهی است هر  
تصمیمی که کمیسیون مزبور اتخاذ نماید مورد  
قبول اینجناب خواهد بود.

ضمناً تعهد مینمایم بدکه منسبت خدمت  
عنوان از کار رغبت ننموده و روزانه حضور خود را  
برای انجام هر نوع خدمتی که شرایط جنگی  
آبادان ایجاب مینماید اعلام دارم.  
سنا دپرسنل پالایسگا آبادان خدمات  
با توجه به تعهد فوق و با در نظر گرفتن  
ضرورت جدا کثرت ارفاق به کارکنان جنگ زده  
موا فقت میشود که نامیاب مرده بالا از تاریخ  
جزو کارکنان حاضر بخدمت منظور می‌خواهد  
شدا خدمات ایشان جهت تامین نیروی انسانی  
مورد نیاز ستاد های فعال در منطقه جنگی آبادان  
استفاده شود.

نام و نام خانوادگی سرپرست محاز  
سمت  
امضاء  
تاریخ

مسئولان پالایسگا آبادان اخیراً تعهد  
نامه ای تهیه کرده اند که هر کارکنان رکنی  
که بر اثر جنگ شهر را ترک کرده است، براساس  
بازگشت مجدد به سرکار مینمایند. اما ماکند.  
در این تهدیدنا مه کارکنان اولاً از ترک اجباری  
شهر (که برای حفظ جانشان بوده است) ابراز  
پشیمان می‌کنند، ثانیاً از شرکت نفت می‌خواهند  
که بطور موقت آنها را بر سر کار بازگرداند، ثالثاً  
به شرکت نفت این اختیار را می‌دهند که هر تصمیمی  
که خواست در موردشان اجرا کند. رأی کارکنان  
با بدعت تهدیدکننده دیگر آبادان را ترک نکنند و  
هر کارکنان رژیم تحت شرایط جنگی بدانان محول  
گردانند!

رژیم با گرفتن این تهدیدنا مه ضد کارگری  
میخواهد که همکارکنان در جنگ ارتجاعی  
بعنوان گوشت دم‌توب استفاده کرده با شوهم  
اینکه به اخراج آنان رسمیت بخشد. همچنین  
دست رژیم برای هرگونه تحت فشار قرار دادن کار  
کنان (اخراج، جریمه و...) کاملاً بازمیشود  
رژیم مدعی است که بدینوسیله می‌خواهد بین  
آنها بی‌گشهر را ترک کرده اند با آنها بی‌گدر  
شهر مانده اند تا بزیک‌دار در حالیکه اولاً این  
کارچیزی جز تفرقه اندازی در میان کارکنان  
نیست و ثانیاً کارکنان و کارکنان زحمتکشی که  
شهر را ترک کرده اند تنها از روی ناچاری بوده و  
برای نجات جان‌شان چاره‌ای جز این نداشته‌اند  
ثالثاً مگر رژیم چه دفاعی از جان زحمتکشان کرده  
که از آنها می‌خواهد در شهر بمانند، شهید شدن دهها  
کارگر زحمتکش همچون عسکران "که بر اثر ترکش



### بقیه صفحه ۳ راهپیمائی...

خرم‌شهر روز دوشنبه ۱۵/۱ نیز در مقابل وزارت کار  
اجتماع می‌کنند. کارگران پلاکاردی داشتند که  
روی آن نوشته شده بود: "حقوق کارگران پرداخت  
باید گردد." عوام مل رژیم و پالایسگا آبادان که به آنجا  
آمده بودند، ابتدا سعی داشتند تطبیق معمول با  
بلند کردن چماق تکفیر و "ضد انقلابی" خواندن  
نظرات و اجتماعات، کارکنان را متفرق کنند  
اما پس از آنکه مقاومت کارکنان زحمتکش  
مواجه شدند، سعی کردند جلوی پیوستن مردم به  
صفوف کارکنان را بگیرند و می‌گفتند که "ضد  
انقلاب می‌خواهد در میان شما رخ کند!" اما  
کارکنان برای مردمی که در آنجا جمع شده بودند  
و با آنان محل عبور میکردند، خواسته‌های بحق  
خویش را توضیح داده و ما هیت ضد کارگری رژیم  
را افشا میکردند.

سرانجام کارکنان که نتیجه‌ای از اعتراضات  
خود نمی‌دیدند، تصمیم به راهپیمایی می‌گرفتند و  
در مسیر خیابانهای آزادی، انقلاب و مصدق  
راهپیمایی کرده و فی‌الاجتماع خود را بگوش توده‌ها  
میرسانند، مبارزه این کارکنان همچنان ادامه دارد.

### اعتصاب در دخانیات

اخیراً کارکنان کارخانه دخانیات تهران  
با بستن درب انبارها، اجازة خروج جنس از کار-  
خانه را ندادند. علت این عمل کارکنان، اعتراض  
آنها به کم شدن ۲۵٪ حقوقشان بود. چندی پیش  
قرار بود که ۲۵٪ به حقوق کارکنان اضافه شود  
ولی آنرا بعنوان پاداش به کارکنان پرداختند  
وزمانیکه بدستور شورای انقلاب "کلیه پاداشها  
را قطع کردند، این قسمت از حقوق کارکنان نیز  
قطع گردید. در اثر اعتراض کارکنان مسئولین کار-  
خانه جنگ رابه‌ها نکرده و پرداخت این مبلغ را  
به بعد از جنگ موکول میکنند ولی کارکنان که  
فشار ناشی از گرانی و مشکلات زندگی، روز بروز  
بیشتر کمربشان را خم میکنند، خواهان پرداخت  
فوری بقیه حقوق خود میشوند که مسئولان با زهم  
به وعده و وعید متوسل گردیده و پرداخت آنرا به  
شنبه ۹/۲۹ محول میکنند.

نگه قابل توجه اینست که زمانیکه کارکنان  
نمایندگان خود را نزد وزیر صنایع و معادن و  
رئیس دخانیات میفرستند آنها از پذیرفتن  
نمایندگان خودداری میکنند. "انجمن اسلامی"  
کارخانه هم بر علیه خواسته‌های کارکنان سمپاشی  
عمل میکنند که موجب افشای هر چه بیشتر آن دترند  
کارکنان می‌گردد. کارکنان مبارزان دخانیات  
همچنان به مبارزه خود جهت رسیدن به خواست بر  
حقشان ادامه داده و تا رسیدن به حق خود در ب  
انبارها را بسته نگذاشته‌اند.

## فنان، مسکن، آزادی







لیک خبر از کارخانه پوشاک

نزد سرما به داران، کارگران هیچگاه از ارزش انسانی برخوردار نبوده و نیستند. آنها فقط برای پرکردن جیب‌هایشان به کارگران نیاز دارند. برای سرما به داران جان بسک کارگر چه ارزشی میتواند داشته باشد. یک نمونه از عملکرد قوانین بیرحم سرما به داری را که بطور حتم، مشابه آن هر روز در کارخانه‌های مختلف دیده میشود، در کارخانه پوشاک ببینیم.

روزشنبه ۸ آذر، در این کارخانه یکی از کارگران دچار آزار حتمی قلبی میشود که اتفاقاً همزمان با آمدن خلخال به کارخانه است. وقتی سرپرست برای گرفتن اجازه جهت بردن کارگر بیمار به بیمارستان به رئیس حسابداری کارخانه مراجعه میکنند میگوید: "فعلاً صبر کنید، سرپرست در جواب میگوید: "هر لحظه ممکن است بمیرد. آنوقت شما میگویید صبر کنید؟" خلاصه بعد از کلی سروکله زدن ایشان اجازه می‌دهند که کارگر بیمار را به بیمارستان ببرند. تا زود بعد از این همه مکافات هیچ وسیله نقلیه‌ای برای رساندن مریض به مریضخانه در کارخانه پیدا نمی‌شود!! سرپرست از دو نفر از جهایها که دم در کارخانه ایستاده بودند میخواستند که کارگر بیمار را به شهر برسانند. آنها اول امتناع میکنند ولی بعد از شرفا ر میپذیرند. خوب اگر کارگری در حال مرگ هم باشد به مسئولین کارخانه چه مربوط! بنزین نیست کاری نمی‌شود کرد!؟ و البته این در حالی است که با این وضعیت بی بنزینی "جناب آقای خلخال" آن هم با چند ماشینی که وی را اسکورت میکردند به کارخانه تشریف فرما شدند. رژیم سرما به داری بهشت مرتجعین و جهنم کارگران است.

جنگ، فرصتی برای بازنشستگی اجباری!

فوق، فشار بیشتری را بر سر کارگران و زحمت - کشان وارد کرده، از جمله اخیراً چند مورد از این گونه اعمال فشارها بر کارکنان مناطق جنگ - زده وارد شده اند که در زیر به ذکر آنها میپردازیم:

۱ - برای گروهی از کارکنان صنعت نفت آبادان فرم‌های بازنشستگی ارسال داشته اند که بر طبق آن اولاً "تعفی حساب نهایی" کارکنان به فرصت مناسب" (که معلوم نیست اطلاعین فرصتی پیدا شود!) (توکول کرده اند و تا نیا بجای پرداخت حقوق کامل کارکنان تنها وجهی را "بطور علی الحساب" می‌پردازند.

۲ - از حدود ۱۵ نفر از رانندگان شرکت نفت خواسته اند که تا تاریخ اول بهمن ماه ۵۹ تقاضای بازنشستگی بکنند و گرنه اخراج خواهند شد، و بدین منظور فرم‌هایی را برای این عده ارسال داشته اند.

رژیم برای تخفیف شدت بحران اقتصادی جامعه مدتی است که در صد دراهم چاره‌ای است. اما از آنجا که بنا بر مابیت سرما به داران نش نمیتوانند از هزینه‌های بی چون خرید اسلحه برای سرکوب زحمتکشان (مانند ۲۰۰ میلیون تومانی که اخیراً رفسنجانی خرج کرده) حیف و میل بولها توسط وابستگان رژیم (مانند پرداخت ۲۲ میلیون تومان به روحانیون سنی ۲۵ میلیون تومان برای روحانیون شیعه) و... خودداری کند، لذا مانند شما می‌رژیم‌های سرما به داری فشار را بر گلوئی زحمتکشان وارد می‌آورد. یک نمونه از اینگونه اعمال فشارها، سیاست بازنشستگی اجباری کارکنان ادارات دولتی است. این بر اثر اعتراضات کارکنان مناطق مختلف بصورت اجباری عملی نگردیده بود و در اغلب سازمانهای دولتی بشکل دا و طلبانه عنوان میشد که با استقبال کم کارکنان دولتی مواجه گردید. چرا که بنا بدی وضع اقتصادی کشور، کم شدن حقوق کارکنان در شرایط بازنشستگی و نبود تضمین برای پرداخت آنها، بیگاری وگرانی سرسام آور موجود در جامعه و... بازنشستگی کارکنان آنان را با وضع بدتری مواجه میکردند.

اما با آغاز جنگ ارتجاعی ایران و عراق، رژیم فرصت یافت تا به بهانه جنگ در بسیاری از زمینه‌ها و از جمله در مورد اجرای طرح اجباری

۳ - در منطقه امیدیه حکم بازنشستگی اجباری را به همه کارکنان ابلاغ کرده اند ولی در اثر مقاومت کارکنان و اعتراضات و فشار گریه‌های آنان، مقامات مجبور شده اند، اجرای این طرح را بصورت دا و طلبانه قبول کنند.

اعتراضات و مبارزات کارگران و کارکنان صنعت نفت جنوب برای خنثی کردن این طرح ضد کارگری همچنان ادامه دارد.

اتحاد کارگران اخراجی شرکت فلور علیه تفرقه اندازی رژیم

بسرکار فرستادن همین سید منفر هم بعد از طریق را دیو- تلویزیون اعلام خواهد شد!

این گفته مسئولان با اعتراض یکپارچه کارگران مواجه گردید آنها میگفتند که: "اولاً باید همگی ما را بسرکار بفرستند و تا نیا همین حالا تکلیف ما را روشن کنند چرا وعده سرخرمن میدهند؟" کارگران بدرستی در یافته بودند که هدف مقامات رژیم از اینگونه اعمال فقط ایجاد تفرقه در صفوف آنهاست. از این رو قطعاً آنها این توطئه رژیم را محکوم کردند. کارگران تصمیم گرفتند روز بعد هم در محل اجتماع کنند و در صورت بی توجهی مجدد مسئولان، دست به اقدامات قاطعتری بزنند. مبارزات کارگران اخراجی فلور برای بازگشت بکار همچنان ادامه دارد.

بدنبال اخراج بیش از ۱۲۰۰ نفر از کارگران شرکت فلور صفهان و بکار گرفتن تعداد کمی از این کارگران در قسمت پخش شرکت نفت، بقیه کارگران اخراجی با اجتماعات متعدد، متحد و یکپارچه فریاد اعتراضات را بلند کردند. این امر که موجب وحشت رژیم گشته بود، مسئولان شرکت را بر آن داشت تا با استفاده از شیوه‌های هینتگی سرما به داران در صدد ایجاد تفرقه در میان کارگران بیاقتند. به همین منظور روز ۹/۱۰ که کارگران مبارز فلور برای شنیدن پاسخ نهایی مسئولان در مقابل اداره کار اجتماع کرده بودند روسای شرکت به نمایندگان کارگران گفتند که فعلاً ۳۰۰ نفر را به سرکار خواهند فرستاد و در آینده تکلیف بقیه روشن خواهد شد. علاوه بر این زمان معاون مسئول دیگر دعوت کرده اند که بیایند و راجع به کار شما صحبت کنیم شما بروید و فردا بیایند "نمایندگان" بعد از دو روز سرگردانی روز سه شنبه ۹/۱۸ به کارکنان میگویند:

نماینده مجلس فقط سرمایه داران را به رسمیت میشناسد

عده ای از کارگران شرکت "با رنویسی" بندر - خرمشهر که مدت دو ماه است حقوقشان را دریافت نکرده اند، به نمایندگی از تمامی کارکنان به تهران آمده و سراغ نمایندگان شهرستان به محل مجلس میروند. اما "محمدی" یکی از نماینده - گان خرمشهر در جواب کارگران میگوید: "ما هیچگاه ره هستیم شما یک نامه از وضعیت بنویسید تا ما مطرح کنیم" و بعد به اتفاق "معرفی زاده" نماینده دیگر خرمشهر به داخل مجلس میروند و بعد از اینکه از مجلس بیرون می‌آیند معرفی زاده خطاب به کارکنان میگوید "من از وزیر کار و دو

"طبق این قانون ما شما کاری نداریم و باید شما مدیرعامل داشته باشید تا از طریق او ما بتوانیم حقوق شما را پرداخت کنیم"

بقیه در صفحه ۲۸

۴۰ ساعت کار در هفته برای کارگران







### تفتیش عقاید در رادیو - تلویزیون ادامه دارد

اخیرا مقامات "مکتبی" رادیو و تلویزیون برای شناسایی کارکنان مبارز و متعهد دست به توطئه دیگری زدن که در اشراف و عتراض وسیع کارکنان با شکست مواجه شد.

مقامات رژیم با پیش پیرشنا مه ای در میان کارکنان مشخمت دقیق آنها و نزدیکانشان را خواسته و با طرح سئوالاتی نظیر "بنظر شما در مورد کارمندان اضافی سازمان چه اقداماتی باید کرد؟"، "فکر میکنید چند نفر از همکاران درواحد اضافی هستند؟"، "به نظر همکاران واحد خود را که بیش از همه متعهد به انقلاب و دارای کارایی و علاقمند به کار هستند نام ببرید... مذهب و خانه تلاش نمودند که حکم اخراج کارکنان را بدست همکاران نشان "صادر نمایند."

کارکنان با خود داری این پاسخ به تفتیش عقاید به روشهای جدید و داداشتن کارکنان به جاسوسی علیه همکاران نشان شديدا اعتراض کردند و مقامات سریع پیرشنا مه را جمع آوری کردند.

#### بقیه از صفحه ۴ تبلیغ...

شگرف تبلیغی آنچنان بمیان نوده ها میرفت که غیورا نه ترین احساسات را برای عالیتترین جانبا زنها در راه انقلاب در توده ها بر می انگیفت در دوران موقعیت انقلابی، علاوه بر انواع پیشین تبلیغ، میتوان از تبلیغ مسلحانه نیز برای برانگیختن توده ها استفاده کرد مثلا اکتیون در کردستان از نوع تبلیغی خاصی بنام جوله (گشت سیاسی - نظامی) استفاده میشود.

تجربه نشان میدهد که بعلمت وجود موقعیت انقلابی، توده های کرد از شعارها و سخنرانیهای سیاسی در "جوله" ها زمانی بیشترین استقبال را میکنند، که پیشمرگه ها، بتازگی از یک عملیات نظامی پیروز مند با زکشته شدن ویا در زمان شاه خاثن، پس از ۱۷ شهریور با طر داریم که جنگ کوکشل مولوتف های توده ها با ارتش مسلح چنان شیرا انگیزاننده تبلیغی میبخشید. دورانیهای اعتلا، و موقعیت انقلابی عدم استفاده از این انواع پیشرو تبلیغی، نشانه درکی عقب مانده و اگونومیستی از مقوله تبلیغ است، بهما نگونه که استفاده از این انواع در دوران نه ای رکود، چیزی جز آثار شیم نیست. مشی چریکی در زمانی که میبایست تبلیغ را حول افشاگریهای سیاسی - اقتصادی در دوران رکود سازمان دهد، به تبلیغات مسلحانه که هیچ ربطی به سطح جیش توده ای نداشت می - پرداخت و از توده ها جدای افتاد. در حالیکه همین تبلیغ مسلحانه و حتی ترور سرخ، در دوران موقعیت انقلابی، تا ثیرات تهیجی بسیاری در برانگیختن بیشتر توده ها بجا میگذارد (برای درک بهتر نسبت به این مسئله میتوان به قیام مسکواتر لنین رجوع کرد.) بدین ترتیب ضمن فراموش نکردن انواع دیگر تبلیغ در دوران اعتلا و موقعیت انقلابی و بخصوص بیشتر و بیشتر

### آقای بهزاد نبوی دودروغ و یک راست! ۱,۴۰۰,۰۰۰ تومان خرج سفر رجائی به نیویورک!

● کمک به برادران اهل تسنن در پاسخ به سئوال بعدی خبرنگار: راجع به پرداخت ۲۵ میلیون تومان سوسله دولت به حضرت ابوالفضل العظمی منتظری آقای نبوی شرح داد: سازمان پیکار در راه آزادی جنبه کارگری طی اعلامیه با استناد این مورد ادعا کرده است که بیتالمال به جیب روحانیون میبرد و لسی اصل ماجرا این بود که بنا به تصویب قسلی شورای انقلاب و برای کمک به مخارج تبلیغاتی علمای اهل تسنن در سیستان و سلوچستان کردستان، ترکمن صحرا و بعضی مناطق جنوب کشور باید در اختیار آنها قرار میگرفت منتهی تصویب نامه بشکلی تنظیم شده بود که بن آناه شه را میگرد که میاا باخی باشد که به عده ای داده میشود. ما اگر ادعا میکنیم که فعالیتها در جهت تبلیغ و پیشبرد اهداف اسلامی است باید هر کسی که در این زمینه قدمی بر میدارد کمک کنیم. طبیعی است که برادران اهل تسنن برادران ما هستند و امکانات تبلیغی آنها سانه شرایط خاص ارتباطشان با مردم صعیب است و بالطبع اگر از این بیشتر هم بخواهند اختیار قرار خواهیم داد و این ۲۵ میلیون تومان در اختیار آقای منتظری قرار گرفته تا نظر ایشان به علمای اهل تسنن داده شود و صرف تبلیغات اهل تسنن گردد البته نظیر این مورد نیز پیش آمده بود که امکان داشت مورد استفاده تبلیغاتی گروههای مخالف قرار گیرد و آن تصویب نامه ای بودی برای مخارج سفر آقای رجائی و همراهان به آمریکا.

ببرگردانیم. موضوع این تصویب نامه این بود که برای گزایه هواپیمای شرکت هواپیمایی ملی ایران که یک هواپیمای ۷۰۰ بود ما نمیتوانستیم تنها گزایه یارده نفر اعصابی هشتاد سهیم بلکه باید گزایه یک هواپیمای درست را میدادیم و لذا دولت مجبور شد یک میلیون و چهار صد هزار تومان به هواپیمایی ملی بپردازد که این البته از این جنبه به آن جنبه بیشتر است.



بهزاد نبوی سخنگوی دولت وزیر مکتبی جمهوری اسلامی طی مصاحبه مطبوعاتی خود که در روزنامه جمهوری اسلامی اول دیماه چاپ شده درباره رسندی که ما منتشر کردیم در آن از چاپ شدن "بیت المال" عمومی توسط روحانیون برده برداشتم سخن گفته است. در اینجا آقای نبوی مرتکب دودروغ شده که اگر آنرا "گناه کبیره" میدانم معلوم نیست با پیدا ورا "حذر شعری" زدیانه؟! اولاً درستی که افشا کرده ایم از ۲۵ میلیون تومان دیگر" اسم برده شده که بخوبی نشان میدهد قضیه پرداخت پول به آیت الله منتظری منحصر به این ۲۵ میلیون نبوده است.

ثانیا در این سند هیچ ذکری از علمای تسنن نرفته و آنچه مربوط به روحانیون سنی بوده مبلغ دیگری است که خود آیت الله منتظری آنرا در نامه ای به سازمان اوقاف مندرج در روزنامه... ذکر کرده است. آیت الله منتظری در این نامه میگوید که برای روحانیون سنی ۸ میلیون از دستا ما ۱۴ میلیون از اوقاف دریافت کرده یعنی جمعا ۲۲ میلیون! اما آقای بهزاد نبوی که میخواهد به "ماستمالی" قضیه بپردازد موضوع را "قاطی" میکند!

ضمن جلب توجه هموطنان مبارز به این سند

کردن تراکتها و اعلامیه ها و حتی انتشار نشریات روزانه تبلیغی، به اهمیت شگرف سخنرانیها و بحثهای توده ای و تظاهرات پرشور سیاسی توده ها با بستی بیشترین اهمیتها را قائل شد. بی گمان تا ثیری که تظاهرات انقلابی توده های مبارز در سال گذشته در نزلت بجا گذاشت با هزاران اعلامیه هم نمیشد دست آورد.

ادامه دارد.

اضا فه میکنیم که آیت الله منتظری چند روز پس از افشای سند ۲۵ میلیونی از طرف ما از مسئولیت دریاقت و خرج آن بپولها استعفا کرد. آیا تیرا از افشای اسناد بیشتر موجب این استعفا بوده است؟ اما حرف راستی که آقای بهزاد نبوی از تیرا افشاکری کمونیستها و انقلابیون زده است بنست که در سفر "فدا میربا لستی" "فدا آمریکا" "رجائی به نیویورک ۱/۴۰۰/۰۰۰ تومان را با بت گزایه یک هواپیمای جا مبوحت ۲۴۷ پرداخته اند تا رجائی و چند نفر از همراهان را به آمریکا بفرستند آری یک میلیون و چهار صد هزار تومان از درآمدنا چیزکا رگران و زمختگان ما می بردارند تا آقای رجائی به نیویورک برود و بگوید آمریکا عملا توبه کرده است و فقط کافی است آنرا روی کاغذ بیاورد و اینکه آمریکا با این "توبه" ، نکامل معنوی "می باید" آری خرج سفر رجائی به نیویورک برای سارن با امیرالایم جنایتکار آمریکا کارگران و زمختگان خبا نتهای رژیم را نخواهند بخشود، کمونیستها و انقلابیون رژیم را افشا میکنند، برده های توهم را از پیش چشم توده ها کنار می زنند، با آنان پیوند برقرار نمی کنند، از آنها می آموزند و به آنها یاد میدهند و انقلاب را پیگیرانه تا برپائی جمهوری دمکراتیک خلق به پیش میبرند.



## مجاهدین خلق: پارده‌تن یا تن صدپاره؟!

در حالیکه نیروهای انقلابی هوادار و اعضای سازمان مجاهدین خلق ایران در کوه و کنسار کشور در معرض تهاجم وحشیانه ارتجاع قرار دارند و دشمنان آنها هم‌اکنون تبلیغات دروغین در روزنامه‌ها و رسانه‌های گروهی رژیم‌آنها را هدف قرار داده است، در حالیکه حزب جمهوری اسلامی و گروه‌های جیره‌خوار آن، جماعتی قدیمی را به ز - ۳ و نارنجک تبدیل کرده به مراکز تجمع مجاهدین حمله می‌کنند، آنها را می‌زنند و می‌کشند...

آری درست در حالیکه درگیری‌های خیابان مبارزان، از طرف باصطلاح "گروه‌های نامعلوم" (توبکودا رودسته‌های حزب جمهوری اسلامی)، محل انجمن کارمندان مسلحان هوادار مجاهدین را به صحنه کارزار خونینی بدل کرده بود و حداقل یک‌کشته و ده‌ها زخمی بجا گذاشته بود، آیت‌الله دکتربهشتی رئیس همین حزب معلوم‌الحال گفت: "ما مجاهدین را با ره‌تن خود میدانیم!"

(مصاحبه را دیونولویزیونی ۳ دی ماه آتیا مجاهدین خلق که در تهران و شهرهای مختلف از حملات مداوم حزب آقای بهشتی بارها نشان باره باره شده است باره تن‌آقای بهشتی هستند؟ هیچکس این دروغ و نیرنگ را نمی‌پذیرد بلکه بدان می‌بخندد. حقیقت این است که بهشتی و حزب او و کلیه مرتجعین و ضدانقلابیون از این وحشت‌دارانند که نیروی انقلابی و توده‌ای مجاهدین در کنار پیگیری‌ترین نیروهای انقلابی یعنی کمونیست‌ها قرار گیرد لذا برای جدا کردن مجاهدین از این صنف سیاست‌دانه‌ها باید از یکطرف و کار دتیزکردن از طرف دیگر برکزیده‌اند، آیت‌الله منتظری در هفته گذشته در مورد مجاهدین گفت که آنها مسلمانانند! ما هاست که "مرگ بر منافقین" را مثل ردتسبیح بر سر زبان توده‌های ناسا - آگاهانداخته‌اید، مجاهدین را با اصطلاح خودتان "بدتر از کفار" میدانید ولی حالا چنانکه گوشتی مردم در خواب بوده اند مجاهدین را مسلمان می‌شمارید! حزبیه با طریقت دوکانه مجاهدین نه تنها از نزدیک شدن آنان به کمونیست‌ها و ماندن در صف انقلاب و حشد دارند بلکه از نزدیک شدن سیاست رهبری مجاهدین به لیبرال‌ها و بنی صدر هم می‌ترسند، آقای بهشتی و حزب او میکوشند مجاهدین را در وسط نگاه داشته تضعیف و سرکوب نمایند.

اما مجاهدین باید بدانند که لیبرال‌ها هم‌دستان حزب اندوشریک در جنایات آنان مجاهدین باید بدانند که همیما نسان استراتژیک آنها جز نیروهای انقلابی کمونیست کسی نیست، این حقیقتی است که بارها در عمل ثابت شده و منطبق بر ماهیت انقلابی و ضد امپریالیستی هردو میباشند.

## بقیه از صفحه ۱ آقای رفسنجانی...

برای زحمتکشی که لقمه را از دهان نشان گرفته و آن را بصورت پول به حسابها می‌گردانیم باز کرده و ایرنموده اند و معلوم نیست چه کسی مسئول آن پولهاست (روزنامه‌های اول دی - مذاکرات مجلس)

برای کارگران کارخانه‌های کشور که بخاطر کمک به جنریدگان بجای همان ساندویچ معمولی ناهنسا، ناگزیرند با نان سبزیجاتی شکرمان را سیر کنند

کار ساداهای نبود.

توجیه قضیه خرید ۳۰۰ میلیون تومان اسلحه روز طول کشید و آقای رفسنجانی در مصاحبه‌ای که در دوم ماه در روزنامه‌ها چاپ شده با اصطلاح به پاسخ اقدام کرد، او بهیچوجه نمیتوانست مثل بسیاری از حقایق دیگر، این رسوایی را انکار کند، او به هیچیک از نکاتی که در تراکت مبادانها اشاره شده بود یعنی گرانی سرسام آور، فقر شدید روستائیان، ۳۰ میلیون بیگانه، بیش از یک میلیون آواره جنگ پاسخ نداد، آقای هاشمی به مصرف این سلاحها که کنترارعا مرگوشهای کردستان و کشنار انقلابیون و کمونیست‌ها در سراسر کشور است نیرتپرداخت.

فقط گفت که این بدستور امام بوده ولی نگفت که این مبلغ از بیت‌المال و حاصل رنج و زحمت کارگران و زحمتکشان یکدام حقی در اختیار ایشان بوده است؟

آقای رفسنجانی ما را که افشاگر بین‌خیا‌نتها هستیم طبق معمول "ضدانقلابی" نامید و لوسی توده‌های آگاه و خوبی واقفند که ضدانقلابی چه کسانی هستند، آنها میدانند کسانی که ما تندآقای رفسنجانی که در نقطه مقابل منافع توده‌های زحمتکش ایستاده و انقلاب دیگران تیک زده امپریالیستی خلق را با ناگامی (هر چند موقت)

روبرو کرده‌اند، ضدانقلابی هستند.

آقای رفسنجانی مسئولیت را بگردن بانک مرکزی انداخت و برای کسانی که چنان سندی را تنظیم کرده و بعداً را به بیرون درز داده‌اند خط و نشان کشید، او خواست از این مساله علیه رقبای لیبرال خود "بل" بگیرد ولی وانمود می‌کرد که نمیداند که هدف ما نه تنها افشای جنایتهای حزب جمهوری، بلکه خیانتهای همپالکی‌هاشان یعنی لیبرال‌ها هم هست. سر - انجام بعد از این افشاکاری نه تنها دامن حزب را گرفت، بلکه به لیبرال‌ها نیز صاف بت نمود، بانک مرکزی آقای نویری هم اعلامیه داد (۳ دی ماه) و کوشید به توده‌ها بقبولاند که مخالفی صورت نگرفته و "کسب‌اجازه" زحمتکاران و کار خود قرار داد، اتفاقاً برای کارگزاران و زحمتکشان و آوارگان و کلیه ستمدیدگان میهن ما مبارزه با هرگونه اقدام ضدانقلابی - حاصل عامل آن هر کس که باشد مطرح است، برای این توده‌ها که هر روز آگاه و آگاهتر میشوند افشای دشمنان خلق در هر چه‌ای که باشند از شماست.

ما کمونیست‌ها تعهد و وظیفه خود در مقابل خلق را از یاد نمی‌بریم و هیچ درنگی در دیدن ماسک‌های فریب که دشمنان خلق به چهره می‌زنند روا نخواهیم داشت، حالا برای اینکه گوشه بسیار کوچک دیگری از خیا‌نتهای کسانی که ما نندهاشمی - رفسنجانی روشن شود و معلوم گردد که حیثیت و میل اموال عمومی از ایشان امر عیبی نیست و او تا چه حد "مول قوم خویش با زی" است، ما انقلابیگری به مردم قالب میکنند به این سندی و افشاکاری توجه کنید:

سند و بیرو نشان میدهد که محمد هاشمی رفسنجانی (یکی از برادران حجت الاسلام رفسنجانی) که ۱۲ - ۱۰ سال در آمریکا حث تحصیل می‌کرده و چنان رفتار پاسیو و مشکوکی داشته که از کنفدراسیون دانشجویان اخراج شده بود و حداکثر جزو اردوستانه دکتربیزدی در انجمن اسلامی بوده است، پس از قیام مبهمن، به شغلای نظیر "عضو هیات مدیره سازمان مرکزی تعاون روستائی" منصوب شده و مبلغ ۱۳۷۵ تومان حقوق ماهانه‌اش بوده است، او حالا هم "ازیرکت" برادر رئیس مجلس بودن و "مکتبی بودن" معاون وزارت کشاورزی است، و عضو هیات سیاسی ایرانی که اخیراً برای سر و صورت دادن روابط ایران با امپریالیست‌های اروپائی به انگلیس فرستاده و آلمان سفر کرد نیز بود.

**انجمن کارکنان دولتی ایران**

معاونت کارکنان دولتی

تاریخ: \_\_\_\_\_  
 قلمرو: \_\_\_\_\_  
 شماره: \_\_\_\_\_  
 متن است در پاسخ باین شماره اداره قوم

**آقای محمد هاشمی رفسنجانی**

**مهم هیئت مدیره سازمان مرکزی تعاون روستائی**

پهرو حکم شماره ۲۵۲۱۷ مورخ ۵۸/۲/۲۲  
 و با استناد اخبارات حاصله از مجمع عمومی سازمان، بموجب این حکم حائز و مزایای مادامه ثبات بر اساس دستورالعمل شماره ۲۲/۱۱۰۰  
 تاریخ ۵۳/۱۱/۱۱ و ۱۳۹۱/۲/۲۰ رخ ۵۲/۹/۲ -  
 سازمان امور اداری و استخدامی، مبلغ یکصد و سی و هفت هزار و پانصد (۱۳۷۵۰۰) ریال تعیین میگردد که از تاریخ انتصاب طبق مقررات قابل پرداخت میباشد.

علی محمد آزادی  
 وزیر کار، اداری و عمران روستائی

رونوشت به: اداره کل امور مالی  
 رونوشت به: اداره کل کارگزینی



بقیه از صفحه ۳۲ آیت الله...

"کسی نگفته ما زمان مجاهدین خلق کا فرند برای اینکه اسلام به این اصل، کسی شهادتین راه قرآن و پیغمبر اسلام را قبول داشته باشد. این میشود اسلام ولی اشتباهات در عقاید آنها هست... به برادران و خواهران دیگر توصیه میکنیم که آنها را با آغوش باز بپذیرند، چون آنها بچه های خودمانند، جوانان خودمانند، از خراج که نیستند بچه های این کشورند، مجاهدین خلق همه بچه های این کشورند، ما به ایشان علاقه داریم، بچه های مسلمانند..." (کمپان اول دیماه، نظرات آیت الله منتظری درباره زمان مجاهدین خلق)

سخنان اخیر آیت الله منتظری با ردیگر هراس زده انقلاب را از "و جگیری جنبش انقلابی نشان داد، ضد انقلاب برای مقابله با نیروهای انقلابی دست به کشتن و سرکوب و خشونت آنها میزند، اما زمانیکه از مقابل انقلاب عا جزند بیگانه گریه عا بد میشود دست نوازش دراز میکند و از این فرصت برای بهمازش کشاندن نیروهای انقلابی و تجدید قوا برای سرکوب مجددا استفاده میکند. سخنان شدا و غلاظ خمینی و منتظری و قطعنا مه را هییمائی کذاشی را ملاحظه کردید، حال آنرا با سخنان اخیر منتظری مقایسه کنید، بوی تعفن عوام فریبی سردمداران رژیم آشکار میشود، آن هنگام که احساس نیرومندی میکنند، با سخنیرو های انقلابی شکنجه و کشتار است و در هنگام ضعف بدون اینکه از سرکوب نیروهای انقلابی صرف نظر کنند برای کشیدن آنها از صفا انقلاب نقش "پدرمهربان" را بازی میکنند، اما مگر همین اکنون حدود هزار نفر از این "جوانان مسلمان" که بقول آیت الله منتظری بچه های این کشورند، در سیاهای رژیم جمهوری اسلامی زندانی نیستند، مگر همین اکنون رهبران مجاهدین تحت تعقیب نیستند و اعلامیه های ایشان نیز حتی غیرقانونی نیست، آقایی منتظری بعنوان یک تانک موقتی برای جذب مجاهدین، سخنان ملاطفت آمیز بر زبان میآورد (انگار سخنان دیروزیش یا دمان رفته است!) تا شاید آنها را وادار به سازش با هیئت حاکمه بکشاند. ماضن افشای دورویی و دغل بازی منتظری اذعان میداریم که این سخنان فریبی بیش نیست و سرکوب مجاهدین از سوی جمهوری اسلامی ادامه خواهد یافت. این سخنان فریب کارانه تنها موضع ضعف رژیم را در مقابل جنبش توده ها آشکار میکند، مضافا برا اینکه جناح حزب جمهوری میخواد در در عوایش با لیبرالها چشمکی نیز به مجاهدین زده باشد (چشمکی کم و موقتی که هرگز نمیتواند مانع از سرکوب مجاهدین گردد، توهین به مجاهدین حتی پس از سخنان منتظری نیز کاشتن نیافته است، صفحه کثیف "چپ اندر چپ" ارگان مرتجعین جمهوری اسلامی در هفته گذشته نیز همچنان بر لجن پراکنی در مورد مجاهدین و دیگر نیروهای انقلابی ادامه داده و رجائی نیز در سخنرانی در "سینا" رانمه جمعه "با ردیگر به آنها حمله میکند و خلاصه همه

سردمداران حزب کمکان حملات خویش را بسر "منافقین" ادا نمیدهند و در حمله با سارا ن ارتجاع در خیابان مبارزان تهران، حداقل یکی از هواداران مجاهدین خلق را میکشند و چندین نفر را زخمی مینمایند.

بدین ترتیب سی آنکه سرکوب نیروهای انقلابی حتی بطور مقطعی متوقف شده باشد، سخنان منتظری، تنها یک معنی دارد، منزوی شدن بیش از پیش ارتجاع! و جگیری جنبش توده ای، کاهش توهم توده ها نسبت به رژیم، آنها را سخت وحشت زده کرده است چنین است که آقایی منتظری، برای جلوگیری از مزوی ترشدن بیشتر حزب جمهوری اسلامی به نیرنگ جدیدی جنگ میزند و ندای آشتی با یکی از نیروهای مهم جنبش دموکراتیک ایران سر میدهد.

پاسخ مجاهدین به نیرنگ بازی کنونی حامیان و سردمداران حزب جمهوری اسلامی، با یستی افشای واقعی مواضع ضد انقلابی آنها و توضیح اینکه چرا رژیم به چنین عجزی رسیده است باشد، دوستان مجاهد باید اندیشها: موضع انقلابی و تعرضی است که ضد انقلاب هراسناک به عقب وادار میشود. در اوج مفاشات مجاهدین و عقب نشینی های آنها در وقتای دانشگاه، عدم افشای جنایات رژیم در کردستان و... دیدیم که چگونه آیت الله خمینی و منتظری به آنها بورش آوردند، در حالیکه اکنون که ضد انقلاب، ادا مانشا رتشر به مجاهدرا علی رغم غیرقانونی شدن آن و سرخورد های انقلابی هواداران مجاهدین در آمل و لاهیجان و... را شا هدر کرده، دست به عقب نشینی زده است. از سگ اگر بگریزی، بتوپا رس میکند و هجوم میآورد اما اگر به آن حمله کنی ممکنست دم تکان دهد! اما اینجا ستوالی که از دوستان مجاهد میخوان پرسید اینست که بچه خاطر هر چند گاه هی مورد التفات این با آن نیروی ضد انقلابی واقع میشوند. چرا زمانی لیبرالهای مرتجع برای کشیدن مجاهدین بسوی خود میکوشند و زمانی نیز توده ایهای خائن، بدران آنها را نصیحت کرده، خواهان ترک آنها از مواضع انقلابیشان میگردند و اکنون نیز آقایی منتظری به نفعی سخنان پیشینش برای جذب آنها می پردازد، آیا این التفات به مجاهدین، بخاطر این نیست که امید های این نیروهای ضد انقلابی برای منصرف کردن مجاهدین از انقلاب در سمری پروراند؟ آیا این امیدها بخاطر ترزیزلات متعدد مجاهدین در مقابل انقلاب نیست؟ آیا اگر مجاهدین در مبارزه طبقه ای، ترزیزلات وسیعی را که تا امروز شاهد آن بودیم از خود نشان نمیدادند، باز هم ارتجاع میتواند به آنان امیدوار باشد و از لیبرالها و توده ایهای مزدورتا حزبیهای فائز و سرسخت برایشان دندان تیز کنند؟ بر مجاهدین خلق است که با قاطعیت بخشیدن به مواضع انقلابی، تمامی ضد انقلاب را دلسرد و دال افسرده سازد.



بقیه از صفحه ۳۲ سمینار...  
ثانیا: اجمعه زیر چتر بوروکراسی!

پس از دادن قدرت و اختیارات وسیع به اجمعه "مسئله اساسی دیگری که برای حزب مطرح میشود کنترل و هدایت این "اگمه دریک بوروکراسی منظم و هدایت شده است، خامنه ای بوضوح به لزوم این سیستم اداری اعتراف میکند: "اگر این نمازهای جمعه با مدیا دوست نوع خط در سرا سر کشور برگزار شود تنها مفید نخواهد بود بلکه زیان آور نیز میباشد و سراسری رفع این مسئله احتیاج به تکرار اینگونه سمینارها میباشد." (جمهوری اسلامی، ۳ دی) و آیت الله مشکینی نیز ضرورت تشکیل این سمینار را از جمله درهما هنگ کردن "اگمه جمعه" میداند، اما "حزب" تمیخواهد تنها از طریق سمینارها، ایجاد هماهنگی کند بلکه میخواهد تشکیلات اداری منظمی بهمین منظور ایجاد نماید. بهمین خاطر "دفتر مرکزی نماز جمعه در شهر قم"، بمشابه ارگان اداری "اگمه جمعه" تاسیس میگردد (ما ده ۱۱ قطعنا مه، جمهوری اسلامی، ۳۰ دی) البته "اگمه جمعه هراستان لاقل هر یکما هیکبار جلسه هماهنگی خواهند داشت، و سمینار سراسری "اگمه"، هوش ماه یکبار برگزار خواهد شد و حتی برای این بوروکراسی "اگمه جمعه" ایجاد یک با زرسی ویژه نیز پیشنهاد میشود: "بهتر است زیر نظر امام مراکزی برای رسیدگی به شکایاتی که از اگمه جمعه میرسد، رسیدگی کند." (سخنان آیت الله منتظری در سمینار، جمهوری اسلامی، ۲ دی) بدین ترتیب "اگمه جمعه"، دریک سازمان بوروکراتیک تحت رهبری و کنترل حزبیها متشکل میشوند و بمشابه یک ارگان قدرت حزب عمل خواهند کرد. بعنوان اولین قدرت نمائی میتوان به سخنان خامنه ای اشاره کرد، که در خط دادن به اگمه جمعه، کوبیدن لیبرالها و مجاهدین (خط نفاق) را در اس کارهای آنها قرار داد (هما نجا ۳ دی) و بدین ترتیب بعیان مشخص کرد که "اگمه جمعه" مبلغ منافع کدام جناح از قدرت هستند و حتی بطور مشخص به "بنی صدر بعنوان یک جریان ضعیف که مخالف نماز جمعه است" (چرا که بنی صدر گفته بودند نماز جمعه با یکا هتفرقه افکنی شده و منظور این بود که به آلت دست حزبیها تبدیل شده است.) حمله کرد (هما نجا ۲۰ دی) و لیبرالها نیز که با شطبقاتی شان در بافته بودند، متشکل شدن اگمه جمعه در یک تشکیلات بوروکراتیک بسود حزب عمل میکند نصیحت نامه برالتما سی در انقلاب اسلامی، ۳ دی چاپ کردند (نوشته سلامتیان) که در آن خواسته بود "اگمه جمعه" از هنج گروهی دفاع نکنند، اما سخن آخر ما، اینست که حزب نتواند نتوانست با استفاده از هزاره قدرتی ایجاد تشکیلات اداری برای "اگمه جمعه" و... به تثبیت خویش بیزداد و جگیری انقلاب چنان عرصه را بر آنها تنگ خواهد کرد، که با یستی "اگمه جمعه اش" ارتش انقلاب نماز وحشت بریادارند!



